

اخلاق عبادی

نویسندگان : سید علام عباس طاهرزاده، علی اصغر الهامی نیا

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین عليهم السلام
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده
است

مقدمه

بدیهی است که (اخلاق) و (عبادت) در یکدیگر تاءثیر متقابل دارند، به این بیان که از یکسو اخلاق نیکو، سبب پیدایش و تقویت روحیه پرستش در فرد می گردد و از سوی دیگر، یکی از آثار قطعی عبادت حق ، تهذیب نفس ، یا آراسته شدن به صفات زیبا و پیراسته شدن از خصلتهای زشت است . بطور مثال ؛ قرآن مجید چنین اثری را برای عبادتهایی مثل نماز، روزه و زکات ، بدیهی دانسته ، می فرماید:

(إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) ⁽¹⁾

همانا نماز (آدمی را)، از فحشا و منکر، باز می دارد.

(حُذِّمْنَ أَمْوَالَهُمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا) ⁽²⁾

از ثروتهایشان صدقه (زکات) بستان تا به وسیله آن ، آنان را پاک سازی و پرورش دهی !

شهید مطهری در این رابطه می نویسد:

(... در عبادت ، خارج شدن از محدوده کوچک خودی ، خارج شدن از محدوده آمال و تمنیّات کوچک ، محدود و موقت هست ، و به عبارت دیگر؛ در عبادت ، انسان از دایره تمنیّات و آمال کوچک ، خارج می شود، در عبادت التجاهست ، انقطاع هست ، در عبادت ، واقعاً انسان از محدوده خود خواهیها، خود پرستیها، آرزوها، تمنیّها وامور کوچک پرواز می کند و بیرون می رود... بزرگترین ، شریفترین ، باشکوهترین و با عظمت ترین حالت انسان ، آن حالت پرستشانه ای است که به خود می گیرد.) ⁽³⁾

همان گونه که روشن است برخی از صفات زشت یا زیبای اخلاقی، در ظاهر، رابطه بیشتری با عبادات دارند و نیز، رعایت برخی از آداب و مسائل اخلاقی در مورد بعضی عبادات ضروری تر به نظر می رسد که بخش مهمی از (اخلاق عبادی) را نیز تشکیل می دهند.

در جزوه حاضر سعی شده تا حدودی به این مسأله پرداخته و گوشه ای از آثار اخلاق و عبادت در یکدیگر و همین طور بخشی از آداب و سنن نیکوی عبادی مطرح شود، تا به خواست خدا عبادات و اخلاقمان، نیکوتر گردد.

مرکز تحقیقات اسلامی

معاونت متون آموزشی

درس اول: عبادت ، هدف خلقت

حقیقت عبادت

الف - مفهوم عبادت

عبادت ، اظهار بندگی و نیاز در پیشگاه خداوند تعالی و بیان خواستها و تقاضای تکامل از درگاهش و تقدیس ذات مقدس اوست .
(در لغت به معنای افتادگی و ذلت است و به همین دلیل برای غیر خدا پسندیده نیست .) (4) و در اصطلاح : (مراقبت بر افعال و اوامری است که خداوند فرمان داده است .) (5)

شهید مطهری در زمینه اهمیت و نقش عبادت می گوید:

(عبادات برای این مقرر شده که مردم ، مقنن قانون را فراموش نکنند و ارتباطشان همواره با او برقرار باشد و به یادشان باشد که خدایی دارند و مراقب آنهاست و همان خداست که قانون عادلانه را میان آنها وضع کرده است .) (6) ب - اقسام عبادت

عبادات را با یک نگاه می توان به سه نوع تقسیم کرد:

1- برخی جنبه عبادی محض دارد و باید با (قصد قربت) انجام گیرد و گرنه باطل است . مانند؛ غسل ، وضو، نماز، روزه ، حجّ، خمس ، زکات و مانند آن .

2- برخی دیگر کارهایی است که اگر به قصد تقرّب به خدا انجام گیرد، عبادت محسوب شده و اجر بیشتری دارد. مانند امر به معروف و نهی از منکر و تاءمین نفقه برای خانواده

3- قسم سوّم ، جهت دادن هر ترک و فعلی به سوی کسب رضای الهی است که در این صورت همه کارهای انسان عنوان عبادت پیدا می کند. چنانکه رسول اکرم ﷺ به روزه داران ماه رمضان نوید داده است :

(نفسهایتان در این ماه ، تسبیح خدا و خوابتان در آن ، عبادت است .) (7)

همچنین کارهایی از قبیل نگاه کردن به چهره عالم و پدر و مادر یادگیری مسائل دینی ، اندیشیدن و تفکر ، ادای حق مومن ، خاموشی و ... نیز عبادت شمرده شده است . (8)

رسول خدا ﷺ فرمود:

(مَا يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدِي بِمِثْلِ إِدَاءٍ مَا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ...) (9)

هیچ عملی همچون انجام واجبات بنده رابه من نزدیک نمی کند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز با دیدگاه دیگری عبادت را به سه نوع تقسیم کرده

است :

1- عبادت تجاری .

2- عبادت از روی ترس .

3- عبادت عاشقانه .

ج - ارزش عبادت

عبادت و بندگی در برابر پروردگار متعال ، مایه پرهیزگاری و تقرب به ذات

اقدس الهی است . قرآن کریم می فرماید:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ

تَتَّقُونَ) (11) ای مردم پروردگارتان را که شما و پیشینیانتان را آفریده بپرستید،

شاید با تقوا شوید .

هر چه انسان در مسیر عبادت خدا گام بردارد، نزد خدا وخلق محبوبتر و با ارزشتر می شود. به عبارت دیگر، در جهان آفرینش ، معیار ارزش گذاری مخلوقات ، کرنش و عبادت است و هر چه انسان از راه عبادت ، کوچکی و وابستگی خویش را به خداوند نشان دهد از عزت و آزادگی بیشتری برخوردار می گردد. امام صادق علیه السلام فرمود:

(امام حسین علیه السلام نزد یارانش آمد و فرمود: خداوند متعال ، بندگان را جز برای اینکه او را بشناسند نیافرید، وقتی آنان خدا را شناختند او را می پرستند و هر گاه او را بپرستند از پرستش دیگران بی نیاز خواهند بود).⁽¹²⁾

بنابراین راز و ارزش عبادت در این است که انسان را از تمام مخلوقات خدایی نیاز کرده ، او را در اوج آزادگی و عزت ، وابسته به ذات مقدس خدا نگه می دارد که عین رستگاری است ، چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

(الْعِبَادَةُ فَوْزٌ) ⁽¹³⁾ عبادت فوز و رستگاری است .

هدف خلقت در قرآن

خداوند در آفرینش انسان هدف بسیار مهمی را دنبال کرده است . قرآن کریم آن هدف مهم را چنین معرفی می کند.

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) ⁽¹⁴⁾ جن و انس را جز برای پرستیدن و عبادتم نیافریدم .

چنان که گذشت ، انسان با پرستش خدا، ارج و منزلت خویش را بالا می برد و گرنه روشن است که ذات مقدس خدا کمترین نیازی به عبادت ندارد . از این رو، خداوند در ابتدای آفرینش انسان ، از او پیمان می گیرد که در مسیر عبادت او که (صراط مستقیم) است ، گام بردارد و جز او را نپرستد که آن راه شیطان است . خدای تعالی در قرآن مجید می فرماید:

(أَعْلَمَ أَعْنَهُدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَعَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ وَ أَعَنْ اِعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ) ⁽¹⁵⁾ ای فرزندان آدم ! آیا با شما پیمان نبستم که شیطان را نپرستید زیرا او دشمن آشکار شماست و مرا عبادت کنید که راه راست همین است ؟

خداوند سبحان در این آیه ضمن این که انسان را از عبادت و اطاعت شیطان منع می کند، هدف و غایت زیستن را عبادت و اطاعت از خود می داند و پیمان و قانون خلقت را شاهد می آورد که باید انسانها عبودیت خدا را بر بندگی غیر خدا مقدم بدانند و دلیلش را درست بودن این راه می داند. ⁽¹⁶⁾

هدف خلقت در روایات

در احادیث و سخنان پیشوایان معصوم: نیز هدف از خلقت انسان، عبودیت و بندگی وی نسبت به خدای مقتدر عنوان شده است. حضرت امیر علیه السلام ضمن بیان مراتب توحید فرمود:

(الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ لِعِبَادَتِهِ وَاءَقْدَرَهُمْ عَلَى طَاعَتِهِ..).⁽¹⁷⁾

خداوند، مخلوقات را برای عبادتش آفرید و آنان را بر فرمانبرداری از خود، توانا ساخت.

امام صادق علیه السلام در جواب فردی که پرسید: خدا مردم را برای چه آفرید؟ پاسخ داد:

(إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقْ خَلْقَهُ عَبَثًا وَ لَمْ يَتْرُكْهُمْ سُدىً بَلْ خَلَقَهُمْ لِإِظْهَارِ قُدْرَتِهِ وَ لِيُكَلِّفَهُمْ طَاعَتَهُ فَيَسْتَوْجِبُوا بِذَلِكَ رِضْوَانَهُ، وَ مَا خَلَقَهُمْ لِيَجْلِبَ مِنْهُمْ مَنَفَعَةٌ وَ لَا لِيُدْفَعَ بِهِمْ مَضْرَةٌ بَلْ خَلَقَهُمْ لِيَنْفَعَهُمْ وَ يُوَصِّلَهُمْ إِلَى نَعِيمِ الْآبِدِ)⁽¹⁸⁾ خداوند، مخلوقات را بیهوده و بی هدف نیافرید و آنان را به حال خود رها نکرد، بلکه آنان را آفرید تا قدرتش را آشکار کند و آنها را به اطاعت خویش مکلف سازد تا بدین وسیله، رضایت خدا را حاصل نمایند و آنها را خلق نکرد تا از آنان سود ببرد یا به وسیله آنها ضرری از خود دور کند، بلکه آنان را آفرید تا به آنها بهره داده، به نعمت جاویدشان برساند.

با اندکی دقت در آفرینش خود و جهان در می یابیم که آفرینش ما از روی لطف و بزرگواری (الله) بوده است؛ زیرا او قدرت و خیر مطلق است و ذات مقدّسش از هر گونه نیازی پاک است. از طرف دیگر، هستی هر موجودی، فیض و مرحمتی است که از جانب او به آن موجود می رسد. پس سپاس، آن یگانه ای را که انسان را به موهبت (معرفة الله) گرامی داشت و در حدیث قدسی فرمود:

(كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا فَأَعْجَبْتُ إِعْنَاءُ عُرْفٍ وَ خَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أَعْرِفَ) ⁽¹⁹⁾ من گنجی پنهان بودم، دوست داشتم شناخته شوم، خلائق را آفریدم تا مرا بشناسند.

در اینجا نیز هدف خلقت، معرفت به خدا عنوان شده است؛ زیرا شناخت و معرفت، اساس عبادت و بندگی خداست.

خلاصه درس

عبادت به معنی افتادگی و اظهار خضوع و کوچکی در پیشگاه قادر مطلق است و این حالت در برابر غیر خدا سزاوار نیست ، چون فقط خداوند است که عاری از هر نقص و عیب می باشد.

_ در روایات اسلامی عبادت از سه حال خارج نیست یا از ترس جهنم است یا به طمع بهشت یا به دلیل عشق و محبتی که عابد به خدا دارد که نوع سوم از همه برتر است .

_ قرآن هدف از خلقت بشر را عبادت و ستایش خالق متعال می داند و هشدار می دهد که غیر خدا را پرستش نکنید و به راه شیطان قدم نگذارید و از او اطاعت نکنید.

_ در روایات نیز هدف خلقت انسانها عبادت و بندگی خدا معرفی شده تا بدین وسیله از گمراهی و انحرافات دیگر نجات یابند.

پرسش

1- عبادت را معنا کنید.

2- انواع عبادت را بیان کنید.

3- قرآن هدف از خلقت را چگونه بیان می کند؟ 4- امام حسین علیه السلام به

اصحاب خود در باره هدف خداوند از آفرینش چه فرمود؟

درس دوّم: عبادت و کمال انسانی

مفهوم کمال

کمال در لغت ، به معنای تمام شدن ، کامل شدن ، تمام و آراستگی صفات است .⁽²⁰⁾ و در اصطلاح ، به این معنی است که در ساختمان وجودی انسان ، بُعدی بی نهایت قرار گرفته که انسان می تواند با گام برداشتن در راه خدا به (اعلی علیین) برسد. چنان که قرآن مجید در مورد پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

(ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَعْوَاءً ذُنًى) ⁽²¹⁾ سپس نزدیک شد و بسیار نزدیک شد تا به قدر دو کمان یا نزدیکتر.

شهید مرتضی مطهری می نویسد:

(ما در زبان عربی ، دو کلمه داریم (کمال) و (تمام) که نزدیک به یکدیگر هستند. انسان تمام می تواند کامل و کاملتر باشد، تا به آن حدّ نهایی برسد که از آن بالاتر دیگر انسانی وجود ندارد، این را می گوئیم انسان کاملِ کامل ، که دیگر حد اعلای انسانیت است).⁽²²⁾

کمال یابی در پرتو عبادت

تمام برنامه های دینی و الهی برای تکامل انسان پایه گذاری شده است . هدف واقعی عبودیت و بندگی و فلسفه عبادت‌های ما که خود، کلاسهای تربیتی هستند، تکامل انسان است .

کمال انسانی ابعاد مختلفی دارد مانند کمال عرفانی ، کمال عبادی ، کمال سیاسی و کمال اخلاقی که در پرتو عبادت الهی فراهم می شود، چرا که انسان وقتی به مقام بندگی خدا توجه کرد. خلائق را آفریده های او می داند و لطف و رحمت و رفتار نیکو نسبت به آنها را وظیفه بندگی خویش می شمارد و انس و الفت با آنها را راه وصول به بندگی می داند، همینطور به فرمانهای الهی در مسائل اخلاقی عمل می کند؛ پس بنده خدا به اخلاق الهی متخلق می شود و اعضا و جوارحش کاری خدایی انجام می دهند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

(خدای عزوجل فرموده است : هیچ بنده ای به وسیله چیزی ، نسبت به من تقرب نجسته که محبوبتر از انجام فرایض باشد و او با انجام نمازهای مستحب تا آنجا به من نزدیک می شود که او را دوست می دارم . وقتی او محبوب من شد، من گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و زبان او می گردم که با آن سخن می گوید و دست او می شوم که با آن می زند. هر گاه مرا بخواند او را اجابت می کنم و اگر چیزی از من بخواهد بدو می بخشم)⁽²³⁾

عبادت و اطاعت از خدا سبب می شود که انسان با قدرت الهی صداهایی را که با نیروی عادی نمی شنود، بشنود و صورتهایی را که دیدگان عادی را یارای دیدن آن نیست، ببیند. امام خمینی (ره) می فرماید:

(... شما ملاحظه کردید که در قرآن شریف و همین طور در نماز وقتی که (تشهد) نماز را می خوانید نسبت به رسول اکرم ﷺ (عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ) عبد را بر رسالت مقدم داشتند و ممکن است که اصل این به این اشاره باشد که از کانال عبودیت به رسالت رسیده است، از همه چیز آزاد شده است، و عبد شده است، عبد خدا نه عبد چیزهای دیگر).⁽²⁴⁾

پس باید اذعان کرد که تنها راه رسیدن به کمال انسانی - که همان نزدیکی به پروردگار است - بندگی و عبودیت است که در بستر (صراط مستقیم) و با عنایت و مدد الهی انجام می گیرد.⁽²⁵⁾

بنابر این (عبادت) و (کمال) لازم و ملزوم یکدیگرند و به عبارتی، هر یک در دیگری تاءثیر متقابل دارد. بدین ترتیب، انسانی که در مسیر تکامل گام نهاده است به عبادت پروردگار می پردازد و هر چه عبادت بیشتر و بهتر انجام گیرد تکامل سرعت می یابد و هر چه انسان کاملتر گردد، عبادت و بندگی نیز افزون می شود و هر چه در این مسیر کوشش نماید، خدایی تر می شود، بگونه ای که اندیشه، گفتار و کردار او رنگ خدایی می گیرد که در بخش دیگر به ترسیم آن خواهیم پرداخت.

ویژگیهای انسان کامل

قرآن مجید با عنوان زیبای (عِبَادُ الرَّحْمَنِ) بندگان خدای رحمان با چنین ویژگیهایی معرفی می کند:

الف - فروتنی

تواضع و فروتنی یکی از ویژگیهای انسان کامل است .

قرآن کریم می فرماید:

(وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا) ⁽²⁶⁾ بندگان خدای رحمان

کسانی اند که با تواضع بر روی زمین راه می روند.

ب - حلم و بردباری در برابر جاهلان

نشانه دیگر انسان کامل ، مدارا با مردم ، بویژه طبقه

جاهل و نادان است . قرآن کریم می فرماید:

(... وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا) ⁽²⁷⁾ و چون جاهلان آنان را مخاطب

سازند (با بزرگواری عبورکنند) و سخنان مسالمت آمیز گویند.

مردی بادیه نشین از قبیله (بنی سلیم) خدمت

پیامبر ﷺ رسید و با کمال جسارت گفت :

تو همان جادوگر دروغگویی هستی که آسمان بر کسی دروغگوتر از تو،

سایه نیفکنده و زمین دربر نداشته است ! عمر در این لحظه خواست او را بکشد

پیامبر ﷺ وسلم فرمود:

(عمر بنشین! حلم و بردباری به اندازه ای نیکوست که شایسته است
افراد حلیم و بردبار پیامبر باشند)⁽²⁸⁾

می بینیم رسول اکرم ﷺ در اوج قدرت و توانایی، نسبت
به آن مرد گستاخ با حلم و بردباری برخورد می کند و قدرت و شوکت آن
حضرت سبب انتقامجویی و برتری طلبی نمی گردد.

ج - عبادت در دل شب

سومین ویژگی عابدان کمالجو، راز و نیازهای عاشقانه
آنها در دل شب است. قرآن کریم می فرماید:

(...وَالَّذِينَ يَبْتُغُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا)⁽²⁹⁾ و آنان که شب را در سجده یا
در قیام برای پروردگارشان به صبح می آورند.

چنین کسانی از سوی رسول خدا ﷺ با لقب (اشراف) توصیف شده اند،
آنجا که فرمود:

(أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَأَصْحَابُ اللَّيْلِ)⁽³⁰⁾ اشراف امت من،
حاملان قرآن و شب زنده داران هستند.

د - دعا برای رفع عذاب جهنم

(وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا
إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا)⁽³¹⁾ آنان که می گویند: ای پروردگار ما،
عذاب جهنم را از ما بگردان، زیرا عذاب جهنم، مهلک و دایمی است. جهنم بد
قرارگاه و بد مکانی است.

ه - میانه روی در انفاق

انسانهای کامل هنگام بخشش خسیس نیستند و ریخت و پاش و اسراف هم
در کارشان نیست.

(وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا) ⁽³²⁾ و آنان

که چون انفاق می کنند اسراف نمی کنند و خست نمی ورزند بلکه میان این دو، راه اعتدال را می گیرند.

و- اخلاص

ویژگی دیگر رهایی از بندهای اسارت و وابستگی به غیر خدا و رسیدن به توحید خالص است که آنها را از هر گونه شرک دور می سازد. قرآن کریم می فرماید:

(وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ) ⁽³³⁾ و آنان که با خدای یکتا خدای

دیگری را نمی خوانند.

مقام اخلاص یکی از عالیترین مراحل تکامل و سیر و سلوک است .

اخلاص دارای درجاتی است که پایین ترین مرتبه اش این است که انسان عبادتهایش را از شرک و ریا و خودنمایی خالص نماید و فقط برای خدا انجام دهد. ارزش عمل به نیت پاک و خلاصی از شرک و ریاست . رسول خدا ﷺ به ابوذر فرمود:

(يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَلَا إِلَى أَمْوَالِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ) ⁽³⁴⁾ ای اباذر! خداوند به صورتها ومالهای شما نگاه نمی کند، بلکه به قلبها و عملهای شما نظر می کند.

آنچه خواندید، تنها برخی از صفات کمال بندگان شایسته خدا بود که در چند آیه از قرآن آمده است .

وقتی قرآن مجید، بندگان خدای رحمان را دارای چنین کمالاتی معرفی می کند از آن برداشت می کنیم که عبادت با کمال ، رابطه ای مستقیم دارد و کمالجویان واقعی از راه پرستش به آرمان خویش نایل می شوند و

پرستشگران حقیقی نیز صفات زیبای انسانی را در خود تقویت می نمایند تا به مقام والای عبودیت ، که همان کمال انسانی است برسند.

به امید آنکه ما نیز در چنین مسیری گام برداریم - ان شاء الله .

خلاصه درس

_ انسان می تواند با گام برداشتن در راه خدا به اوج کمال
برسد.

_ تمام برنامه های دینی و الهی برای تکامل انسان پایه گذاری شده است .
_ عبادت سبب می شود انسان به مقامی بس والا برسد، چنان که
پیامبرگرمی اسلام از راه عبودیت به رسالت و اوج کمال نایل گشت .
_ انسان کامل ویژگیهای زیادی دارد که می توان از: فروتنی ، بردباری در
برابر جاهلان ، عبادت در دل شب ، میانه روی در انفاق و اخلاص
نام برد مقام اخلاص یکی از عالیترین مراحل تکامل و سیر و سلوک
است .

پرسش

- 1- معنای لغوی و اصطلاحی کمال را بنویسید.
- 2- حقیقت عبودیت چیست ؟ توضیح دهید.
- 3- چرا کلمه (عبده) بر کلمه (رسوله) مقدم است ؟
- 4- چهار ویژگی از ویژگیهای انسان کامل را بنویسید.

درس سوّم: نظم و اعتدال در عبادت

نظم و اعتدال و اهمّیت آن

نظم در لغت ، آراستن و درست کردن و میزان کردن چیزی را گویند.⁽³⁵⁾ نظم پدیده ای است که آفرینش موجودات با آن شکل گرفته و خداوند دانا جهان را بر اساس آن بنا کرده است ، بطوری که یکی از دانشمندان می نویسد: (در جهان هستی ، تا آنجا که عقل و دانش بشر از روی آن پرده برداشته است ، به جز نظم و دقت چیزی وجود ندارد).⁽³⁶⁾ چنین نظمی را (نظم تکوینی) می نامیم که بر سراسر جهان آفرینش از (اتم) گرفته تا بزرگترین کهکشانها، حاکم و خدشه ناپذیر است . نوع دیگر نظم یعنی (نظم تشریحی) نیز مورد تاءیید اسلام قرار دارد که هم در قوانین خود آن را مراعات کرده و هم از پیروانش خواسته است تا در همه کارهای فردی یا اجتماعی خود، آن را مراعات نمایند.

حضرت امیر علیه السلام در بستر شهادت به امام حسن و امام حسین علیهم السلام فرمود: (أَوْصِيكُمَا وَجَمِيعَ وُلْدِي وَآهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ)⁽³⁷⁾ شما و همه فرزندان و خانواده ام و هر کس که نوشته ام به او برسد را به تقوای الهی و نظم در کارتان سفارش می کنم .

چنین سفارشی در آن موقعیت و از زبان امیر مؤمنان علی علیه السلام آن هم در کنار تقوای الهی ، نشانگر اهمیت ویژه نظم و برنامه ریزی در کارهای فردی و

اجتماعی است که پیروان واقعی اسلام ناب محمدی ﷺ باید آن را مراعات کنند.

اصولاً اسلام از پیروان خویش خواسته تا همه امور زندگی خود را منظم سازند، از این رو تقسیم ساعات شبانه روز را چنین مطرح می سازد؛ امام کاظم علیه السلام می فرماید:

(اجتهدوا فی ان ینکون زمانکم اربع ساعات: ساعة لمناجاة الله و ساعة لامرالمعاش و ساعة لمعاشرة الاخوان و الثقات الذين يعرفونکم عیوبکم و ینخلصون لکم فی الباطن و ساعة تخلون فیها للذاتکم فی غیر محرم و بهذه الساعة تقدرون علی الثلاث ساعات ..).⁽³⁸⁾

سعی کنید که اوقات شما (در شبانه روز) چهار بخش باشد: بخشی برای مناجات ، بخشی دیگر جهت کار و تلاش ، بخش سوم جهت معاشرت با برادران و مردمان مورد اعتماد که عیوبتان را به شما می نمایانند، در حالی که در این عمل اخلاص دارند و بخش آخر را هم به لذتهای حلال اختصاص دهید، زیرا با این بخش ، بر انجام تکالیف و وظایف آن سه بخش دیگر توانا می شوید....

بر این اساس ، بایستی بر سراسر زندگی یک مسلمان ، نظمی دقیق حاکم باشد که در اینجا به بخشی از نظم در عبادت می پردازیم :

نظم در عبادت

برای مسلمانان ، نماز صبح قرار داده شده تا همه پس از طلوع سپیده صبح از خواب برخیزند و در آغاز کار روزانه ، رو به سوی خدا آورند. سپس با رسیدن خورشید به وسط آسمان ، دست از کار شسته رو به درگاه معبود آورند، مبادا کار روزانه آنان را از خدا غافل سازد. هنگام عصر و آغاز کار و تلاش بعد از ظهر نیز باید دست نیاز به آستان بی نیاز دراز کنند سپس به کار معمول روزانه روی آورند. هنگام آغاز شب به عنوان سرفصل جدیدی در شب و روز، بار دیگر به نماز (مغرب) می ایستند و در نهایت فعالیتهای روزانه با گزاردن نماز عشا و سرساییدن در آستان ایزد یکتا به خواب می روند.

به جا آوردن نمازهای واجب شبانه روزی ، نظم خاصی به زندگی نمازگزار می بخشد، بویژه اگر این نمازها - باتأکید که اسلام دارد - به جماعت خوانده شود.

به علاوه ، هفته ای یک بار، همه اهل یک شهر به نقطه اجتماع ، فراخوانی می شوند تا همه با هم ، مطابق برنامه مخصوصی از مسایل اجتماعی ، سیاسی ، اخلاقی و حوادث هفته با خبر شوند و به ذکر و شکر الهی بپردازند.

نمازهای دو عید بزرگ اسلامی - فطر و قربان - نیز به نوبه خود، دو فراخوانی عمومی است که سالانه مسلمانان را برای دو اجتماع سیاسی عبادی بزرگ گرد هم می آورد و با نظم و شکوه خاصی برگزار می شود و مسلمانان ، رو به سوی خدا آورده ، یکپارچه به رکوع و سجود و قیام و قعود می پردازد.

همچنین همه مسلمانان هر ساله با مشاهده هلال ماه مبارک رمضان ، روزه می گیرند و با دیدن هلال ماه شوال افطار می کنند. آغاز و انجام روزه نیز، طلوع سپیده صبح و مغرب است که دقیقه ای پس از آن و پیش از این ، خوردن و آشامیدن ، حرام است ، که خود نظمی دقیق است .

کنگره بزرگ و سالیانه (حج) نیز نمودار نظم زیبای اسلامی است ؛ همه حاجیان بابتن (احرام) متحدالشکل از (میقات) به سوی (مکه) حرکت می کنند، سپس با نظمی خاص ، طواف ، نماز، سعی و تقصیر به جای می آورند و (عمره) رابه پایان می برند. سپس با احرام بستن مجدد راهی عرفات و مشعر می شوند و با وقوف منظم در هر یک از آن سرزمینهای مقدس ، به سوی منا حرکت می کنند و پس از انجام منظم اعمال منا و بیتوته در آنجا دوباره در ساعت معینی از منا خارج می شوند و طواف و سعی را نیز مجدداً به همان ترتیب انجام می دهند.

اعتدال در عبادت

همان طور که سستی و بی توجهی نسبت به عبادات نافرمانی خداوند را در پی دارد. افراط و زیاده روی نیز نتیجه مطلوب نخواهد داشت ، زیرا ممکن است در بعضی افراد موجب سرخوردگی و دلزدگی و انحراف و سستی عقیده گردد.

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

(إِنَّ لِكُلِّ عِبَادَةٍ شِرَّةً ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى فِتْرَةٍ، فَمَنْ صَارَتْ شِرَّةُ عِبَادَتِهِ إِلَى سُنَّتِي فَقَدْ اهْتَدَى وَمَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَقَدْ ضَلَّ وَكَانَ عَمَلُهُ فِي تَبَابٍ. أَمَا إِنِّي أَصَلِّي وَأَنَا وَأَصُومُ وَأَفْطُرُ وَأَضْحِكُ وَأَبْكِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِ مَنِهَاجِي وَاسْتَنَّيَ فَلَيْسَ مِنِّي) ⁽³⁹⁾ هر عبادتی را نخست شور و شوقی است که پس از چندی به سستی می گراید. کسی که نشاط و شوق عبادتش به سوی سنت و طریق من ختم گردد، هدایت یافته است و اگر در جهت مخالف رویه من باشد گمراه خواهد شد و عملش نابود است . آگاه باشید که من نماز می گزارم و می خوابم ، روزه می گیرم و افطار می کنم ، می خندم و می گریم .

بنابر این هر کس از راه و روش من کناره گیرد از امت من نیست .

امام صادق علیه السلام در مورد اینکه افراط و زیاده روی در عبادت موجب دلسردی و انحراف می گردد، داستانی از فردی تازه مسلمان ، بدین گونه نقل می کند:

(مرد مسیحی در همسایگی یک مسلمان زندگی می کرد و بر اثر تعریف و تبلیغ مرد مسلمان آن مسیحی به اسلام گرایش پیدا کرد و مسلمان شد. شب فرا رسید و هنگام سحر همسایه مسلمان به سراغ مرد تازه مسلمان آمد، در زد و او را از خواب بیدار کرده ، به نماز شب و عبادت فرا خواند مرد

برای اولین بار وضو گرفت و همراه مرد مسلمان به مسجد رفت و تا صبح مشغول عبادت و نماز شد پس از نماز، مرد تازه مسلمان خواست به خانه برود، آن مرد مانع شد و گفت: خوب است به تعقیب نماز و خواندن قرآن مشغول شویم و اگر نیت روزه کنی و روزه مستحبی بگیری خوب است. پس از مدتی خواست به خانه برود، مرد گفت: چیزی به ظهر نمانده و او را نگه داشت تا نماز ظهر و سپس عصر را خواندند و باز مرد تازه مسلمان خواست به خانه اش برود. مرد مسلمان گفت: صبر کن تا غروب نماز مغرب و عشا را نیز بخوانیم. خلاصه او را تا آخر شب نگه داشت و هر دو خسته به خانه برگشتند. شب دیگر وقت سحر شد.

مرد مسلمان باز به در خانه تازه مسلمان آمد و از او خواست برای مسجد آماده شود. آن مرد تازه مسلمان گفت: من همان دیشب از اسلام استعفا دادم. من مرد فقیری هستم و کار می‌کنم برو یک فرد بیکار پیدا کن که بتواند همیشه مشغول عبادت باشد). امام صادق علیه السلام پس از نقل این حکایت فرمود:

به این ترتیب آن مرد عابد سختگیر کسی را که وارد اسلام کرده بود، از اسلام خارج کرد... (40)

و نیز آن حضرت فرمود:

در سنین نوجوانی، در حالی که از شدت عبادت عرق از سر و صورتم می‌ریخت، به طواف خانه خدا مشغول بودم. در این حال پدرم مرا دیده و فرمود: جعفر! پسر من، (اینقدر خودت را در زحمت نینداز) هر گاه خداوند بنده ای را به دوستی با خود برگزیند، او را وارد بهشت می‌کند و عبادت کم او را می‌پذیرد. (در عوض پاداش بزرگ و زیاد به او عطا می‌کند). (41)

ناگفته نماند که معیار میانه روی در عبادت برای هر کس فرق می کند و بستگی به توان و ظرفیت جسمی و روحی هر فرد دارد بطور مثال :

رسول خدا ﷺ آن قدر ایستاده نماز می خواند که پاهایش ورم می کرد⁽⁴²⁾

حضرت امیر علیه السلام هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند⁽⁴³⁾

البته آن بزرگواران با افراد دیگر تفاوت دارند. این قبیل عبادات برای آنان افراط نبود.

آنها توان آن را داشتند و از چنان ایمان و معرفتی برخوردار بودند که نه تنها چنین عبادتی آنان را خسته و افسرده نمی کرد، بلکه هر چه بیشتر عبادت می کردند، شادابتر و خوشحالتتر بودند.

بنابراین ، اگر امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: (وَ اَقْتَصِدْ فِي عِبَادَتِكَ)⁽⁴⁴⁾ در پرستش خدا معتدل باش ، در حالی که خود، هزار رکعت نماز می خواند نسبت به مقام و ظرفیت خود، افراط نکرده است .

مداومت و استمرار

نظر اسلام درباره عبادت این است که استمرار یابد گرچه آن عمل کم و کوتاه باشد، به این معنا که اگر مسلمانی ذکر، دعا، نماز، تعقیب نماز و امثال آن را شروع کرد، آن را ادامه دهد، تا دلش صیقل خورده ، روحش صفا یابد. امام سجاده علیه السلام فرمود:

(من دوست دارم عمل (عبادت) را ادامه دهم ، گرچه کم باشد).⁽⁴⁵⁾

راز این مطلب را امام محمد باقر علیه السلام این گونه بیان می کند:

(أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَ إِنْ قَلَّ)⁽⁴⁶⁾ محبوبترین کارها نزد خداوند عزوجل ، کاری است که استمرار داشته باشد، گرچه اندک باشد.

بنابراین ، زینده است که مؤمن در حدّ توان و فرصت و با برنامه ریزی و نظم ، علاوه بر عبادتهای واجب ، عبادت مستحبی را به دلخواه برگزیند و آن را مدّتی ادامه دهد. امام صادق علیه السلام فرمود:

(إِذَا كَانَ الرَّجُلُ عَلَى عَمَلٍ فَلْيَدُمْ عَلَيْهِ سَنَةً ثُمَّ يَتَحَوَّلْ عَنْهُ إِنْ شَاءَ إِلَى غَيْرِهِ)⁽⁴⁷⁾ هر گاه شخصی وارد عبادتی شد، آن را تا یک سال ادامه دهد آن گاه اگر خواست وارد عبادت دیگری شود.

خلاصه درس

_ نظم و اعتدال به معنای آراستن و مرتب کردن و میانه روی در هر چیزی است .

_ نظم در عبادت مورد در خواست و دستور شارع مقدّس می باشد و پیشوایان اسلام به این مسأله توجه زیادی داشتند.

_ حضرت علی علیه السلام به هنگام شهادت ، فرزندان و شیعیان خود را به نظم و دقّت در امور از جمله عبادت توصیه و سفارش کرد.

_ از جمله مصادیق نظم در عبادات یکی مقدّم دانستن امور اخروی بر امور دنیوی است ، زیرا یک فرد مؤمن و متدین آنچه برایش اهمیت دارد اطاعت و بندگی خدا و نزدیک شدن به اوست . و نیز اعتدال و میانه روی در عبادت از جمله سفارشهای دین است که نه آن قدر افراط کنیم که خسته شویم و نه کوتاهی کنیم که ترک عبادت به حساب آید.

پرسش

- 1- منظور از نظم در عبادت چیست ؟
- 2- امیر مؤمنان علیه السلام پیرامون نظم چه فرموده است ؟
- 3- چرا باید در هنگام عبادت شاداب باشیم ؟
- 4- یک حدیث درباره استمرار عبادت ذکر کنید.

درس چهارم : اخلاص در عبادت

اخلاص در عبادت چیست ؟

اخلاص به معنی (خالص کردن ، ویژه کردن ، ارادت صادق داشتن ...) است .
(48) بر اساس این معنی ، مخلص کسی است ، که طاعات و عبادات خود را از هرگونه آلودگی و آمیختگی به غیر خدا خالص کرده ، انگیزه ای جز تقرب به درگاه خدا ندارد. از این رو، فقط به او دل می بندد و تعریف و تکذیب دیگران ، در نظرش یکسان است و هدف از عبادت ، جلب رضایت خالق است نه کس دیگر.

حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

(الْعِبَادَةُ الْخَالِصَةُ أَعْنُ لَا يَرْجُو الرَّجُلُ إِلَّا رَبَّهُ، وَلَا يَخَافُ إِلَّا ذَنْبَهُ) (49)

عبادت خالص آن است که مرد جز به پروردگارش امید وار نبوده و جز از گناه خویش نهراسد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

(لَا يَصِيرُ الْعَبْدُ عَبْدًا خَالِصًا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَتَّى يَصِيرَ الْمَدْحُ وَالذَّمُّ عِنْدَهُ سَوَاءً...) (50)

انسان ، بنده خالص خدای بزرگ نمی شود تا اینکه تعریف و تکذیب (دیگران) در نظرش یکسان باشد.

ارزش و اهمیّت اخلاص

اخلاص ، معیار ارزش عبادت ، مقامی از مقامات مقربان الهی و هدف دین است . هر کس آن را یافت ، موهبتی الهی نصیبش گشته که به وسیله آن به مقامات بزرگی خواهد رسید. چرا چنین نباشد، در حالی که خداوند متعال ، بندگانش را به آن امر کرده ، می فرماید:

(فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ) ⁽⁵¹⁾

خدا را بخوانید، در حالی که تنها برای او در دین اخلاص می ورزید، اگر چه کافران را ناخوش آید.

در سخنان پیشوایان معصوم ، تعبیر گوناگونی ، از قبیل بهترین عبادت ، ثمره عبادت ، غایت دین ، عبادت مقربان الهی و مانند آن درباره فضیلت اخلاص آمده است . در اهمیّت اخلاص همین بس که شرط قبولی عمل است و اگر در عملی موجود نباشد، بی هدف و بی نتیجه خواهد بود. از این رو، علی علیه السلام فرمود:

(مَنْ لَمْ يَصْحَبِ الْإِخْلَاصُ عَمَلَهُ لَمْ يُقْبَلْ) ⁽⁵²⁾

عمل هر کس که با اخلاص همراه نباشد، قبول نمی شود.

مراتب اخلاص

خالص کردن و پاکیزه نمودن عمل از غیر خدا مراتبی دارد. هر چه درجه اخلاص بیشتر باشد، عمل ارزش بیشتری نزد خدا پیدا می کند، به هدف و مقصد نزدیکتر شده و شخص را زودتر به کمال مطلوب خود می رساند و هر چه درجه اخلاص کمتر باشد، به همان اندازه از ارزش عمل کاسته شده و شخص از کمال مطلوب باز می ماند و از این رهگذر درجات مؤمنان در نزد خدا متفاوت خواهد بود، چنانچه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

(بِالْإِخْلَاصِ تَتَفَاضَلُ مَرَاتِبُ الْمُؤْمِنِينَ) ⁽⁵³⁾

درجات مؤمنان به وسیله اخلاص برتری می یابد.

اینک برای رعایت اختصار، سه مرتبه از مراتب اخلاص را ذکر می کنیم: ⁽⁵⁴⁾

- الف - خالص کردن عمل ، به دلیل ترس از عذاب روز قیامت ، که گرچه عمل مخلصانه است ، اما این نوع عبادت ، عبادت بردگان است .
- ب - اخلاص در عمل ، برای رسیدن به بهشت و آنچه در آن است مثل حورالعین ، قصرهای بهشتی و مانند آن ؛ که این گونه مخلصانه عمل کردن نیز روشن اجیران است .
- ج - تصفیه عمل از هر نوع شایبه ای ، اعم از طمع به بهشت ، ترس از جهنم ، رضای مخلوق و جلب قلوب آنها، طمع به مقاصد دنیوی و مانند آن ، که فقط منظور رضایت خداست .

این مرتبه که بالاترین مراتب اخلاص می باشد، از آن کسانی است که
غرق در محبت ، عظمت و جمال الهی هستند و خدا را سزاوار پرستش یافته
، عبادتش می کنند و این ، عبادت آزادگان است .⁽⁵⁵⁾

راههای کسب اخلاص

همان گونه که ذکر شد، اخلاص، پاکیزه کردن عمل از هر گونه آلودگی به غیر خداست و انسان مخلص، در انجام عمل محرّکی غیر از خداوند ندارد، فقط قصد تقربّ به خداست که او را به کار و می دارد و بس. این حالت، مقام بسیار بزرگی است و کسی می تواند، به آن برسد که غرق در محبّت خدا باشد، بحدّی که در دلش برای محبتهای دنیایی، جایی نبوده و اگر از خوراک، پوشاک، مسکن و سایر امور مادی استفاده می کند، به خاطر لذّت بردن از آنها نباشد، بلکه به خاطر آن باشد که نیروی بیشتری برای عبادت خدا، به دست آورد.

حال چه کنیم که به این درجه از اخلاص برسیم؟
در سخنان پیشوایان معصوم، راههایی برای رسیدن به اخلاص بیان شده که به اختصار ذکر می کنیم:

الف - قطع طمع از غیر خدا

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

(بنده، پرستشگر واقعی خدا نمی شود، مگر آنکه از همه مخلوقات بریده و به او بپیوندد، آن گاه خداوند می فرماید: این عمل خالص برای من است و به کرمش آن را می پذیرد.)⁽⁵⁶⁾

ب - افزودن بر علم و یقین

علی علیه السلام در این باره فرمود:

(ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ)⁽⁵⁷⁾

اخلاص عمل ، ثمره و میوه علم است .
یعنی هر چه آگاهی انسان از حقایق هستی بیشتر شود و به
عظمت خالق و ناچیزی خود علم پیدا کند، اخلاص او بیشتر می شود. و نیز
فرمود:

(إِخْلَاصُ الْعَمَلِ مِنْ قُوَّةِ الْيَقِينِ...) (58)

اخلاص عمل از قوت یقین است .

ج - کم کردن آرزوها

امیر مؤمنان در این زمینه فرمود:

(قَلِّلِ الْأَمَالَ تَخَلَّصْ لَكَ الْأَعْمَالُ) (59)

آرزوها را کم کن ، تا اعمالت خالص گردد.

د - پرهیز از گناه و هوای نفس

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

(تَمَامُ الْأَخْلَاصِ اجْتِنَابُ الْمُحَارِمِ) (60)

دوری کردن از کارهای حرام کمال اخلاص است .

آثار اخلاص

اخلاص ، آثار ارزنده ای در سعادت انسان دارد که برخی از آنها به شرح زیر است :

الف - تقرب به خدا

حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

(تَقَرَّبُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِإِخْلَاصٍ نِيَّتِهِ) ⁽⁶¹⁾

نزدیک شدن بنده به خدای سبحان به سبب خالص کردن نیت اوست .

ب - امدادهای الهی

اثر دیگر رعایت اخلاص ، یاری ، پشتیبانی و امداد های الهی در زندگی فرد مخلص است . حضرت فاطمه زهرا 3 فرمود:

(مَنْ أَعْصَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ، أَعْطَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَعْظَمَ مَصْلَحَتِهِ) ⁽⁶²⁾

کسی که عبادت خالصانه اش را به سوی خدا بالا بفرستد، خداوند بهترین مصلحتش را به سوی او فرو خواهد فرستاد.

ج - بصیرت و حکمت

از دیگر آثار رعایت اخلاص ، اعطای روشن بینی ، بصیرت ، حکمت و معیار شناسایی حق و باطل از جانب خدا به فرد مخلص است ، بگونه ای که این اثر در تمام برخوردهای او به روشنی دیده می شود. چنانچه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

(مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً إِلَّا جَرَتْ
يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ) (63)

هیچ بنده ای برای خدا چهل روز اخلاص نورزید، مگر اینکه
چشمه های حکمت از قلب او، بر زبانش جاری گردید.

همچنین حضرت علی علیه السلام فرمود:

(عِنْدَ تَحْقِيقِ الْأَخْلَاصِ تَسْتَنِيرُ الْبَصَائِرُ) (64)

هنگام محقق شدن اخلاص، دیدگاهها نورانی می شوند.

د - پیروزی و موفقیت

موفقیت در کارها، یکی دیگر از آثار اخلاص است. علی علیه السلام در این باره
فرمود:

(فِي إِخْلَاصِ النَّيِّاتِ نَجَاحُ الْأُمُورِ) (65)

موفقیت در کارها، به خالص کردن نیتهاست.

ه - هیبت و شوکت

انسان مخلص بر اثر رعایت اخلاص، چنان هیبتی به دست می
آورد که حتی همه جنبندها، حیوانات وحشی و پرندگان نیز از هیبت و
شوکت او می هراسند، چنانچه امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

(إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَخْشَعُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَيَهَابُهُ كُلُّ شَيْءٍ ثُمَّ قَالَ: إِذَا كَانَ مُخْلِصاً لِلَّهِ
أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى هَوَامُّ الْأَرْضِ وَ سِبَاعُهَا وَ طَيْرُ السَّمَاءِ) (66)

همانا همه چیز برای مومن خشوع می کند و او را بزرگ و باشکوه می دارد. سپس فرمود: هر گاه مومن ، مخلص خدا شد خداوند همه چیز را از او می ترساند حتی جنبنندگان و درندگان زمین و پرندگان آسمان را.

عابدان مخلص

پس از بیان آثار اخلاص ، اکنون به معرفی نمونه هایی از انسانهای پاکباخته که درون و برون خود را از هر آلودگی ، پاک و میرا کرده اند، می پردازیم ، باشد تا این راه یافتگان به عالم بقا را سرمشق و الگو قرار داده ، از آنان شیوه اخلاص بیاموزیم .

خدای تعالی در حدیث قدسی فرمود:

(الْإِخْلَاصُ سِرٌّ مِنْ أَسْرَارِي إِسْتَوْدَعْتُهُ قَلْبَ مَنْ أَعْهَبْتُهُ مِنْ عِبَادِي) (67)

اخلاص ، سری از اسرار من است که در دل بندگان محبوب خویش به امانت نهاده ام .

اگر کسی به این مرتبه دست یافت ، بزرگترین نعمت الهی نصیبش شده است گویند:

(روزی سید بحر العلوم رحمته الله را شاگردانش خندان و متبسّم دیدند. سبب پرسیدند در پاسخ گفت : پس از بیست و پنج سال مجاهدت ، اکنون که در خود نگرستم ، دیدم دیگر اعمالم ریایی نیست و توانسته ام به رفع آن موفق گردم .)

(68)

در مورد امام خمینی قدس سرّه گفته اند: (از روز جوانی که به مقام اجتهاد رسید، تا روزی که بر کرسی قیادت و امامت نشست در راه شناساندن خود و به دست آوردن مقام و مسند، کوچکترین گامی برنداشت .) (69)

هر که با خدا باشد، خدا همراه اوست . این عظمت و قدرت و شوکتی که امام خمینی در دنیا کسب کرده ، نه به خاطر تلاش برای خودش بود، بلکه این نتیجه اخلاص ، سعی و تلاش برای انجام فرمان خدا بود که او را به آن مرتبه و مقام رساند.

(درباره میرزای بزرگ شیرازی نقل شده هنگامی که شاگردان شیخ انصاری پس از درگذشت شیخ با اصرار فراوان میرزا را وادار به قبول این مسؤ ولیت کردند. قطرات اشک بر گونه و ریش مبارکش جاری شد و سوگند یاد کرد که هرگز به ذهنم خطور نکرده بود که روزی این مسؤ ولیت عظیم بر دوشم می آید.)⁽⁷⁰⁾

درباره فرزند وحید بهبهانی که نامش عبدالحسین بود نوشته اند:

(در کربلا متولد شده خدمت پدرش علوم دینی و شرعی را تحصیل کرد و در عصر آن مرحوم مرجع مردم در مسائل شرعی شد. وحید بهبهانی اجازه مبسوط به ایشان داد و مردم را به رجوع و استفتا از خدمتش حکم فرمود. پس از رحلت پدر، مردم ، علما و مؤ منین از او خواهش کردند که به جای آقا نماز بخواند. پس از اصرار، چند روزی مشغول امامت شد و ماءمومین فراوانی حاضر می شدند پس از دو ماه ، دیگر نیامد و گفت : امامت مقامی است عظیم و تحمّل آن بر من مشکل است و با آن زهد و تقوا، کناره گرفت .)⁽⁷¹⁾

خلاصه درس

اخلاص در عبادت، پاک و خالص کردن عبادت است از هرگونه آمیختگی به غیر خدا و پرهیز از ریاکاری در آن. در مورد ارزش اخلاص همین بس که شرط قبولی عمل در پیشگاه خداوند تعالی است و بدون آن هر عملی بی نتیجه خواهد بود.

افراد مؤمن به اندازه درجه اخلاص در کارها با هم تفاوت پیدا می کنند و هرکس از اخلاص بیشتری برخوردار باشد قرب و نزدیکی معنوی بیشتری نزد خدا خواهد داشت.

تحصیل اخلاص از راههای کم کردن لذت‌های نفسانی، قطع طمع از غیر خدا و توجه کامل به آخرت، افزون بر علم و یقین، کم کردن آرزوها، افزودن بر مجاهدتها و مراقبتهای مداوم میسر و آسان می گردد.

اخلاص فقط یک مفهوم ذهنی و دور از واقعتهای خارجی نیست، بلکه مفهومی است که رابطه مستقیم با زندگی عملی انسان دارد و آثار ارزنده ای در زندگی انسان به جا می گذارد. بعضی از آن آثار عبارتند از تقرب به خدا، امدادهای الهی، بصیرت و حکمت، پیروزی و موفقیت در کارها، هیبت و شوکت و مانند آن.

حضرت امام خمینی (ره) نمونه عملی اخلاص بود و آثار ارزنده اخلاص در زندگی آن ولی خدا به روشنی مشهود بود که الگوی مناسبی برای جویندگان راه سعادت در طول تاریخ بشریت است.

پرسش

- 1- اخلاص در عبادت یعنی چه ؟ یک حدیث درباره اهمّیت آن بنویسید.
- 2- مراتب اخلاص را بیان کنید.
- 3- راههای کسب اخلاص را بنویسید.
- 4- آثار اخلاص را بنویسید.
- 5- روایتی درباره اثر هیبت و شوکت در زندگی فرد مخلص بنویسید.

درس پنجم : خشوع در عبادت

خشوع و اهمّیت آن

در لغت (خشوع و خشیت ، ترسی است آمیخته با تعظیم).⁽⁷²⁾ و در اصطلاح به حالتی گفته می شود که کسی در برابر سلطانی قاهر قرار گرفته بطوری که تمام توجهش به وی معطوف گشته و از همه جا بریده باشد.⁽⁷³⁾

از رسول خدا پرسیدند: خشوع چیست ؟ فرمود:

(فروتی در نماز و اینکه بنده با تمام قلبش متوجّه خدا باشد).⁽⁷⁴⁾

امام خمینی می نویسد:

(یکی از اموری که برای سالک در جمیع عبادات خصوصاً نماز که سرآمد همه عبادات است و مقام جامعیت دارد، لازم است خشوع است و حقیقت آن عبارت است از خضوع تام ممزوج با حب یا خوف).⁽⁷⁵⁾ غرض اصلی از عبادت و اطاعت ، پالایش نفس و تطهیر آن از آلودگیهاست و هر عملی که در زمینه صفای عبادت و پاکیزه انجام دادن آن بیشتر مؤثر باشد مطلوب و مقدّم است و خشوع از اموری است که در جلای دل و اثر عبادت نقش بسزایی دارد.

خشوع از دیدگاه قرآن و سنت

پس از بیان اهمیّت خشوع در عبادات ، اینک به خشوع از نظر قرآن و روایات می پردازیم :

قرآن مجید یکی از ویژگیهای مؤمنان رستگار را خشوع در نماز دانسته و فرموده است :

(قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ) ⁽⁷⁶⁾

به تحقیق رستگار شدند مؤمنان ، آنان که در نمازشان خشوع دارند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام به کمیل فرمود:

(يَا كُمْيلُ: لَيْسَ الشَّائِنُ أَنْ تُصَلِّيَ وَ تَصُومَ وَ تَتَصَدَّقَ، الشَّائِنُ أَنْ

تَكُونَ الصَّلَاةُ فَعِلْتَ بِقَلْبٍ تَقِيٍّ وَ عَمَلٌ عِنْدَ اللَّهِ مَرْضِيٌّ وَ خُشُوعٌ سَوِيٌّ) ⁽⁷⁷⁾

ای کمیل ! عبادت ، تنها نماز خواندن و روزه گرفتن و صدقه دادن نیست .

بلکه شائن (عبادت) این است که با قلب پاک و عمل مورد پسند خدا و خشوع

راستین انجام پذیرد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

(إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاتِكَ فَعَلَيْكَ بِالْخُشُوعِ وَ الْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ...) ⁽⁷⁸⁾

وقتی در نماز هستی ، بر تو باد به رعایت خشوع و

توجه کامل به نماز

خشوع دل و اعضا

وقتی مؤمن حالت خشوع پیدا کند، آثارش در بدن و اعضا و جوارحش ظاهر می شود و سراسر وجودش غرق عشق و شیدایی حق می گردد و جسم و جانس در هر عبادتی، خشوعی هماهنگ با آن خواهد داشت. قرآن در این باره می فرماید:

(اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مِّثَابًا مَّتَشَابِهًا مَّثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ...) (79)

خدا بهترین سخن را نازل کرده است. کتابی متشابه و دوتا، دوتا، که از تلاوت آن تن کسانی که از پروردگارشان می ترسند بلرزد. سپس تن و جانشان به یاد خدا آرام می گیرد.

نکته قابل توجه این است که جسم و جان باید تواءم باهم در برابر خدا خضوع و خشوع کند؛ زیرا خشوع قلب، خشوع اعضا و جوارح را نیز در پی دارد چنان که حضرت امیر عليه السلام فرمود:

(لِيَخْشَعَ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ قَلْبُكَ، فَمَنْ خَشَعَ قَلْبُهُ خَشَعَتْ جَمِيعُ جَوَارِحِهِ) (80)

باید قلبت برای خدای سبحان خاشع شود و کسی که قلبش خاشع شد همه اعضایش خاشع می شود.

خشوع جوارح بدون خشوع قلب، تظاهر به خشوع و نوعی نفاق است که به فرموده نبی اکرم صلى الله عليه وآله وسلم باید از آن پرهیز کرد:

(إِيَّاكُمْ وَتَخَشَعُ النَّفَاقِ وَهُوَ أَنْ يُرَى الْجَسَدُ خَاشِعًا وَالْقَلْبُ لَيْسَ بِخَاشِعٍ) (81)

از خشوع نمایی منافقانه پرهیزید و آن این است که اندام خاشع دیده شوند ولی قلب خاشع نباشد.

خشوع ، زینت اولیا

اولیای الهی در تمام امور زندگی ، بویژه در عبادت ، اسوه های زیبای بشریتند و به هنگام عبادت ، عالیتترین نمونه خشوع را دارا می باشند. آن مردان بزرگ فقط در مقابل خدا خاضع هستند خداوند به حضرت موسی و هارون چنین وحی فرستاد.

(إِنَّمَا يَتَزَيَّنُ لِيَاءِ وَلِيَائِي بِالذَّلِّ وَالْخُشُوعِ وَالْحُؤْفِ) (82)

دوستان من ، خود را با افتادگی و خشوع و ترس برای من می آریند. در اینجا به ذکر چند نمونه می پردازیم :

رسول خدا ﷺ وقتی به نماز می ایستاد، از ترس خدا رنگش می پرید و صدای سوزناکی از او به گوش می رسید. (83)

درباره خشوع حضرت امیر عليه السلام چنین آمده است : هنگام نماز و عبادت ، لرزه بر اندامش می افتاد و رنگ رخسارش دگرگون می شد. (84)

و درباره آن حضرت است که در یکی از جنگها تیری به پای مبارکش اصابت کرد که بر اثر شدت درد به کسی اجازه نمی داد آن تیر را بیرون کشد تا اینکه هنگام نماز آن را از پایش درآوردند، که البته این مرتبه والای خشوع به معنی فناء فی الله است و کمتر کسی به آن دست می یابد.

امام صادق عليه السلام از قول پدرش امام باقر عليه السلام چنین نقل می کند:

(كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ كَأَنَّهُ سَاقُ شَجَرَةٍ لَا يَتَحَرَّكُ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا حَرَّكَتِ الرِّيحُ مِنْهُ) (85)

امام سجاده علیه السلام وقتی به نماز می ایستاد همچون ساقه درختی بود و هیچ جزئی از بدن و لباس او حرکت نمی کرد. مگر آن مقداری را که باد به حرکت در می آورد.

قرآن درباره ذکرِیا و عبادت و حالات او می فرماید:

(فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيٰى وَاءْصَلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ اِنَّهُمْ كَانُوْا يُسَارِعُوْنَ فِى الْخَيْرٰتِ وَيَدْعُوْنَآ رَعْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوْا لَنَا خٰشِعِيْنَ) ⁽⁸⁶⁾

پس دعایش را مستجاب کردیم و به او یحیی را بخشیدیم و همسرش را برایش شایسته گردانیدیم. اینان در کارهای نیک شتاب می کردند و با بیم و امید ما را می خواندند و برای ما خاشع بودند.

خشوع ، بال عبادت

عبادت ، هنگامی ارزشمند است که با توجه کامل و خشوع انجام پذیرد و گرنه ، عبادت سرسری و بدون توجه ، تنها رفع تکلیف است و خاصیتی ندارد .
چنین عبادتی نشان دهنده آن است که صاحبش فاقد ایمان قوی و یقین است . حضرت صادق ع فرمود:

(لا ایمانَ إِلَّا بِالْعَمَلِ وَلَا عَمَلَ إِلَّا بِالْيَقِينِ وَلَا يَقِينَ إِلَّا بِالْخُشُوعِ) ⁽⁸⁷⁾
ایمانی (ایمان) نیست مگر به عمل و عملی (پذیرفته) نیست مگر به یقین و یقین وجود ندارد مگر در صورت وجود خشوع .

رسول خدا ص فرموده :

نماز بر چهار بخش بنا شده است : 1- وضوی شاداب ، 2- رکوع ، 3- سجده ، 4- خشوع .

پرسیدند ای رسول خدا خشوع چیست ؟ فرمود:

فروتنی در نماز و اینکه بنده با تمام قلبش متوجه خدا باشد. اگر او رکوع و سجود و بخشهای نماز را کامل به جای آورد، نمازش با درخشندگی به آسمان بالا رود و درهای آسمان به رویش باز شود. (چنین نمازی نمازگزار را دعا کند) و گوید: همان گونه که مرا پاس داشتی ، خدایت پاس دارد و فرشتگان نیز گویند. درود خدا بر صاحب این نماز. ولی اگر بخشهای نماز را کامل نکند، نمازش با تیرگی بالا می رود و درهای آسمان به رویش بسته می گردد، چنین نمازی به نمازگزار گوید: خدا تو را ضایع کند چنان که مرا ضایع کردی و خدا آن را به روی صاحبش می گوید. ⁽⁸⁸⁾

موانع خشوع

قرآن مجید مؤمنان را در مورد خطر خاشع نبودن دل هشدار داده ، فرموده

است :

(اعْلَمُ يَاعَنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا اَعَنُ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ) ⁽⁸⁹⁾

آیا وقت آن نشده آنان که ایمان آورده اند. دل‌هایشان در مقابل ذکر خدا و معارف حقی که نازل کردیم نرم شود؟ و مانند اهل کتاب که پیش از این می زیستند نباشند. ایشان در اثر مهلت زیاد دچار قساوت قلب شده ، بیشترشان فاسق شدند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد:

(در این آیه شریفه عتابی است به مؤمنان به خاطر قساوتی که دل‌هایشان را گرفته و در مقابل ذکر خدا خاشع نمی شود... خدای تعالی با این کلام خود به این حقیقت اشاره نموده که دل‌های مسلمانان مانند دل‌های اهل کتاب دچار قساوت شده و قلب قاسی از آنجا که در مقابل حق ، خشوع و تائبی و انعطاف ندارد، از زیّ عبودیت خارج است و در نتیجه از مناهای الهی متاثر نمی شود و با بی باکی مرتکب گناه و فسق می شود.) ⁽⁹⁰⁾

بنابراین ، بزرگترین مانع ترقی دل ، غافل شدن از یاد خدا، دور شدن از مکتب وحی و ارتکاب گناه است که مؤمن باید به شدت از آنها پرهیز نماید. همچنین از کارهایی که در ظاهر گناه نیست ، ولی قساوت دل می آورد یا انسان را از توجه به عبادت و حالت خشوع باز می دارد، خود داری کند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

(لا يَعْثُ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ بِلِحْيَتِهِ وَلَا بِمَا يَسْعَلُهُ عَنْ صَلَاتِهِ) (91)

مرد نباید در نمازش با ریش خود و هر چه او را از توجه به نماز باز می دارد بازی کند.

خلاصه درس

خشوع به معنای آرام بودن و اظهار خضوع و افتادگی در مقابل دیگری است و خشوع در عبادت به این معناست که با نهایت افتادگی و کوچکی، نسبت به عظمت و بزرگی خداوند اقرار بندگی کرده و در اطاعت و فرمانبرداری از او دریغ نورزیم. قرآن و روایات ائمه معصومین: در مورد اهمیّت و لزوم خشوع در هنگام عبادات فراوان تاءکید کرده است. ارزش واقعی خشوع به هماهنگی قلب و اعضای بدن است؛ چرا که اگر غیر از این باشد بیان کننده نفاق در خشوع است و امامان معصوم، خود در نهایت خشوع به عبادت می پرداختند و همیشه به یاد خدا بودن، گناه نکردن، به فکر قیامت بودن و راز و نیاز با خدا و راههای رسیدن به آن را معرفی کرده اند.

گناه، غفلت از خدا و کارهای لغو به عنوان موانع ایجاد خشوع در قلب و در عبادت مطرح گردیده است.

پرسش

- 1- معنای خشوع را بیان کنید.
- 2- یک آیه از قرآن درباره خشوع بنویسید.
- 3- پیامبر خدا در هنگام عبادت چه حالتی داشت؟
- 4- موانع خشوع در عبادت را بنویسید.

درس ششم : طهارت در عبادت

اهمیت طهارت در عبادت

طهارت که همان زدودن و پاک کردن درون و برون ، از آلودگیها و خبائث است . (92)

از مهمترین شروط انجام عبادت است ، چرا که طهارت ظاهری - اعم از طهارت بدن و لباس - مقدمه رسیدن به طهارت باطنی است . و بدون آن نمی توان به حقیقت عبادت رسید، از این رو، دین مقدس اسلام ، اهمیت فراوانی برای پاکیزگی بدن و لباس قائل شده است .

طهارت در اصطلاح فقهی ، غسل ، وضو و تیمم است . رسول خدا ﷺ درباره اهمیت طهارت و پاکیزگی چنین فرموده است :

(نَبِيُّ الدِّينِ عَلَى النَّظَافَةِ وَقَالَ: مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ الطُّهُورُ) (93)

دین برنظافت و پاکی بنا شده و کلید قبولی نماز طهارت است .

در جای دیگر فرمود:

(الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ) (94)

طهارت نیمی از ایمان است .

در شریعت مقدس اسلام طهارت شرط صحت بعضی از عبادات است که بدون آن عمل باطل است و در برخی ، شرط کمال است که نبود آن از ارزش عمل می کاهد. از این رو، امام حسن مجتبی علیه السلام به عنوان یک رهنمود کلی فرمود:

(إِنَّ مَنْ طَلَبَ الْعِبَادَةَ تَزَكَّى لَهَا) (95)

هر کس خواهان عبادت است ، خود را برای آن پاکیزه می کند.
 مسجد در اسلام ، ارزنده ترین و مناسبترین جای عبادت است .
 قرآن مجید مسجد روندگان را انسانهای خوش طینتی دانسته که برای تطهیر و
 تزکیه خویش وارد مسجد می شوند و مورد عنایت الهی هستند:
 (فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ آءَانَ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ) ⁽⁹⁶⁾
 در آن (مسجد) مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه و طاهر باشند و خدا
 پاکیزگان را دوست دارد.

طهارت ظاهری ، مقدمه طهارت روحی

پاکیزگی لباس و بدن و طهارت که عبارت از وضو، غسل و
 تیمم است ، رابطه مستقیم با تزکیه درونی دارد بطور مثال ؛
 امام کاظم علیه السلام می فرماید:

(مَنْ تَوَضَّأَ لِلْمَغْرِبِ كَانَ وَضُوءُهُ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِمَا مَضَى مِنْ
 ذُنُوبِهِ فِي نَهَارِهِ مَا خَلَا الْكِبَائِرَ...) ⁽⁹⁷⁾

کسی که برای نماز مغرب وضو می گیرد، این وضو کفاره گناهی است که
 در آن روز مرتکب شده بجز گناهان کبیره .

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

(غُسْلُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ طَهْرٌ وَكَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا مِنَ الذُّنُوبِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ) ⁽⁹⁸⁾

غسل جمعه ، پاک کننده و کفاره گناهان است از جمعه ای تا جمعه دیگر.
 بنابراین ؛ طهارت ظاهری ، مقدمه طهارت روح و دستیابی به تقوا

می‌گردد که آن نیز مایه بالا رفتن اعمال و پذیرش آن در درگاه الهی است .

حضرت امیر سلام الله علیه در این باره می‌فرماید:

(...فَان تَقْوَى اللّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوبِكُمْ ... وَ طَهُورٌ دَسِ اَنْفُسِكُمْ...) (99)

تقوای الهی ، دوای بیماری دل و پاک کننده پلیدی جان شماست .

امام خمینی در زمینه لزوم تطهیر درون می‌فرماید:

(تطهیر قلوب از قدرات معنویه و کثافات خلقیه ، از مهمات است که انسان

باید با هر عده و عده‌ای که شده ، وبه هر ریاضت و مجاهده‌ای است به آن

قیام کند و خود را از ننگ و عار آن خلاص نماید.) (100)

دانستن این نکته ضروری است که اگر انسان هنگام عبادت به تطهیر و

پاک نگهداشتن بدن و لباس ظاهر مکلف شده است ، نباید از

تطهیر قلب و درون که حقیقت وجود انسانی است ، غافل باشد. باید

به وسیله توبه رو به خدا آورده ، در پاک نگه داشتن قلب و روح و روان بکوشد

و خود را برای عبادت مهیا سازد.

عرش خدا، جای پاکان

مؤمن عابد سزاوار است ، در هنگام تطهیر توجه داشته باشد که تکلیف به این امر (تطهیر) برای انجام عبادات و مناجات با آفریدگار از این جهت است که اعضایی که امر به تطهیر آنها شده ، مباشر امور دنیوی

درس هفتم : آثار نماز

تردیدی نیست که ایمان داشتن و انجام دستورات الهی ، دشواریهایی را در پی دارد که مؤمن باید آنها را تحمل کند و پشت سر بگذارد تا به آرمان مقدّس خویش که همانا سعادت جاوید در مقام قرب الهی است ، دست یابد.

از سوی دیگر حرکت در صراط مستقیم الهی و اطاعت از او امر او زندگی دنیوی مؤمن را نیز تنظیم می کند و او از دنیای منظمّ به آخرت خرم و شاد قدم می گذارد. از این رو، دستورات شریعت مقدّس اسلام همواره با مصلحتی مادی یا معنوی یا هر دو همراه است ، گرچه فکر ما از درک آن عاجز باشد.

در این درس به برخی از آثار پربار نماز که در دنیا و آخرت تحقق می یابد و در آیات و روایات به آن تصریح شده ، می پردازیم .

الف - آثار دنیوی

الف - جلوگیری از گناه و فحشا

جنبه باز دارندگی نماز از فحشا و منکر یکی از آثار ارزشمند این فریضه الهی است؛ نماز از آن جهت که موجب توجه انسان به خدا می شود و در شبانه روز، حداقل پنج بار تکرار می شود، انسان را از فحشا و منکر باز می دارد؛ زیرا نمازگزار برای نزدیکتر شدن به خداوند تلاش خود را در جهت انجام کارهای نیک و کسب اخلاق حسنه بیشتر می کند. قرآن با توجه به این اصل مسلم می فرماید:

(اعْقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) ⁽¹¹⁰⁾

نماز را بر پا کن که آدمی را از گناهان و کردار زشت باز می دارد.

چندتن از یاران رسول خدا ﷺ به حضور آن حضرت رسیدند و درباره یکی از مسلمانان که همیشه پشت سر پیامبر نماز جماعت می خواند، ولی مرتکب گناهان نیز می شد، گفتگو کردند. حضرت به آنها فرمود: (نگران نباشید) نمازش او را از گناه باز می دارد. طولی نکشید که آن شخص گناه را ترک کرد و توبه نمود. ⁽¹¹¹⁾ آن حضرت فرمود:

(کسی که از نماز اطاعت نکند، نماز واقعی را به جا نیاورده است .

اطاعت از نماز این است که از منکرات و زشتیها دوری کند.) ⁽¹¹²⁾

ب - بهداشت تن و روان

نماز گزاران همواره از صفای ظاهری و باطنی خاصی برخوردارند که بی نمازان فاقد آنند.

بهداشت تن : برخی از شرایط نماز، موجب بهداشت تن ، لباس و به تبع آن بهداشت محیط زندگی می شود. در برخی از سخنان معصومین برای برخی نمازها اثر مستقیم بهداشتی عنوان شده است ، بطور مثال ، علی علیه السلام می فرماید:

(قِيَامُ اللَّيْلِ مَصْحَةٌ لِلْبَدَنِ) ⁽¹¹³⁾

برخاستن شب (برای نماز) سبب سلامتی جسم است .

بهداشت روان : یکی از فلسفه های تشریح نماز، (یاد خدا) است چنانکه در قرآن آمده است :

(اَعْقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي) ⁽¹¹⁴⁾

برای یاد من نماز بگذار.

و یاد خدا، منشاء آرامش دل و امنیت روانی است ، همانطور که در قرآن می خوانیم :

(اَعْلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) ⁽¹¹⁵⁾

هان ! به یاد خدا دلها آرام گیرد.

پس ، تاءثیر نماز در بهداشت روانی مردم نمازگزار قطعی است و آرامش و امنیت نسبی بیشتری که در جوامع اسلامی حکمفرماست . شاهد این تاءثیر است . به تعبیر امام خمینی

(شما پرونده هایی که در دادگستریها در جاهای دیگر، دادگاههاست
بروید ببینید، از نماز خوانها ببینید پرونده هست آنجا؟ از بی نمازها پرونده
هست ، هر چه پرونده پیدا کنید، پرونده بی نمازها هست.) ⁽¹¹⁶⁾

ج - استقامت در برابر مشکلات

از دیگر آثاری که در سایه نماز، نصیب نمازگزار می شود، قدرت و نیروی مقاومت در برابر مشکلات و سختیهاست . به عبارت دیگر، نماز که رابطه معنوی بین شخص و عالم بالاست ، قدرتی در انسان ایجاد می کند که با وجود آن در مقابل سختیها و مشکلات ، شکست ناپذیر خواهد بود. قرآن می فرماید:

(إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ) ⁽¹¹⁷⁾

آدمی حریص خلق شده ، وقتی که شر و بدی به او می رسد، جزع و بی تابی می کند و زمانی که نعمت و خیر به او می رسد حق مستمندان و فقرا را نمی دهد، مگر نمازگزاران ؛ کسانی که در نمازشان مداومت دارند.

از این رو، قرآن به مؤمنین سفارش می کند:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ) ⁽¹¹⁸⁾

ای مومنان ، از شکیبایی و نماز کمک جوئید.

د - نورانی شدن چهره

حضرت صادق علیه السلام می فرماید:

(صَلَاةُ اللَّيْلِ تُبَيِّضُ الْوَجْهَ) ⁽¹¹⁹⁾

نماز شب ، چهره ها را نورانی می کند.

نیز از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است که فرمود:

(صَلَاةُ اللَّيْلِ تُحْسِنُ الْوَجْهَ وَ...) ⁽¹²⁰⁾

نماز شب چهره را زیبا می سازد.

هـ استجابت دعا

از دیگر آثار نماز، قبول شدن دعاها و رفع نیازهاست . نماز چون بین عبد و معبود پیوند برقرار می کند و نشانگر تلاش نمازگزار برای رسیدن به ملکوت اعلا و پیوستن به حق است ، چنین تلاشی از نظر کردگار عالم مخفی نمانده ، در مقابل ، دعاهاى او را قبول می کند و خواسته هایش را برآورده می سازد. رسول خدا ﷺ فرمود:

(مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ) (121)

هر کس واجبی را انجام دهد، در نزد خدا یک دعای مستجاب دارد.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

(إِذَا أَرَدْتَ حَاجَةً، فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

ﷺ وَآلِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَسَلِّ تَعْطُهُ) (122)

هر گاه حاجتی داشتی ، دو رکعت نماز بخوان و بر محمد و آل او درود فرست و سپس از خداوند (خواسته خود را) بخواه که به تو داده می شود.

و - تاء خیر عذاب دنیوی

از آنجا که نماز یکی از بهترین عبادات و افضل آنها به شمار می رود و نمازگزار محبوب خداوند است و از جایگاه رفیعی برخوردار می باشد؛ سزاوار است که خداوند به احترام نماز و نمازگزار، خشم خود را از دیگران بردارد و از خطای آنها درگذرد. حضرت علی علیه السلام فرمود:

(گاهی خدا اراده می کند که مردمی را به خاطر گناهانشان طوری عذاب کند که احدی باقی نماند ولی در آن میان نمازگزار پیری را که با قدمهای لرزان به جایگاه نماز می رود و کودکانی را که در حال تعلیم قرآن هستند می بیند، از عذاب آنها چشم پوشی کرده ، آن را به تاء خیر می اندازد.)

(123)

ب - آثار اخروی

الف - رحمت و مغفرت الهی

بیشترین آثار عبادات ، بویژه نماز در آخرت تجلی پیدا می کند و نتایج آن در آخرت نسبت به دنیا بسیار بیشتر است . رسول خدا ﷺ فرمود:

(از آن هنگام که مؤمنی به نماز می ایستد، تا آنگاه که نمازش را به پایان می برد، رحمت از بالای سرش تا افق آسمان بر او سایه می افکند و فرشتگان ، اطراف او را تا افق آسمان ، در بر می گیرند.)⁽¹²⁴⁾

همچنین فرمود:

(لَنْ يَلِجَ النَّارَ أَحَدٌ يُصَلِّيَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا)⁽¹²⁵⁾

کسی که پیش از طلوع و غروب آفتاب نماز گزارد داخل آتش نمی شود.

ب - راهیابی به عالم ملکوت

نماز برگ عبوری است در دست نمازگزار که او را تا اوج

کمال و عالم ملکوت می رساند. رسول خدا ﷺ فرمود:

(وقتی بنده مؤمن برای نماز به پا می خیزد، درهای بهشت برایش گشوده

می شود و پرده های میان او و خدای متعال برداشته می شود و

همسران بهشتی به استقبال او می آیند.)⁽¹²⁶⁾

نماز موجب تقرب انسانهای باتقوا به خداوند بزرگ است ، چنان که علی

علیه السلام فرمود:

(الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ)

درس دهم : آثار ترک نماز

همان گونه که نماز، آثار و فواید فراوانی در دنیا و آخرت به دنبال دارد ترک این واجب الهی و سبک شمردن آن نیز عواقب شوم و آثار نامطلوبی در پی خواهد داشت . پیش از پرداختن به پیامدها، نخست مراتب بی نمازی را توضیح می دهیم :

مراتب بی نمازی

الف - ترک نماز از روی انکار

یعنی مسلمان نماز واجب را بر خود لازم نداند، چنین کسی منکر ضروری دین است و اگر این انکار به انکار خدا و پیامبر باز گردد، کافر است .

ب - ترک نماز از روی مسامحه

یعنی مسلمانی قبول دارد که در اسلام نماز واجب است ، ولی از روی بی اعتنائی به امور دینی و به بهانه اشتغال به کارهای دنیوی آن را به جا نمی آورد، چنین کسی مرتکب گناه کبیره شده و فاسق نامیده می شود.

ج - ترک برخی از واجبات نماز

بدین معنا که نماز می خواند، ولی شرایط صحت آن را مراعات نمی کند. مانند آنکه نماز را با لباس غصبی ، یا در مکان غصبی ، به جا آورد، یا سوره و ذکر واجب را نخواند، یا آنها را صحیح انجام ندهد. اینان از جمله سبک شمارندگان نماز به حساب می آیند.⁽¹⁶⁷⁾ که در درسهای آینده به کیفر چنین افرادی اشاره خواهد شد.

آثار ترک نماز و بی‌اعتنایی به آن

الف - در دنیا

1- جرات بر گناه: یکی از آثار ترک نماز، جرات پیدا کردن بر سایر گناهان است؛ بدین معنا که انسان وقتی نماز را که ستون دین به شمار می‌آید، ترک کند، ارتکاب گناهان دیگر برایش آسان می‌شود. رسول خدا ﷺ فرمود:

(لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ يَرْعَبُ مِنْ بَنِي آدَمَ مَا حَافِظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فَإِذَا ضَيَعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ وَاءَوْقَعَهُ فِي الْعِظَائِمِ) (168)

تا زمانی که انسان نمازهایش را به جا آورد شیطان سراغ او نمی‌رود و هنگامی که آنها را ضایع کند (ترک کند)، شیطان بر او جری شده، به گناهان بزرگ وادارش می‌کند.

حضرت علی عليه السلام در نامه ای به محمد بن ابی بکر می‌نویسد:
(...ثُمَّ ارْتَقِبْ وَقْتِ الصَّلَاةِ، فَصَلِّهَا لَوْ قَتَلَتْهَا... فَمَنْ ضَيَّعَ الصَّلَاةَ، فَإِنَّهُ لَغَيْرُهَا ضَيَّعٌ...) (169)

سپس مراقب اوقات نماز باش، و آن را بموقع به جا آورد؛ زیرا کسی که نماز را ضایع سازد، غیر نماز (عبادت دیگر) را بیشتر ضایع می‌کند.

راز این مطلب آن است که نماز موجب تذکر و توجه به خداست و انسان را متوجه حضور در محضر الهی می‌سازد و او را از گناهان باز می‌دارد، در صورت ترک نماز، یادآور حضور و مراقبت خدا و مهارکننده گناهان وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر، مانع فعالیت‌های وسوسه‌گرانه شیطان و

نفس اماره بر طرف می شود و شیطان و نفس اماره بر انسان چیره می گردند و او را به گناهان دیگر می کشانند.

2- ویرانی دین: نماز، تکیه گاه و اساس دین خدا را تشکیل می دهد که هر چه بهتر انجام پذیرد، ایمان انسان را قویتر خواهد کرد و اگر خللی در آن وارد شود، ستون دین را منهدم می کند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

(الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ، فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ) (170)

نماز، ستون و تکیه گاه دین است و کسی که به عمد آن را ترک کند، دینش را ویران ساخته است .

از این رو، امام موحدان ، علی عَلِيٌّ ضمن سفارش به نماز، ضایع کننده آن را از خود طرد کرده و فرموده است :

(عَلَيْكُمْ بِالْمَحَافَظَةِ عَلَى اِءْوَقَاتِ الصَّلَاةِ فَلَيْسَ مِنِّي مَنْ ضَيَّعَ الصَّلَاةَ) (171)

بر شما باد به پاس داشتن اوقات نماز، پس هر کس نماز را خراب کند از (زمره دوستان) من نیست .

ترک نماز، گاهی به کفر و بی دینی می انجامد، به عبارت دیگر، نماز مرز میان اسلام و کفر است . رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

(مَا بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَبَيْنَ اَنْ يَكْفُرَ اِلَّا اَنْ يَتْرُكَ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا اَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يُصَلِّيْهِ ا) (172)

میان مسلمان تا کافر شدنش فاصله ای نیست ، جز ترک عمدی نماز واجب یا سستی در آن که به نماز نخواندن بینجامد.

امام باقر عَلِيٌّ فرمود:

(رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مسجد نشسته بود که مردی وارد شد و به نماز ایستاد، ولی رکوع و سجودش را ناقص انجام داد. حضرت با دیدن او

فرمود: همچون کلاغ بر زمین نوک می زند؛ این شخص اگر در این حالت بمیرد، به دین من از دنیا نرفته است. (173)

3- از دست دادن شخصیت اجتماعی: از دیگر آثار زیانبار ترک نماز و سبک شمردن آن، منفور شدن در جامعه است؛ یعنی تارک نماز یا سبک شمارنده آن ارزش و شخصیت اجتماعی خویش را از دست می دهد و مسلمانان با دیده نفرت به او می نگرند، تا جایی که به گفته امام باقر علیه السلام:

(رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با همسایگان مسجد شرط کرد به نماز جماعت حاضر شوند و متخلفان را تهدید کرد که خانه هایشان را آتش خواهد زد.) (174)

امام صادق علیه السلام در مورد انتخاب دوست و همنشین فرمود:
(اِخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِخَصَلَتَيْنِ، فَإِنْ كَانَتْ فِيهِمْ وَإِلَّا فَاغْزُبْ، ثُمَّ اغْزُبْ: مُحَافَظَةً عَلَى الصَّلَاةِ فِي مَوَاقِيتِهَا وَالْبِرَّ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ) (175)
دوستان و برادران خود را با داشتن دو صفت انتخاب کنید و گرنه آنها را رها کنید و از آنان دوری گزینید: اول مراقب برنامه در اوقات مخصوص آن و دوم نیکی کردن به برادران در سختی و راحتی .

4- زندگی سخت: سختی زندگی و آمیخته شدن با مشکلات روحی و روانی از دیگر پیامدهای ترک نماز و سبک شمردن آن است. کسی که رابطه ای با خدا نداشته باشد، روشن است که از رحمت و الطاف الهی به دور خواهد بود. قرآن مجید می فرماید:

(اَعْقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي) (176)

نماز را برای یاد من به پای دار.

در آیه دیگر می فرماید:

(وَمَنْ اَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا) (177)

هر کس از یاد من رویگردان شود زندگی برایش سخت و ناگوار خواهد بود.
در این راستا، روایتی از رسول خدا ﷺ نقل می‌کنیم که زندگی
سخت و ناگوار را تشریح میکند.

(مَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ ... يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَهَ مِنْ عُمْرِهِ وَ مِنْ رِزْقِهِ... وَ كُلُّ عَمَلٍ
يَعْمَلُهُ لَا يُوجِرُ عَلَيْهِ وَ لَا يَرْتَفَعُ دُعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ لَيْسَ لَهُ حَظٌّ فِي
دُعَاءِ الصَّالِحِينَ وَ يَمُوتُ ذَلِيلًا وَ جَائِعًا وَ عَطْشَانًا...) (178)

کسی که نماز را سبک شمارد ... خداوند برکت از عمر و روزی او برمی
دارد و هر عملی انجام دهد پاداشی نمی‌برد، دعایش به آسمان بالا نمی‌رود، از
دعای نیکوکاران بهره‌ای نمی‌برد و با ذلت و خواری و گرسنگی و تشنگی می
میرد.

5 - چهره منفور: همچنین رسول گرامی اسلام، زشتی چهره و
منفوری آن را نتیجه سبک شمردن نماز دانسته، می‌فرماید:
(... يَمْحُوا اللَّهُ تَعَالَى سِيَمَاءَ الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِه...) (179)

خداوند سیمای نیکوکاران را از چهره او (سبک شمارنده نماز) محو می‌کند.

ب - در آخرت

1- شکنجه و فشار قبر: عواقب و آثار زیانبار ترک نماز و بی‌اعتنایی
به آن، نه تنها در دنیا بلکه در عالم برزخ و آخرت نیز دامنگیر
انسان خواهد بود. رسول اکرم ﷺ فرمود:

(...مَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ... يُوَكَّلُ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَزْعَجُهُ فِي قَبْرِهِ وَ يَضِيقُ عَلَيْهِ قَبْرَهُ وَ
تَكُونُ الظُّلْمَةُ فِي قَبْرِهِ) (180)

کسی که نمازش را سبک بشمارد خداوند فرشته ای را مأمور می کند که او را در قبر شکنجه دهد و قبرش را برای او تنگ سازد و تاریکی در قبر او خواهد بود.

بر عکس کسی که نماز را زیبا به پا دارد از وحشت قبر در امان است .

امام باقر علیه السلام فرمود:

(مَنْ أَتَمَّ رُكُوعَهُ لَمْ يَدْخُلْهُ وَحْشَةُ الْقَبْرِ) ⁽¹⁸¹⁾

کسی که رکوع نمازش را درست انجام دهد وحشت قبر او را نمی گیرد.

2- سختی در محشر: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

(مَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ... يُوَكَّلُ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَسْحَبُهُ عَلَى وَجْهِهِ وَ الْخَلَائِقُ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ يُحَاسِبُ حِسَاباً شَدِيداً...) ⁽¹⁸²⁾

کسی که نماز را سبک بشمارد، خداوند فرشته ای را مأمور می کند تا (در محشر) او را با صورت روی زمین بکشد درحالی که مردم او را نگاه می کنند و حساب سختی نیز خواهد داشت .

امام صادق علیه السلام فرمود:

(مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ الْعَصْرِ غَيْرَ نَاسٍ لَهَا حَتَّى تَفُوتَهُ وَ تَرَهُ اللَّهُ أَاهْلَهُ وَ مَالَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ) ⁽¹⁸³⁾

هر کس نماز عصر را عمداً ترک کند تا قضا شود، خداوند در قیامت او را تنها و جدای از اهل و اموالش محشور می کند.

3- محرومیت از شفاعت : سوّمین پیامد ناهنجار کوچک شمردن یا

ترک نماز، محروم شدن از شفاعت اولیای خدا در روز باز پسین است . قرآن مجید در سوره مدثر، آیه 48 یکی از علل محرومیت

از شفاعت را بی نمازی می داند و حضرت صادق علیه السلام در آخرین لحظه حیات ،
که دوستان و آشنایان ، دور بسترش را گرفته بودند، فرمود:

(إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخِفًّا بِالصَّلَاةِ) ⁽¹⁸⁴⁾

شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد نخواهد رسید.

4- ورود به دوزخ : خیره سری در برابر خدا و سر بر آستان او نسییدن ، در
واقع ، سقوط در دوزخ و گرفتار شدن به آتش دوری از رحمت اوست . از این
رو نخستین علتی که دوزخیان برای ورود بدانجا بر زبان می آورند این است که
: (لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ...) ⁽¹⁸⁵⁾

ما از نماز گزاران نبودیم .

از رسول گرامی اسلام نیز چنین نقل کرده اند که فرمود:

(لَا تُصَيِّعُوا صَلَاتَكُمْ فَإِنَّ مَنْ ضَيَّعَ صَلَاتَهُ حُشِرَ مَعَ قَارُونَ وَ هَامَانَ وَ كَانَ حَقًّا
عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ) ⁽¹⁸⁶⁾

نماز خویش را تباه نسازید؛ چرا که هر کس نمازش را تباه کند با قارون و
هامان محشور می شود و بر خداست که او را داخل دوزخ سازد.

خلاصه درس

ترک نماز از روی عمد، به کفر می انجامد و از روی بی اعتنائی و مسامحه به
فسق می رسد و اگر گهگاه بخواند، آثار و عواقب خطرناک و زیانباری هم در
دنیا و هم در آخرت در پی خواهد داشت .

آثاری که بر اثر ترک نماز، گریبانگیر فرد می شود عبارتند از: جرات پیدا
کردن بر سایر گناهان ، ویرانی دین و به کفر انجامیدن ، انزجار و نفرت

اجتماعی، زندگی سخت و مشقت بار، فشار قبر، سختی در محشر، محرومیت از شفاعت و ورود به دوزخ.

پرسش

- 1- ترک نماز چند نوع است؟
- 2- آثار ترک نماز را بشمارید.
- 3- چگونه شخص با ترک نماز بر گناهان دیگر جسور می شود؟
- 4- چرا فردی بی نماز زندگی سختی دارد؟
- 5- اهل جهنم به پرسش بهشتیان در باره علت ورودشان به جهنم چه پاسخی می دهند؟

درس یازدهم : نمازهای مستحبی

نمازهای مستحبی زیاد است و آنها را (نافله) گویند و بین نمازهای مستحبی به خواندن نافله های شبانه روز بیشتر سفارش شده و آنها در غیر روز جمعه ، سی و چهار رکعتند که هشت رکعت آن نافله ظهر و هشت رکعت نافله عصر و چهار رکعت نافله مغرب و دو رکعت نافله عشا⁽¹⁸⁷⁾ و یازده رکعت نافله شب و دو رکعت نافله صبح می باشد⁽¹⁸⁸⁾

تاء کید بر نافله ها

در اسلام تاء کید فراوانی بر انجام نمازهای مستحبی شده و ثوابهای زیادی نیز برای آن منظور گردیده است که شمارش آنها، از حوصله درس خارج است . در اینجا تنها به ذکر یک روایت تبرک می جوئیم : رسول اکرم ﷺ فرمود:

(إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَاً وَإِدْبَاراً فَإِذَا أَعْبَلَتْ فَتَنْفَلُوا وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَعَلَيْكُمْ بِالْفَرِيضَةِ)⁽¹⁸⁹⁾

دلها را آمادگی و بی رغبتی است ؛ هر گاه آمادگی داشتند، نافله بخوانید و اگر بی رغبتی نشان دادند بر شما باد که بر نماز واجب بسنده کنید.

فلسفه نوافل

می دانیم که هر کار مستحبی اعم از نماز و غیر آن ، عملی است که برای استحباب آن از سوی شرع حکمتی و جود دارد و داوطلبانه ، به دلخواه شخص انجام می گیرد که در این صورت پاداش نیکو دارد و اگر هم انجام ندهد ، عقاب و عذابی در کار نیست . در اینجا این سؤال پیش می آید که فلسفه و علت تشریح کارهای مستحب از جمله نمازهای نافله چیست ؟ در پاسخ گوئیم چنین کاری دو علت مهم و اساسی داشته است :

الف - تاءکید بر حفظ نمازهای واجب

نمازهای مستحبی ، نمازهای واجب را در برابر گردبادهای اهمال و سهل انگاری محافظت می کنند و قصد وسوسه و دستبرد شیطان به وسیله آنها شکسته و دفع می گردد.

به عبارت دیگر، نمازهای مستحبی سبب تقویت نمازهای واجب در برابر آسیبها و حوادث احتمالی است . حمّاد بن عبدالله گوید:

عَلَّتْ تَشْرِيعَ نَمَازِهَايَ نَافِلَةٍ رَا اِزْ اِمَامٍ صَادِقٍ عليه السلام جَوِيَا شَدَم .

ایشان پاسخ داد:

(علّت چنین کاری تاءکید بر نمازهای واجب بوده است ؛ زیرا اگر نماز مردم جز همین چهار رکعت نماز ظهر نبود، به آن اهمیت چندانی نمی دادند و احتمال داشت که توفیق انجام آن را از دست بدهند، ولی وقتی نافله هم به آن اضافه شده ، به خاطر زیاد بودنش در انجام آن تعجیل می کنند،

همچنین است نماز عصر... (190)

نکته دیگر اینکه وضع نمازهای مستحبی ، لطف و عنایتی است از جانب خدا برای بندگان ، به این بیان که بیشتر مردم در بجای آوردن نمازهای واجب ، از نظر آداب و شرایط پذیرش و گزاردن نمازی خدایسند، کوتاهی می ورزند، از این رو، خداوند، نمازهای نافله را راه جبران این نقیصه قرار داده است : شخصی به نام (ابوبکر) گوید:

(حضرت امام باقر علیه السلام از من پرسید: آیا می دانی نمازهای مستحب برای چه وضع شده است ؟ عرض کردم : فدایت شوم نمی دانم . فرمود:
(لَإِنَّهُ إِنْ كَانَ فِي الْفَرِيضَةِ نَقْصَانٌ قُضِيََتِ النَّافِلَةُ عَلَى الْفَرِيضَةِ حَتَّى تَتِمَّ) ⁽¹⁹¹⁾
برای اینکه اگر در نماز واجب کمبودی باشد، نافله آن را جبران کند، تا کامل شود.

امام کاظم علیه السلام نیز فرمود:
(إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَمَّمَ صَلَاةَ الْفَرِيضَةِ بِالصَّلَاةِ النَّافِلَةِ وَأَتَمَّ صِيَامَ الْفَرِيضَةِ بِصِيَامِ النَّافِلَةِ) ⁽¹⁹²⁾
خداوند بزرگ ، نمازواجب را بانمازنافله و روزه واجب را با روزه مستحب کامل کرده است .

ب - باز بودن مسیر تکامل

تشریح انواع عبادتها در ادیان الهی برای تکامل و تقرّب انسان به خدا صورت گرفته است که عبادتهای واجب ، حدّ ضروری و لازم آن است و هر کس مکلف است با انجام آن خود را به چنین مرزی برساند.
از طرف دیگر، برای آنکه مؤمن توقّف نکند و راه تقرّب بیشتر به رویش باز باشد، عبادتهای اختیاری فراوانی فرا روی او قرار

گرفته تا بتواند بدین وسیله سیر تکاملی خویش را ادامه دهد پس هر که عبادتش بیشتر باشد، تقربش بیشتر است . شاهد این گفتار، سخن امام کاظم علیه السلام در باره قرآن است :

(...دَرَجَاتُ الْجَنَّةِ عَلَى قَدْرِ آيَاتِ الْقُرْآنِ يُقَالُ لَهُ أَقْرَأُ وَارْتَقَ فَيَقْرَأُ ثُمَّ يَرْقَى ...) (193)

درجات بهشت به تعداد آیه های قرآن است . به او (مؤمن) گفته می شود (آیه های قرآن را) بخوان و بالا برو، او هم می خواند و بالا می رود.

حضرت رضا علیه السلام در این راستا فرمود:

(بدانید که نمازهای نافله به خاطر تفاوت مردم در توانشان تشریح شده است ؛ زیرا برخی از برخی ، قوی ترند، نمازهای واجب برای پایین ترین سطح وضع شده ، سپس مستحبات در پی آن آمده است تا قوی و ضعیف در حد توانشان عمل نمایند، بنابراین هیچ کس فراتر از توانش مکلف نشده است ... همچنین است روزه و حج و برای هر واجبی ، مستحبی بدین معنا وجود دارد. (194)

تجلی عشق به معبود

پس از آنکه مؤمن طعم شیرین عشق الهی را در نمازهای واجب چشید در پی ارتباط بیشتر با معبود خویش به دامن مستحبات چنگ می زند و برای جلب توجه معشوق بی همتا، هدیه گرانقدر و زیبایی به نام (نماز مستحبی) را پیش کش می آورد. حضرت رضا علیه السلام فرمود:

(حَسُّنُوا نَوَافِلَكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّهَا هَدِيَّةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ) ⁽¹⁹⁵⁾

نمازهای نافله را زیبا ادا کنید و آگاه باشید که آنها هدیه ای به پیشگاه خدای بزرگ است .

نماز شب

در میان نوافل روزانه ، ماهانه و سالانه ، نماز شب از فضیلت بیشتری برخوردار است که قرآن و روایات بر آن تاءکید فراوان دارند. قرآن مجید با لحن بسیار شوق آور از شب بیداران زنده دل یاد کرده ، می فرماید:

(تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ) (196)

از بستر خواب پهلو تهی کنند، پروردگارشان را با بیم و امید بخوانند و از آنچه روزیشان کرده ایم انفاق کنند.

مرحوم طبرسی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل می کند که :
(منظور از مؤمنان در این آیه شب زنده دارانی هستند که برای اقامه نماز شب از بستر گرم خویش بر می خیزند. (197)

آن گاه قرآن مجید از پاداش بزرگ و نفیسی که خداوند به زاهدان شب عنایت می کند، خبر داده ، می فرماید:

(فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (198)
هیچ کس نمی داند که در ازای کاری که انجام داده اند، چه (پاداش مهم) و چشم روشنی ای برای آنها نهفته شده است .

حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

(مَا مِنْ حَسَنَةٍ إِلَّا وَهَا ثَوَابٌ مُبَيَّنٌّ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا صَلَاةَ اللَّيْلِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ اسْمُهُ لَمْ يُبَيِّنْ ثَوَابَهَا لِعِظَمِ حَظِّهَا قَالَ: فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ) (199)

هیچ کار نیکی نیست جز آنکه پاداشش در قرآن بیان شده است مگر نماز شب که خداوند به خاطر عظمت شائن آن ثوابش را برملا نکرده و فرموده است (**فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ**).

ممکن است در اینجا این سؤال پیش آید که چرا پاداش عظیم نماز شب مخفی نگاه داشته شده است؟ این سؤال را به سه شکل می توان پاسخ داد:

1- کارهای ارزشمند و عظیم چنان است که حقیقت آنها به سادگی قابل درک نیست ، در عین حال پنهان داشتن پاداش آنها نشاط انگیزتر است .

2- قرّة العین و چشم روشنی ، آن قدر بزرگ و گسترده است که دانش انسان از رسیدن به تمام خصوصیات آن ناتوان است .

3- چون (نماز شب) مخفیانه و دور از چشم دیگران انجام می گیرد، پاداش آن نیز پنهان و دور از چشم مردمان است . (200)

رهبران بزرگوار اسلام نیز با تعبیرهای گوناگونی مردم را به انجام این عمل بزرگ تشویق می کردند که در اینجا به یک نمونه آن بسنده می کنیم ؛ معاذ بن جبل گوید:

(روزی رسول اکرم ﷺ به من فرمود: اگر مایلی راههای خیر را به تو نشان بدهم . سپس فرمود: (... قِيَامُ الرَّجُلِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ يَبْتَغِي وَجْهَ اللَّهِ) (201)

(یکی از راهها) برخاستن مرد در دل شب در پی یافتن رضای خداست .

برخی از آثار نماز شب

با اینکه همه پاداش اخروی نماز شب برای ما درک کردنی نیست ، ولی معصومین : از برخی آثار دنیوی و اخروی آن ما را مطلع کرده اند که توضیح آن در زیر می آید:

رسول اکرم ﷺ فرمود:

(إِنَّ قِيَامَ اللَّيْلِ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ وَتَكْفِيرُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْهَاةٌ عَنِ الْإِثْمِ وَ
مَطْرَدَةٌ الدَّاءِ فِي الْجَسَدِ) (202)

همانا نماز شب : 1- نزدیکی به خداست . 2- جبران کردن گناهان است .

3- باز دارنده از گناه است . 4- دفع کننده درد بدن است .

5 - در سخنی دیگر فرمود:

(مَنْ صَلَّى بِاللَّيْلِ حَسَنًا وَجَهَّهُ بِالنَّهَارِ) (203)

هر کس نماز شب بخواند، چهره اش در روز نیکو (نورانی) می شود.

203 6- رزق روز را تضمین می کند؛ چنانکه شخصی خدمت آن حضرت

آمده ، بگونه ای عرض نیاز کرد که گویا به نان شب محتاج است . امام پرسید:

آیا نماز شب می خوانی ؟ پاسخ داد آری ، حضرت رو به یاران خویش کرده

فرمود:

(كَذِبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ صَلَّى بِاللَّيْلِ وَ يَجُوعُ بِالنَّهَارِ إِنَّ اللَّهَ ضَمَّنَ
بِصَلَاةِ اللَّيْلِ قُوتَ النَّهَارِ) (204)

کسی که ادعا می کند نماز شب خوانده و در روز گرسنه مانده است ،

دروغگوست ؛ زیرا خداوند به وسیله نماز شب روزی روز را تضمین کرده است

7 و 8 و 9- چهره را زیبا می سازد غم را می زداید و دیده را جلا می دهد،

چنان که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در باره این سه اثر فرمود:

(صَلَاةُ اللَّيْلِ تُحْسِنُ الْوَجْهَ وَ تَذْهَبُ بِالْهَمِّ وَ تَجْلُوا الْبَصَرَ) ⁽²⁰⁵⁾

نماز شب چهره را نیکو می کند و غم را می زداید و دیده را جلا می دهد.

10 - بهشت ، پاداش آن است . رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگام ارتحال

به ابوذر فرمود:

(يَا أَبَا ذَرٍّ! إِحْفَظْ وَصِيَّةَ نَبِيِّكَ تَنْفَعَكَ، مَنْ خُتِمَ لَهُ بِقِيَامِ
اللَّيْلِ ثُمَّ مَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ) ⁽²⁰⁶⁾

ای ابوذر سفارش پیامبرت را حفظ کن که برایت سود آور است : هر کس

آخر کارش با نماز شب باشد و بمیرد، بهشت برای اوست .

خلاصه درس

دو مسأله مهم ، فلسفه تشریح نوافل را تشکیل می دهد. 1-
صیانت از نمازهای واجب و کامل نمودن آنها. 2- باز بودن مسیر تکامل مؤمن .
تعداد نمازهای مستحبی که به (نافله) معروف است ، فراوان است که تنها نافله
های روزانه 34 رکعت می باشد و اسلام بر انجام آنها تاءکید زیادی کرده است .
در میان نافله ها، نماز شب از موقعیت برتری برخوردار است ، بگونه ای که
از شدت عظمت و فضیلت ، ثواب آن پنهان نگاه داشته شده
است و رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را یکی از راههای خیر معرفی کرده است .
همچنین در روایات اسلامی ، آثار ارزشمندی برای نماز شب بیان شده
از جمله اینکه : مانع گناه ، برطرف کننده درد بدن ، زیاد کننده روزی ،
روشن کننده چشم ، زیبا کننده چهره بوده و بهشت پاداش آنست .

پرسش

- 1- نافله یعنی چه ؟
- 2- فلسفه تشریح نوافل چیست ؟
- 3- قرآن مجید چه پاداشی برای نماز شب بیان کرده است ؟
- 4- چهار اثر نماز شب را بنویسید.

درس دوازدهم : دعا و مناجات

جایگاه و ارزش دعا در اسلام

دعا در لغت به معنای طلب ، درخواست و تقاضاست ⁽²⁰⁷⁾ و در اصطلاح به اظهار نیاز و خواهش بندگان به درگاه خدای قادر متعال گفته می شود. ارزش و اهمیّت دعا در فرهنگ اسلامی ، از سفارشهای قرآن و معصومین علیهم السلام معلوم می شود. این تاءکید بسیار زیاد، نشانگر جایگاه ویژه دعا در اسلام است ، تا جایی که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

(الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ) ⁽²⁰⁸⁾ دعا مغز عبادت است .

همچنین امام باقر علیه السلام فرمود:

(مَا مِنْ شَيْءٍ اَعْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ اَنْ يُسْأَلَ وَ يُطْلَبَ مِمَّا عِنْدَهُ) ⁽²⁰⁹⁾

در نزد خدا هیچ چیز بهتر از این نیست که از او سؤال شود و از آنچه نزد اوست درخواست گردد.

آداب دعا

دعا همچون عبادات دیگر آداب و مقررات ویژه ای دارد که در صورت انجام آن ، نتیجه بهتر و مطلوبتری به دست می آید. برخی از آن آداب را بطور اختصار بیان می کنیم :

الف - حال دعا داشتن

دعا کننده باید با تمام وجود متوجه ذات مقدس خدا باشد و از غیر او بکلی دل بکند و هیچ امیدی به دیگران نداشته باشد. دیگر اینکه در کارهای نیک پیشقدم باشد با بیم و امید به دعا بنشیند. قرآن مجید می فرماید: خاندان زکریای پیغمبر با چنین حالتی خدا را می خواندند:

(إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ) ⁽²¹⁰⁾ بدرستی که آنها در کارهای خیر پیشگام بودند و با حالت امید و ترس ، ما را می خواندند و برای ما خاشع بودند.

توجه قلبی نیز از شرایط دعاست که داعی باید با توجه کامل و از ته دل خدا را بخواند. علی عليه السلام فرمود:

(لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ) ⁽²¹¹⁾ خداوند بزرگ ، دعای دلی را که غافل و مشغول باشد نمی پذیرد.

همین طور بجا و نیکوست که انسان هنگام دعا و مناجات دستهای خویش را به سوی آسمان بالا برد چنان که نقل شده است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگام دعا و مناجات دستهایش را بالا می برد. ⁽²¹²⁾

امام صادق علیه السلام در مورد حکمت این کار فرمود:

(هر گاه بنده دستهایش را به سوی خدا بالا برد، او حیا می کند که آنها را خالی برگرداند).⁽²¹³⁾
استعمال بوی خوش ، صدقه قبل از دعا و انگشتر عقیق به دست داشتن نیز از آداب دعا شمرده شده است .⁽²¹⁴⁾

ب - رعایت زمان دعا

گرچه درهای رحمت الهی ، همواره به سوی بندگانی که صادقانه و مخلصانه او را می خوانند، باز است و خداوند، به آنها وعده پاسخ داده است ، اما امامان معصوم : به بعضی از زمانها و اوقات ، عنایت بیشتری داشته اند و احتمال استجابت را در آن مواقع خاص ، بیشتر دانسته اند. از آن جمله ماه مبارک رمضان بویژه شبهای قدر، روز عرفه ، روزهای عید فطر، قربان ، غدیر و شبهای جمعه امام باقر علیه السلام فرمود:

(إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُنَادِي كُلَّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ: أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَدْعُونِي لِدِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأُجِيبُهُ..).⁽²¹⁵⁾
خدای بزرگ در هر شب جمعه از اول تا آخر شب از بلندای عرش ندا دهد که آیا بنده مؤمنی نیست که امشب مرا برای دین و دنیای خویش بخواند تا او را اجابت کنم .

امام صادق علیه السلام فرمود:

(إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَتَحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَأَبْوَابُ الْجَنَانِ وَ قُضِيَتِ الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ..).⁽²¹⁶⁾

به هنگام نیمروز، درهای آسمان و بهشت گشوده می شود و حاجتهای مهم برآورده می گردد.

همچنین رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دعا در ماه مبارک رمضان را مستجاب دانسته و فرمود:

(... وَ دُعَاءُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ..).⁽²¹⁷⁾

ج - توجّه به مکان دعا

جای دعا کردن نیز در چگونگی استجاب دعا نقش دارد. مکان هر چه مقدستر باشد دعا به استجابت نزدیکتر است. مانند: مکه معظمه، مدینه منوره، مشهد مشرفه امامان، مساجد، امامزاده های معتبر مزار گلگون شهدا و....

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام درباره دعا کردن در شهر مقدّس مکه فرمود:

(هیچ کس در این کوهها (مکه) نایستاد (و دعا نکرد) مگر اینکه مستجاب شد. اما دعاهای مؤمنان در امور آخرتشان و دعای کفّار در امور دنیایشان به اجابت می رسد).⁽²¹⁸⁾

در جوار قبر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز دعا به اجابت می رسد.⁽²¹⁹⁾ همچنین

کنار مرقد مطهر سیدالشهدا حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَام از مکانهایی است که دعا مستجاب می شود.⁽²²⁰⁾

اسباب و عوامل اجابت

علاوه بر آداب ظاهری دعا، عوامل دیگری نیز در استجابات دعا موثرند، که در اینجا بطور اختصار می آوریم:

الف - قطع امید از غیر خدا

قطع امید از غیر خدا، عزم دعا کننده را در توسل به پروردگار و مبداء هستی قویتر کرده، با خلوص بیشتری خواسته های خود را از درگاه خدا طلب می کند.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

(هر گاه یکی از شما اراده کرد که هر چه از خدا بخواهد به او بدهد باید از همه مردم ناامید شود و جز به خدا امیدوار نباشد. اگر خداوند این حالت را در قلب دعا کننده یافت هر چه از او درخواست شود عطا می کند)⁽²²¹⁾

ب - دسته جمعی دعا کردن

از دیگر عوامل مؤثر در اجابت دعا، گروهی بودن آن است و این نشانه اهتمام اسلام به جمع و اجتماع است. یکی از حکمت های آن، این است که هر چه افراد، بیشتر باشند، هر یک به سهم خود و نسبت به خصایل نیکویی که دارند، نظر پروردگار را جلب و دعا را به هدف اجابت، نزدیکتر می کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

(هر گاه امری پدرم (امام باقر علیه السلام) را مخزون می کرد، زنان و کودکان را جمع نموده، دعا می کرد و آنها آمین می گفتند)⁽²²²⁾

ج - واسطه قرار دادن اهل بیت

انسان غیر معصوم ، بطور معمول ، مرتکب گناه و اشتباه شده ، بدین وسیله در درگاه الهی خجل و روسیاه است . ازاین رو، اگر اولیای مقرب درگاه خدا را واسطه قرار دهد به خاطر آنها دعا به اجابت نزدیکتر می گردد. در میان امت اسلامی هیچ کس از پیامبر و خاندانش نزد خدا محبوبتر نیست . خداوند، خود فرموده است :

(محبوبترین و گرامی ترین بندگانش نزد من محمد و علی ، حبیب و ولی من هستند، هر کس به وسیله آن دو و خاندان پاکشان از من چیزی بخواهد، خواسته اش را رد نمی کنم).⁽²²³⁾

رسول اکرم ﷺ نیز فرمود:

(... إَجْعَلُونِي فِي أَوَّلِ الدُّعَاءِ وَ فِي آخِرِهِ وَ وَسَطِهِ)⁽²²⁴⁾ مرا در اول ، وسط و

آخر دعا قرار دهید.

موانع اجابت

همان طور که عواملی موجب تسریع در اجابت دعا می شود، عللی نیز مانع اجابت دعا می گردند، که به شرح زیر است :

الف - گناه

گناه ، دشمن دیرینه و خطرناک انسان و دور کننده او از نعمتهای مادی و معنوی است و مانع بزرگی در مسیر کمال او محسوب می شود. دعای فرد گنهکار به اجابت نمی رسد و ناله هایش خریدار ندارد. امام باقر علیه السلام فرمود:

(انسان گاهی حاجتی دارد و از خدا طلب می کند و خداوند ضمن قبول آن انجامش را به وقت مناسبی وا می گذارد، ولی بنده در این مدت مرتکب گناه می شود. خداوند به مأمور اجابت دعا امر می کند: خواسته اش را اجابت نکن و او را از این لطف محروم نما که خشم ما را برانگیخت و شایسته بی اعتنایی گردید. ⁽²²⁵⁾)

شخصی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت : دوست دارم که دعایم مستجاب شود، حضرت به وی فرمود:

(طَهْرُ مَاءِ كَلْبِكَ وَلَا تُدْخِلُ بَطْنَكَ الْحَرَامَ) ⁽²²⁶⁾ خوراک خود را پاکیزه کن و غذای حرام نخور.

ب - تقاضای امر محال و یا غیرجایز

اجابت دعا از جانب خدای سبحان پس از حصول شرایط در صورتی است که آنچه از خدا خواسته ایم شدنی و ممکن باشد و نامشروع نباشد. به عبارت دیگر، دعا در مسیر مصلحت خلقت انجام گیرد و دعای انحرافی نباشد. از حضرت علی علیه السلام سؤال شد:

(فَأَيُّ دَعْوَةٍ أَضَلُّ؟ قَالَ: الدَّاعِي بِمَا لَا يَكُونُ) ⁽²²⁷⁾ کدام دعا گمراهی است؟

فرمود: دعا کردن و خواستن کارهای نشدنی و غیر ممکن .

ج - عدم مصلحت

توانایی و قدرت خدا در انجام خواسته بندگان ، مورد تردید نیست ، ولی گاهی می شود بنده ، چیزی را می خواهد که به مصلحت او نیست ، در حالی که خود نمی داند و خداوند که به همه جوانب زندگی اش آگاه است ، به دلیل لطفی که به بندگانش دارد، آن دعا را مستجاب نمی کند:

(عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ

وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) ⁽²²⁸⁾ چه بسا چیزی بر شما ناگوار و ناخوشایند

باشد، در حالی که خیر و صلاح شما در آن است (و شما نمی دانید) و همچنین

شاید چیزی را دوست بدارید که ضرر شما در آن باشد و خدا آگاه است و شما

بی خبرید.

د - مهیا نبودن شرایط و زمان اجابت

مناسب نبودن زمان و شرایط از جمله موانع اجابت دعاست . چه بسا شخص دعاکننده ، گمان کند که خواسته اش رد شده و ناامید گردد، در حالی که نباید قطع امید کند. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

(إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو فَيُؤَخَّرُ إِبْجَابَتُهُ إِلَى يَوْمِ الْجُمُعَةِ) ⁽²²⁹⁾ مؤمن دعا می کند و خداوند اجابت آن را تا روز جمعه عقب می اندازد.

خلاصه درس

_ دعا در اسلام از اهمیّت زیادی برخوردار است و از بهترین عبادات شمرده شده و رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را مغز عبادت نامیده است .

_ برای (دعا) آداب و شرایط خاصی وجود دارد که با تحقق آنها، دعا نیز به اجابت نزدیکتر می گردد.

این شرایط شامل حالات دعا کننده (توجه کامل به خدا، حضور قلب ، دعا در حال خوف و رجا، قطع امید از غیر خدا و تنها به او امید بستن و...) و زمان دعا و مکان دعا است . بعضی مکانها از جمله مکه و مدینه و مساجد و قبور ائمه : از اولویت برخوردارند. همچنین تنها به او امید بستن و به صورت دسته جمعی دعا کردن و واسطه قرار دادن اهل بیت عصمت : از جمله عوامل تسریع در اجابت محسوب می شوند و بر عکس گناه ، تقاضای چیز محال و نشدنی از خدا، به مصلحت نبودن و فرارسیدن زمان و شرایط مناسب از جمله موانع قبول دعا در پیشگاه باریتعالی است .

پرسش

- 1- ارزش دعا و مناجات در اسلام را بیان کنید.
- 2- آداب دعا را بیان کرده ، مقداری توضیح دهید.
- 3- دو عامل از عوامل اجابت دعا را ذکر کنید.
- 4- موانع اجابت دعا چیست ؟

درس سیزدهم : تفکر

(تفکر) که در لغت به معنای اندیشیدن است ، ⁽²³⁰⁾ با تاءمّل و تدبّر، هم معناست . ⁽²³¹⁾ و در اصطلاح عبارت است از تشکیل دو مقدمه (صغری و کبری) برای دستیابی به یک نتیجه . مثال : 1- آنچه پایدار است بر ناپایدار رجحان دارد.

2- آخرت پایدار و دنیا ناپایدار است .

پس : آخرت بر دنیا رجحان دارد. ⁽²³²⁾

رابطه عبادت و تفکر

طرح بحث (تفکر) در (اخلاق عبادی) به دو جهت است :
نخست اینکه تفکر، خود، عبادتی بزرگ ، بلکه از بهترین عبادتهاست ،
تا آنجا که حضرت صادق علیه السلام فرمود:
(تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ) ⁽²³³⁾
ساعتی اندیشه از سالی عبادت بهتر است . همانا تنها خردمندان درک می
کنند.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

(التَّفَكُّرُ فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عِبَادَةُ الْمُخْلِصِينَ) ⁽²³⁴⁾
اندیشیدن در حقیقت آسمانها و زمین ، پرستش مخلصان است .
دوّم آن که عبادت واقعی و ارزشمند، با تاءمّل و اندیشیدن تواءم است و
زیباترین پرستش را انسانهای اندیشمند و خردمند انجام می دهند، چنانکه قرآن
مجید می فرماید:

(إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي
الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ) ⁽²³⁵⁾

همانا در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز، برای
خردمندان نشانه هایی است . آنان که خدا را (در حالت های) ایستاده و نشسته و به
پهلوی خفته ، یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند (و گویند):
ای پروردگار ما ! اینها را بیهوده نیافریده - ای ، تو منزّهی ، ما را از عذاب آتش
نگهدار.

شب زنده داران عاشق در قیام و قعود خویش با (تفکر) به (ذکر) و (تسبیح) خدا پرداخته ، این حقیقت را در پهنه هستی به اثبات رساندند که اندیشمندان خردمند، عابد و ذاکر خدایند و پرستشگران ، متفکرند و با خرد.

شبی ، رسول اکرم ﷺ آن قدر گریسته بود که محاسن و جای سجده اش خیس شده بود، بامداد که برای برپا نمودن نماز از منزل خارج شد، بلال پرسید: ای رسول خدا! چرا این قدر گریسته ای ؟ فرمود:

(إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ...) بر من نازل شد، وای بر

کسی که آن را قرائت کند و پیرامونش نبیند (236)

ارزش تفکر

با توجه به آنچه گذشت ، بروشنی در می یابیم که چرا اسلام این گونه برای تفکر ارزش قائل شده و رهبر آن فرموده است :

(أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلُ) ⁽²³⁷⁾

نخستین آفریده خدا عقل است .

شهید مطهری در این باره می نویسد:

(دین اسلام رکن اساسی و پایه اصلی خود را توحید قرار داده است ، توحید بالاترین و عظیم ترین اندیشه ای است که به دماغ بشر رسیده ، بسیار دقت و نازک کاری می خواهد، و از طرفی در اصول این دین و بالاخص در اصل اصول آن یعنی و توحید، تقلید محکوم شده و تحقیق لازم شمرده شده ، ناچار باید این دین ، (تفکر) و (تدبّر) و (تحقیق و جستجو) را فرض بشمارد، و قسمت مهمی از آیات (کتاب) خود را به این موضوع اختصاص بدهد و همین کار را کرده است .) ⁽²³⁸⁾

منابع تفکر

دین مقدّس اسلام علاوه بر ارج نهادن به فکر و اندیشه ، راه تفکر صحیح را نیز به بشر نشان داده است ، تاپیروان خویش را از آلودگی به افکار پلید و بیهوده باز دارد. متفکر بزرگ اسلام خواجه نصیر الدین طوسی در این باره می نویسد:

(تفکر، سیر درونی از مبادی به مقاصد است و هیچ کس از کاستی به کمال نمی رسد، مگر به این سیر درونی . مبادی تفکر (آفاق) و (انفس) است به این بیان که در اجزا و ذرات عالم از قبیل کرات آسمانی ، ستارگان ، حالات و حرکات و تاءثیر و هدف آنها اندیشه کند. همچنین در موجودات زمینی بویژه در اجزا و اعضای انسان و غیر آن که قابل شمارش نیست ، بیندیشد آن گاه با تفکر درباره منافع و مصالح اینها بر کمال ، عظمت ، علم و قدرت آفریننده و ناپایداری غیر خدا استدلال کند ... و از همین قبیل است ، تاءمل در تاریخ گذشتگان و کوتاه شدن دست آنها از دنیا و رهسپار شدن به دیار آخرت . چنین تفکری سبب قطع محبت از غیر خدا، وابستگی کامل به آفریننده ، تقویت تقوی و اطاعت پذیری می گردد. همچنین می توان دامنه تفکر را گسترده تر کرد تا شامل تفکر در آیات ، روایات ، احکام و مسایل دینی نیز بشود.)⁽²³⁹⁾

قرآن ما را به تفکر در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز

⁽²⁴⁰⁾ و آفرینش روح و جسم انسان ⁽²⁵¹⁾

روزه دل از فکر گناه آلود، برتر از روزه شکم از خوردنیهاست .

خلاصه درس

اندیشیدن یکی از عبادت‌های بزرگ شمرده شده و هر عبادتی که با تفکر انجام گیرد از ارزش بیشتری برخوردار است. دین مقدس اسلام، زیربنای اصول خویش را بر پایه تفکر نهاده و انسان را از تقلید در اصول دین منع کرده است.

همه پدیده‌ها، اوامر الهی، سخنان معصومین: کتاب آفرینش، تاریخ گذشتگان و امثال آن موضوع تفکر است، تا انسان به عظمت، قدرت و علم الهی بیشتر پی ببرد و از غیر او دل بکند.

تفکر آثاری شماری دارد که به عنوان نمونه: رأی صائب، مصونیت از لغزشها، دعوت به نیکیها، سلامت و نیک فرجامی را می‌توان نام برد.

اسلام با همه عنایتی که به آزادی فکر و اندیشه دارد، پیروان خویش را ملزم کرده است که عقل و اندیشه خود را از افکار هوس آلود و غیر حکیمانه حفظ کرده، همواره پیرامون مسائل بطور منطقی بیندیشند.

پرسش

- 1- معنای لغوی و اصطلاحی تفکر چیست؟
- 2- منابع تفکر را بنویسید.
- 3- برخی از آثار تفکر را ذکر کنید.
- 4- امیر مؤمنان علیه السلام در مورد فکر آلوده چه فرموده است؟

درس چهاردهم : عبادت و خدمت

واژه (خدمت)، مفهوم گسترده ای دارد و همه امور اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی را در بر می گیرد و به گذشت ، فداکاری ، ایثار و تحمل رنج و سختی در همه این امور، خدمت و خدمتگزاری ، صدق می کند. کاری که شکل آن مفید و برخوردار از روح معنویت بوده و وسیله تقرب به خدا باشد، در فرهنگ اسلامی خدمت نامیده می شود.

بنابراین خدمتی که مقدمه قرب الهی و در راستای رضای خدا نباشد، عبادت نیست و از اجر الهی سهمی ندارد.

خدمت عبادی علاوه بر انگیزه الهی و تقرب به خدا، دارای شرایط زیر است : در راه خدا باشد. مخلصانه انجام گیرد. خیر خواهانه بوده و فاعلش ، نیت و هدف خیر داشته باشد. داد و ستد و به منظور به دست آوردن مال و منال و شهرت و مقام نباشد. اعانت بر اثم و گناه نباشد. از منت و آزار مبرا باشد. خدمت شوندگان ، افراد شایسته خدمت باشند، گرچه متوجه خدمت خدمتگزار نباشند و چنین خدمتی از ارزش و اهمیت بسزایی برخوردار است و حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: (أَحْسَنُ الصَّنَائِعِ مَا وَافَقَ الشَّرَائِعَ) ⁽²⁵²⁾ بهترین احسانها و خدمات ، آن است که موافق با شریعت ها (و طبق شرایط و موازین دینی) باشد.

محدوده خدمت

همانطور که ذکر شد، یکی از شرایط خدمت آن است که افراد خدمت شونده ، شایسته خدمت باشند، در اینجا این سؤال مطرح است که آیا دایره خدمتگزاری آنقدر وسعت دارد که غیر مسلمان را نیز شامل می شود، یا اختصاص به مسلمانان و مؤمنان دارد؟ به عبارت دیگر، آیا از نظر اسلام ، خدمت در هر جا و به هر کس ، پسندیده و مورد ستایش است ؟ یا خدمت مسلمانان و مؤمنان به یکدیگر و در جامعه اسلامی دارای ارزش و اهمیّت است ؟

از نظر اسلام ، خدمت به همه مردم و نوع بشر عملی شایسته است و غرض اولیای گرامی اسلام در خدمتگزاری ، تنها مؤمن یا مسلمان نیست ؛ بلکه نوع بشر را شامل می شود. چنانکه رسول خدا ﷺ می فرماید:

(رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الدِّينِ التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ وَاصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ) (253)

پس از دین (و ایمان به خداوند)، بشر دوستی و نیکی به مردم ، اعم از درستکار و گناهکار، سرآمد تمام کارهای عاقلانه است .

امیر مؤمنان عليه السلام نیز می فرماید:

(أَبْذُلُ مَعْرُوفَكَ لِلنَّاسِ كَافَّةً فَإِنَّ فَضِيلَةَ فِعْلِ الْمَعْرُوفِ لَا يَعْدِلُهَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ شَيْءٌ) (254)

کارهای نیک خود را برای همه مردم به کار بر و براستی که هیچ چیز نزد خدای سبحان ، با فضیلت کارهای نیک ، برابری نمی کند.

بر اساس اینگونه روایات، خدمت کردن محدودیتی ندارد.
 در برخی دیگر از روایات، خدمت کردن با قید (مؤ من یا مسلم) ذکر شده
 است. به عنوان نمونه، رسول خدا ﷺ می فرماید:
 (أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَدَمَ قَوْمًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ عَدَدِهِمْ خُدَامًا فِي
 الْجَنَّةِ) (255)

هر مسلمانی که به جماعتی از مسلمانان، خدمت کند، خدا به شماره آنها در
 بهشت برایش خدمتگزار می گمارد.

شخصی به نام جمیل گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:
 (الْمُؤْمِنُونَ خَدَمَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ. قُلْتُ: وَكَيْفَ يَكُونُونَ خَدَمًا بَعْضُهُمْ
 لِبَعْضٍ؟ قَالَ: يُفِيدُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا...) (256)

مؤمنان خدمتگزار یکدیگرند. عرض کردم: چگونه خدمتگزار
 یکدیگرند؟ فرمود: به یکدیگر فایده می رسانند.

از مجموع این دو دسته روایات، چنین بر می آید که خدمت، ارزش ذاتی
 دارد و خدمتگزاری به همه مردم - اعم از مسلمان و کافر (با
 شرایطش) امری پسندیده است؛ لیکن خدمت به مسلمانان از اهمیت بیشتری
 برخوردار است.

خدمت به غیر مسلمانان به جهت تاءلیف قلوب و جذب آنها به اسلام،
 اهمیت بسزایی دارد. چنانکه در بعضی ابواب فقهی مانند زکات به آن اشاره شده
 و سهمی از زکات در این جهت، مصرف می شود.

در سیاست خارجی کشور اسلامی گاهی می بینیم دولت جمهوری اسلامی به
 بعضی از کشورهای غیر اسلامی کمک بلاعوض می کند و گاه در
 حوادث ناگوار همچون سیل، زلزله، قحطی و... کمکهای

مالی فراوانی به نامسلمانان می شود. چنین کاری یکی از مصادیق خدمت است و با انگیزه الهی انجام می گیرد؛ بله ، اگر به غیر مسلمانان ، خدمت ، صورت گیرد؛ اما انگیزه الهی بر آن مترتب نباشد، باعث تقویت ، شوکت و عزت آنان در برابر اسلام و مسلمانان شود، سبیل و راه سلطه آنان بر مسلمانان باشد و مسلمانان را به استخدام خود درآورند و ... چنین امری خدمت نیست ؛ بلکه خیانت به اسلام و مسلمانان است .

بنابراین در خدمت کردن ، سه مسأله - موارد، انگیزه و آثار خدمت - باید مدّ نظر خدمتگزار باشد، تا از محدوده جلب رضا و تقرّب به درگاه خداوند، خارج نشود.

خدمتگزاری در نظام اسلامی

در نظام اسلامی مدیریتها و مسؤولیت‌های سیاسی - اجتماعی ، امانت سنگینی بر دوش صاحبان آنهاست ، نه اینکه طعمه و لقمه چرب و نرمی باشد، چنانکه امیر مؤمنان علیه السلام به فرماندار آذربایجان نوشت :

(...إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ) ⁽²⁵⁷⁾

عمل (و حکمرانی)، طعمه و شکار تو نیست ؛ بلکه امانت و سپرده ای در گردن توست .

همه کسانی که در جمهوری اسلامی ، مسؤولیت دارند، باید خود را مدیون مردم دانسته ، بلکه آنان را در مرتبه بالاتر و (ولی نعمت) خود حساب کنند و آزادی ، استقلال و مقام خویش را مرهون کوشش آنان بدانند و همچون رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، امام خمینی خود را خادم ملت بدانند، چنان که فرمود:

(من خادم شما هستم ، من خادم ملت شما هستم . من آمده ام که بزرگواری شما را حفظ کنم . من آمده ام که دشمنهای شما را زمین بزنم . من آمده ام که ملت را یک ملت مستقل کنم ...) ⁽²⁵⁸⁾

در جای دیگر فرمود:

(... به من اگر خدمتگزار بگویند، بهتر از این است که رهبر.) ⁽²⁵⁹⁾

و نیز فرمود:

(...حکومت اسلامی ، حکومت خدمت است . پیغمبر اکرم

صلی الله علیه و آله و سلم با اینکه مقامش آن بود، ولی خدمتگزار بود، خدمت می کرد.) ⁽²⁶⁰⁾

مسئولان مملکتی، ارگانها و نهادهای انقلابی و همه کسانی که در این راستا مشغول خدمتند، باید خود را موظف به انجام وظیفه و رفع گرفتاریهای امت شهید پرور و مظلوم دانسته، از دل و جان، به اصلاح امور آنان همت گمارند، امکان ملاقات برای مطرح کردن دردها و محرومیتها و مشکلات را به آنان بدهند، با نهایت تواضع و خوشرویی با آنها برخورد نمایند و از صمیم قلب بخواهند، کارشان را انجام دهند و از انداختن آنها به پیچ و خمها و کاغذ بازیهای اداری و معطل کردن، رد کردن، جواب ندادن، سرگردان کردن و مشکل درست کردن برای آنان، سخت پرهیزند و هرگز از خدمتگزاری به آنان خسته نشود.

امام حسین علیه السلام، افراد خدمتگزار را تشویق کرده و توفیق رفع نیازهای مردم را از جمله نعمتهای الهی شمرده، می فرماید:

(إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النِّعَمَ) ⁽²⁶¹⁾

همانا نیازمندیهای مردم به شما از نعمتهای خدا بر شماست، بنابراین، از این نعمتها خسته نشوید.

لازم به ذکر است که امروز در جامعه ما، اسلام و جمهوری اسلامی، حاکم است و همه کسانی که در این نظام، مشغول خدمت هستند، شغل، لباس و مسؤلیت آنان از نام اسلام و انقلاب اسلامی، مایه می گیرد و مردم، اعمال، رفتار و برخوردهای آنان را به پای اسلام و جمهوری اسلامی می گذارند. به همین جهت، همواره و بویژه در هنگام خدمت، باید هوشیار و بیدار بوده، از رفتار و برخورد مغایر با اخلاق اسلامی پرهیزند و در خدمتگزاری، موازین اخلاقی را مراعات نمایند.

آفات خدمتگزاری

خدمتگزاری آفاتی دارد که شخص خدمتگزار گاهی در حین عمل، دچارش می‌شود، مثل اینکه انگیزه خدمت رسانی او، الهی نباشد، بلکه برای جلب منفعت شخصی خدمت کند؛ قدمی بر می‌دارد، تا قدمی برایش برداشته شود، خدمت می‌کند، تا به نام و نانی برسد و شهرت و مقامی بدست آورد. یا به اهلش خدمت نمی‌کند و یا در حین خدمتگزاری موازین اخلاق اسلامی را زیر پا می‌گذارد.

گاهی نیز شخص خدمتگزار بعد از عمل، آسیب می‌بیند و خدمت خود را با به رخ کشیدن، منت نهادن، اذیت و آزار کردن و ... تباه می‌سازد. اینک به عنوان نمونه به دو آفت مهم خدمتگزاری اشاره می‌کنیم:

الف - ریا

ریا یکی از آفتهای عبادت است ⁽²⁶²⁾ و خدمتی هم که در راستای رضا و خشنودی و تقرب به خدا باشد، نیز عبادت است. بنابراین ریا و نمایش خدمت، از آفات خدمتگزاری محسوب می‌شود. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

(كُلُّ حَسَنَةٍ لَا يُرَادُ بِهَا وَجْهُ اللَّهِ تَعَالَى فَعَلَيْهَا قُبْحُ الرِّيَاءِ وَ ثَمَرَتُهَا قُبْحُ الْجَزَاءِ) ⁽²⁶³⁾ هر نیکی و خدمتی که بدان خوشنودی خدا اراده نشود، زشتی ریا بر چهره آن مانده و نتیجه اش پاداشی زشت است.

ب - منت و آزار

یکی از نشانه های خدمت عبادی ، آن است که شخص خدمتگزار کارهای نیک خود را به رخ خدمت شونده‌گان نکشد، برآنان منت نهد و اذیت و آزارشان نرساند و گرنه عمل خویش را پایمال کرده است . حضرت علی علیه السلام می فرماید:

(مَنْ مَنَّ بِمَعْرُوفِهِ أَفْسَدَهُ) ⁽²⁶⁴⁾ هر کس با کارهای نیک خود (بر دیگران) منت نهد، تباهش می سازد.

و در جای دیگر خطاب به مالک اشتر و همه دولتمردان ، هشدار می دهد که مبدا خدمات عمومی و فعالیت‌های مردم را با منت و ... آلوده سازند:

(إِيَّاكَ وَالْمَنَّ عَلَى رَعِيَّتِكَ بِإِحْسَانِكَ ... فَإِنَّ الْمَنَّ يُبْطِلُ الْإِحْسَانَ) ⁽²⁶⁵⁾

مبدا با نیکی خود بر رعیت ، منت بگذاری ... که منت نهادن نیکی را باطل می کند.

خلاصه درس

_ (خدمت) مفهوم گسترده ای دارد و همه امور اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی را در بر می گیرد.

کاری که ضمن مفید بودن شکل عمل ، روح معنویت نیز بر آن حاکم باشد و مایه تقرب به خدا باشد، شایسته نامگذاری به (خدمت) است و چنین خدمتی از دیدگاه جهان بینی الهی عبادت شمرده می شود.

_ خدمتگزاری ، ارزش ذاتی دارد و دایره اش همه مردم را شامل می شود گرچه خدمت کردن به مسلمانان از اهمیت بیشتری برخوردار است .

_ خدمت به غیر مسلمانان به جهت تاءلیف قلوب و جذب آنها به اسلام نیز عملی پسندیده است و در برخی از ابواب فقهی مانند زکات به آن اشاره شده و سهمی از زکات در این جهت ، مصرف می شود.

_ خدمتگزاری آفاتی دارد که گاهی در حین عمل و گاهی نیز بعد از عمل گردنگیر شخص خدمتگزار می شود و عملش را تباه می سازد. ریاکاری و انگیزه الهی نداشتن در خدمت رسانی ، منت نهادن و آزار رساندن و ... از جمله آفتهای خدمتگزاری شمرده می شوند.

پرسش

- 1- خدمتگزاری با چه شرایطی ، عبادت محسوب می شود؟
- 2- آیا خدمتگزاری شامل غیر مسلمانان هم می شود؟ توضیح دهید.
- 3- خدمت به غیر مسلمانان در چه صورتی خیانت به اسلام و مسلمانان است

؟

- 4- خدمتگزاری در نظام اسلامی چگونه است ؟
- 5- آفتهای خدمتگزاری را بیان کنید.

درس پانزدهم : تعظیم شعایر اسلامی

(شعایر) جمع شعاریا شعیره به معنای عبادتها، نشانه ها و آداب و رسوم مذهبی یا ملی است ⁽²⁶⁶⁾ و (شعایرالهی نشانه هایی است که خداوند برای اطاعت خویش نصب کرده است). ⁽²⁶⁷⁾ و مرکز و محوری است که مردم گرد آن اجتماع کرده ، خدا را اطاعت و عبادت می کنند.

شعایر اسلامی ممکن است از نوع کردار، ایام و اماکن باشد که به شرح برخی از آنها می پردازیم :

کردار منظور از شعایر کرداری ، اعمالی است که انجام دادن آنها جنبه شعاری دارد و علامت مسلمانی به حساب می آید مانند اذان ، نماز جمعه و جماعت ، حجّ و....

الف - اذان

ندای ملکوتی و روح بخش اذان که فراخوانی عمومی مسلمانان به سوی خداست از شعایر مهمّ اسلامی محسوب می شود و در هر صبح و شام هر مسلمانی را در هر کوی و برزن به نماز و راز و نیاز با خدا می خواند و هر جای زمین چنین ندایی برخیزد نشانه وجود اسلام و مسلمان در آن دیار است . به مسلمانان سفارش شده که شعار اذان را زنده بدارند و در شبانه روز پنج نوبت اذان بگویند و نام و یاد خدا و پیامبر ﷺ را با صدایی رسا به عمق جانها بفرستند و در پی آن در صفوفی متحد به نماز بایستند.

رسول گرامی اسلام ، چهره واقعی مؤذّن را این گونه ترسیم می کند:
(الْمُؤذِّنُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ) ⁽²⁶⁸⁾ مؤذّنان ، در روز قیامت ، یک سرو گردن از دیگران بلندترند.

و مقام مؤذّن تا آنجا ارجمند است که جبرئیل - فرشته مقربّ الهی - در شب معراج اذان می گوید و فرشتگان ، به امامت پیامبر ﷺ نماز جماعت بر پا می کنند. ⁽²⁶⁹⁾

مستحب است (مؤذّن) در جای بلند اذان گوید، خوش صدا باشد، دست بر بنا گوشش گذارد و همه صدایش را به اذان بلند کند. رسول خدا ﷺ به بلال می فرمود:

(بالای دیوار مسجد برو و صدایت را به اذان بلند کن ، خداوند، بادی را مأمور کرده که صدای اذان را به آسمان ببرد، وقتی فرشتگان آن را بشنوند، گویند: این صدای امتّ محمد ﷺ است که به توحید بلند شده است). ⁽²⁷⁰⁾

ب - نماز جمعه و جماعت

اجتماع پرشکوه مسلمانان در هر شهر و روستا به طور روزانه ، هفتگی و سالیانه در قالب نماز جماعت ، جمعه و عید، از بهترین نشانه های مسلمانی است که اعتقاد راسخ نمازگزاران را به برنامه های اسلام نشان می دهد، چرا که حضور در چنین اجتماعاتی ، فرد را باسان قطره ای به دریا پیوند می دهد، نفاق را از دل می زداید، مسلمانان را یکدل و یکپارچه می کند و شیاطین پیدا و نهان را مایوس می سازد.

امام صادق علیه السلام در سخنی به جنبه شعاری و نشانه بودن نمازهای جماعت تصریح کرده می فرماید:

(نماز جماعت و اجتماع بدین سبب نهاده شده که نمازگزار از بی نماز باز شناخته شود... و اگر جماعت نبود، امکان نداشت کسی به صلاحیت دیگری گواهی دهد؛ زیرا آن کس که نماز جماعت نمی خواند، در نزد مسلمانان بی نماز محسوب می شود چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است : (کسی که بدون عذر، با مسلمانان در مسجد نماز نگذارد، در واقع بی نماز است).⁽²⁷¹⁾

همینطور نقل می کند:

(در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عده ای از نماز جماعت در مسجد طفره می رفتند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (اگر به چنین کاری ادامه دهند) بزودی دستور می دهیم تا خانه هایشان را آتش بزنند).⁽²⁷²⁾

امام خمینی به یکی از ابعاد مهم نمازهای دسته جمعی اشاره کرده می فرماید:

(... هر روز در محله‌ها اجتماع و رسیدگی به اوضاع شهر و محله، در هر هفته اجتماع بزرگ در شهرها و در جاهایی که شرایط نماز (جمعه محقق است برای بررسی اوضاع شهرستان و بالاتر؛ اوضاع کشور و در هر سال باز دو اجتماع بزرگ برای بررسی اوضاع کشورها ... این مسائل سیاسی هست و مسائلی است که باید مسلمین به آن توجه داشته باشند).⁽²⁷³⁾

ج - حجّ

کنگره عظیم و سالیانه حج که فراتر از شهر و کشور و در مقیاس بین الملل اسلامی برگزار می شود، نمایش بی نظیری از وحدت و قدرت مسلمانان در جهان است که عظمت و شکوه آن بر دوست و دشمن عیان است .

حضور میلیونی پیروان محمد ﷺ در سرزمین وحی ، شعاری پرفروغ و جاودانه است که استواری و صلابت دین مبین اسلام را نوید داده ، پیروان آن را به توحید و دوری از شرک فرا می خواند. هر یک از مناسک حج و همه مواقف مقدّس آن به تنهایی شعاری دشمن شکن و وحدت آفرین است مانند؛ احرام بستن حاجیان در لباس سفید و متحدالشکل ، طواف منظم آنان گرد خانه خدا، سعی صفا و مروه ، وقوف روزانه در عرفات ، وقوف شبانه در مشعر، رمی جمره ، قربانی ، تراشیدن سر، بیتوته در منا و... همه نشانی از بندگی خدا و شعاری از شعائر الهی است که خیر و برکت در آن نهفته است ؛ (وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ..). (274)

شتران قربانی را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم ، شما در آن خیری است. اماکن در فرهنگ ناب اسلام ، تقاطعی از زمین دارای قداست خاصی است و به مسلمانان سفارش شده آنها را گرامی بدارند. حتی اهمیّت این اماکن مقدّس آنها را به شکل شعارهایی استراتژیک مطرح کرده ، جنبه محوریت بخشیده است ؛ کعبه و مسجدالحرام ، مسجد پیامبر، مسجد کوفه ، بیت المقدس ، مسجد جامع هر شهر، تربت پاک معصومین ؛ و هر مسجدی که

در هر نقطه جهان ساخته شود، از چنین اهمیتی برخوردار است و هر مسلمانی وظیفه دارد که حرمت آنها را پاس دارد و در حفظ و آبادانی آنها بکوشد. در اینجا به اختصار پیرامون برخی از اماکن مقدس اسلامی مطالبی بیان می‌کنیم:

الف - مسجد الحرام

شریفترین مرکز اسلامی طی قرون متمادی، (مسجدالحرام) و خانه خدا - کعبه - است که قبله حدود یک میلیارد مسلمان است که همه به سوی آن نماز می‌خوانند، به آن عشق می‌ورزند، حتی بدان سوی می‌خوابند و می‌میرند. استواری کعبه نشانه حیاط اسلام و مسلمانان است. حضرت صادق علیه السلام فرمود:

(لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ)⁽²⁷⁵⁾ تا زمانی که کعبه پایرجاست، دین، استوار است.

از این رو، بر هر مسلمانی فرض است که با داشتن توانایی به سوی این مرکز مقدس بشتابد و با آداب و احترام خاصی به نیت بندگی خدا گردش بگردد، در مسجد الحرام نماز بگزارد، با دست کشیدن بر (حجر الاسود) به خدا اعلام وفاداری کند و... در ضمن بداند که:

صفا و مروه از شعایر الهی است.⁽²⁷⁶⁾

شهر مکه و حومه آن - که مسجد الحرام را بسان نگینی گرانقدر در خود جای داده است - زادگاه پیامبر، علی و زهرا علیهم السلام و مهبط بسیاری از آیات قرآن و حرم امن الهی است.

مقام ابراهیم ، حجر اسماعیل ، چاه زمزم ، حطیم و... در مسجد الحرام قرار دارد.

یک رکعت نماز در مسجد الحرام بیش از صد هزار رکعت در جای دیگر ارزش دارد.⁽²⁷⁷⁾

مشعرالحرام ، سرزمین عرفات و منا در آنجا قرار دارند که خود، از شعایر محسوب می شوند.

مسجد الحرام ، به منزله خانه مردم است که مسافر می تواند، نمازش را در آنجا تمام بخواند.

ب - مسجد النبی

نخستین اقدام رسول خدا ﷺ پس از هجرت به مدینه ، احداث مسجدی بود که به نام نامی آن حضرت مشهور شد و عنوان (مسجد النبی) به خود گرفت که پس از مسجد الحرام حائز بیشترین اهمیت است . طرح و نقشه این مسجد، از فکر پاک پیامبر، تراوش کرده و معماری نخستین آن نیز با دست مبارک آن فرزانه یگانه به فرجام رسیده است و قداست خود را نیز از همین راه کسب کرده است ، البته حرم مطهر آن پیامبر بی نظیر پس از ارتحالش به مسجد ضمیمه شد و بر اهمیّتش افزود. رسول خدا ﷺ فرمود:

(الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِي كَأَلْفِ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ..).⁽²⁷⁸⁾

(یک) نماز در مسجد من ، مانند هزار نماز در دیگر مساجد - بجز مسجد

الحرام - است

ج - مسجد کوفه

مسجد کوفه - که در شهری به همین نام در کشور عراق واقع شده - نیز از شعایر مهم اسلامی است . امیر مؤمنان صلوات الله علیه فرموده است :

(لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ؛ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ وَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ)⁽²⁷⁹⁾ کوچ نمی شود مگر به سوی سه مسجد، مسجد الحرام ، مسجد پیامبر و مسجد کوفه .

امام صادق سلام الله علیه نیز فرموده است :

(نَعَمْ الْمَسْجِدُ الْمَسْجِدُ الْكُوفَةِ؛ صَلَّى فِيهِ أَلْفُ نَبِيٍّ وَ أَلْفُ وَصِيٍّ ..).⁽²⁸⁰⁾

مسجد کوفه ، مسجد خوبی است ؛ هزار پیامبر و هزار وصی پیامبر در آن نماز گزارده است .

د - مسجد الاقصی

مسجد الاقصی نیز در میان شعائر اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است بطوری که خداوند، در شب معراج پیامبر ﷺ را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی و از آنجا به آسمانها برد. (281)

همچنین این مکان مقدس در نیمه اول دوران رسالت، قبله گاه مسلمانان بود و پس از هجرت، جای خود را به کعبه سپرد.

این مسجد با عظمت، پس از تشکیل حکومت غاصب اسرائیل در فلسطین اشغالی، همواره نقطه امید مظلومان فلسطین و زبانزد مسلمانان جهان بوده است که امیدواریم در آینده نه چندان دور از چنگال حکومت صهیونیستی نجات یابد.

۵ - عتبات مقدّسه

تربت پاک ذریّه پیامبر ﷺ نیز در میان امت اسلامی - بویژه شیعه - از احترام فراوانی برخوردار است و عاشقان اهل بیت ، پروانه وار برگرد آنها پرسوخته اند و در طول بیش از هزار سال همواره از آن حریمهای نورانی امید و نیرو گرفته اند، حوزه علمیه هزار ساله نجف در پرتو ضریح مطهر امیر مؤمنان علیه السلام ، چون مشعلی فروزان فرا روی امت اسلامی نورافشانی کرده است و انقلابیون سترگ همیشه ، از تربت لاله گون شهیدان الهام گرفته اند و... (زیارت) در فرهنگ شیعه ، شعاری تحرّک زا، امید آفرین و حماسی است که (زائر) را به (صاحب مزار) پیوند داده او را بر ضدّ دشمنان اسلام می شوراند، از این رو، ستمگران ، با تمام توان به مقابله با شعار (زیارت) برخاسته ، گاه دست (زائر) را بسته ، گاه پایش را شکسته و گاه (مزار) را به آب و منجنیق بسته اند تا از شور آفرینی این شعار بکاهند.

و- همه مساجد

مسجد در هر شهر و محلی خانه مقدّس الهی است و از شعایر الهی به شمار می آید، احترام مساجد ضروری است ، باید آباد نگاه داشته شوند؛ هم با تعمیر و نگهداری و بازسازی و هم با حضور پرشکوه مردم ، نیز باید از آلوده شدن مسجد جلوگیری شود و اگر به نجاست آلوده شد، فوراً اقدام به تطهیر آن گردد. خوابیدن در مسجد و ورود به مسجد بدون وضو کراهت دارد، هنگام ورود مستحب است پای راست را مقدم بدارد و هنگام خروج پای چپ را. در آغاز ورود به مسجد سلام به مسجد اقامه نماز تحیّت است . آن قطعه زمینی که وقف مسجد شد دیگر از مسجد بودن خارج نمی شود، اموال مسجد را باید حفظ و نگهداری کرد، اشیاء متعلق به مسجد را نباید در غیر مسجد مورد استفاده قرار داد، نظافت مسجد و تمیز نگهداشتن آن ضروری است ، سخن گفتن از کارهای دنیایی در مسجد کراهت دارد و این ها همه برای تعظیم و احترام مسجد است .

ایام الله در تاریخ هر ملتی ، روزهای سرنوشت ساز مثبت یا منفی وجود دارد که خاطره آنها نقطه عطف گذشته آن ملت است . در فرهنگ قرآن ، واژه (ایام الله) دارای چنین مفهومی است . خداوند به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام فرمان می دهد:

(وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ..). (282)

روزهای خدا را به یاد آنها بیاور.

ایام الله برای بنی اسرائیل ، روزهای تلخ گرفتاری در چنگال فرعونیان بود که خدا آنان را نجات بخشید، در اسلام روزهایی چون اعیاد بزرگ فطر، قربان ، مبعث ، غدیر، هجرت ، موالد معصومین : و... روزهای سوگ بزرگ چون رحلت پیامبر، عاشورای حسینی و... ایام الله اند، چنانکه در انقلاب اسلامی نیز پانزده خرداد، هفده شهریور، بیست و دوم بهمن ، دوازده فروردین ، هفت تیر، هشت شهریور، سیزده آبان ، چهارده خرداد و... از جمله ایام الله اند که بزرگداشت آنان سبب تحکیم و انسجام ملت و شور و تحرک آنان در راستای آرمانخواهی اسلام می گردد. از این رو، معمار انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ، حضرت امام خمینی (ره) بر تعظیم آنها چنین تاءکید می کند؛ (انقلاب کردیم که شعایر اسلام را زنده کنیم ، نه انقلاب کردیم که شعایر اسلام را بمیرانیم . زنده نگه داشتن عاشورا یک مسأله بسیار مهمّ سیاسی - عبادی است ... یک مسأله ای است که در پیشبرد انقلاب اثر بسزا دارد).⁽²⁸³⁾

وبه سخنی دیگر: ایشان علّت مُحدّثه و مُبقیه انقلاب اسلامی را همین ایام الله می دانستند.

احیای شعایر اسلامی

به منظور تجسم عینی اسلام در جامعه، لازم است شعایر اسلامی به همان کیفیتی که از طرف شارع مقدس رسیده، حفظ شود و برای احیا و تعظیم هر یک از آنها دولت و ملت اسلامی وظیفه ای بر عهده دارند که به اختصار شرح می دهیم:

الف - وظیفه دولت اسلامی

مبنای سیاست و رهبری کشورهای اسلامی باید بر احیا، اعمال و ترویج شعایر اسلامی استوار باشد؛ زیرا حیات و عظمت جامعه اسلامی به آن بستگی دارد. قرآن مجید نیز برخی از اعمال و شعایر اسلامی را در حیطه حکومت و رهبری جامعه اسلامی قرار داده، می فرماید:

(الَّذِينَ إِذْ مَكَتْنَا فِي الْأَرْضِ أَعْقَمُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا الزَّكَاةَ وَأَعْمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ..). (284)

کسانی (هستند) که اگر در زمین به آنان قدرت دهیم نماز را بپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند....

از سوی دیگر، مبارزه با مظاهر شرک و بت پرستی نیز وظیفه حکومت اسلامی محسوب می شود، چنان که رهبر بزرگ اسلام به تخریب بتخانه ها و شکستن بتها، اقدام کرد. به همین جهت، اهل ذمه یعنی کفاری که در پناه اسلام و در کشور اسلامی به عنوان ذمی و معاهد، زندگی می کنند، حق تظاهر به کارهای خلاف شعایر اسلامی نظیر تظاهر به روزه خواری در ماه مبارک رمضان، استعمال مشروبات الکلی و گوشت خوک و یا

به صدا درآوردن ناقوس کلیساها بدون اجازه دولت اسلامی ندارند. زیرا همه اینها با شعایر اسلامی منافات دارد بنابراین جهت گیری دولت اسلامی باید در راستای احیا و ایجاد مساجد باشد و مسجدها را رونق بخشد و نیز موظف به پخش اذان از رادیو، تلویزیون و مساجد می باشد. همچنین ترتیب و تنظیم برنامه حجّ و احیای آن ، به صورت یک نیروی عظیم الهی در برابر کفر و استکبار، از وظایف دولت اسلامی است و باید در سیاست داخلی خود جایگاه ویژه ای برایش در نظر گیرد. دولت اسلامی باید جامعه را از تظاهر به روزه خواری ، پاک نموده و در معابر عمومی و دید مردم ، از آن جلوگیری نماید و... در خارج از کشور اسلامی و در ممالک کفر و شرک نیز باید، اسلام را تبلیغ کرده ، آنان را به اسلام و به کارگرفتن قوانین فردی و اجتماعی آن دعوت نماید.

ب - وظیفه امت اسلامی

چنان که بیان شد، ترویج و آمیختن زندگی مسلمانان با شعایر اسلامی و الهی در درجه اول ، وظیفه حکومت اسلامی و علمای دین است و در درجه دوّم وظیفه فرد فرد امت اسلامی است که شعارهای الهی را حفظ نموده ، آنها را با زندگی فردی و اجتماعی خود بیامیزند، به عبارت دیگر، ایجاد زمینه رواج و احیای شعایر اسلامی ، وظیفه دولت است . مسؤ ولین کشور باید زمینه را مساعد کنند، تا این شعارها در جامعه اعمال و احیا شود و در مقابل ، امت اسلام نیز باید در زنده نگه داشتن آنها بکوشند. این امر به اندازه ای مهمّ است که در فقه اسلام آمده است که بر مسلمانان حرام است ، در جایی که قادر به اظهار و اعلان شعایر اسلام

نیستند، سکونت و اقامت کنند و در صورت تمکن، هجرت از چنین مکانی واجب است. (285)

علاوه بر این، قرآن مجید، تعظیم شعایر اسلامی را نشانه با تقوا بودن دلها دانسته می فرماید:

(...ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ) (286) آری کسانی

که شعایر خدا را بزرگ می شمارند. این کار نشان دهنده تقوای دلهایشان می باشد.

خلاصه درس

_ شعایر الهی، نشانه هایی است که خداوند برای اطاعت خویش نصب کرده است و ممکن است از نوع کردار، اماکن و ایام باشد.

_ منظور از شعایر کرداری، اعمالی است که انجام دادن آنها نشانه مسلمانی است مانند اذان، نماز جمعه و جماعت، حج و مانند آن.

_ مکانهای مقدسی نیز بر روی زمین وجود دارد که به خاطر اهمیتشان در دیدگاه اسلام، جنبه شعاری یافته اند مانند، کعبه، مسجد الحرام، مشعر، عرفات، منا، مسجد النبی، مسجد کوفه، مسجدالاقصی، مشاهد مشرفه و روزهای تلخ و شیرین تاریخ اسلام و انقلاب نیز با عنوان (ایام الله) از شعایر اسلامی محسوب می شود مانند بعثت، غدیر، عاشورا، رحلت پیامبر، پانزده خرداد، بیست و دوم بهمن و

_ بزرگداشت و احیای شعایر اسلامی در درجه اول وظیفه حکومت اسلامی و علمای دین و در درجه دوم وظیفه فرد فرد امت اسلامی است.

پرسش

- 1- شعایر یعنی چه ؟ و منظور از شعایر اسلام را توضیح دهید.
- 2- برخی از شعایر مهم اسلام را نام ببرید.
- 3- وظیفه دولت اسلامی در مورد احیای شعایر اسلامی چیست ؟
- 4- وظیفه امت اسلامی درباره احیای شعایر اسلامی چیست ؟
- 5- آیه ای درباره تعظیم شعایر الهی بنویسید.

درس شانزدهم: روزه

(روزه آن است که انسان برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می کند... خودداری نماید).⁽²⁸⁷⁾

(روزه) در فرهنگ اسلام از جایگاه والایی برخوردار است و آثار و برکات فراوانی با خود به ارمغان می آورد و از معدود عباداتی است که نصیب امت اسلامی گشته است .

میهمانی خدا

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از روزه با عنوان (ضيافة الله) یعنی مهمانی الهی یاد می کند و درباره ماه رمضان می فرماید:

(هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ)⁽²⁸⁸⁾ رمضان ، ماهی است که در آن ، به میهمانی خدا خوانده شده اید.

حضرت امام خمینی رحمه الله علیه پیرامون (ضيافت الله) می فرماید:

(شماها در ماه مبارک رمضان ، مهمان خدا هستید، مهماندار خداست ، و مخلوق ، مهمان اوست ... ما باید حساب کنیم ببینیم که این ضیافت چی بوده است و ما چقدر راه یافتیم به این ضیافت ... این ضیافت ، همه اش ترک است ، ترک شهوات از قبیل خوردنیها و نوشیدنیها و جهات دیگری که شهوات انسان اقتضا می کند. خداوند دعوت کرده ما را به اینکه شما باید وارد بشوید در این مهمانخانه و این ضیافت هم جز ترک ، چیزی نیست . ترک هواها، ترک خوردنیها، ترک منی ها، منیت ها ... من به شما آقایان و به هر کس

که این کلمات می رسد و خصوصاً طبقه جوان عرض می کنم که آیا در این مهمانخانه رفتید؟ استفاده کردید؟ از شهوات ، خصوصاً شهوات معنوی ، چشم پوشیدید؟..⁽²⁸⁹⁾

خداوند با فراخوانی مؤ منان به مهمانسرای خویش ، در واقع او را از زندگی مادّی ، که سفره مشترک انسان و حیوان ، مؤ من و کافر، و نیکوکار و بدکار است جدا کرده و در جوار خویش جای داده است . در این جشن پرشکوه :

میزبان : خداوند بزرگ .

قاصد: رسول بزرگوار اسلام .

نامه دعوت : قرآن مجید.

میهمان : بندگان مؤ من .

پذیرایی کننده : فرشتگاه الهی .

و موعد: ماه مبارک رمضان است .

خداوند برای هر چه باشکوه برگزار کردن این (سور) (تحفه) های زیرا رابه مهمانان خویش تقدیم می کند: آنها را کرامت ویژه می بخشد. نفس کشیدن آنها را (تسبیح) محسوب می کند. خواب آنها را عبادت می داند. اعمالشان را می پذیرد. دعایشان را مستجاب می کند. پدرهای بهشت را به رویشان باز می کند. درهای دوزخ را بکلی می بندد. شیاطین را به زنجیر می کشد. به هر آیه ای که تلاوت کنند، ثواب یک ختم قرآن می دهد.⁽²⁹⁰⁾

حکمت روزه

روزه هم مانند سایر احکام متین اسلام، از حکمت و مصلحت خاصی سرچشمه می‌گیرد. روایات متعددی با تعبیرهای گوناگون، گوشه‌ای از حکمت نهفته آن را بیان می‌کند، در زیر به چهار مورد آن اشاره می‌کنیم:

الف - اخلاص و خودسازی

حضرت زهرا سلام الله علیها فرموده است:

(فَرَضَ اللَّهُ الصَّيَامَ تَثْبِيثًا لِلْإِخْلَاصِ) ⁽²⁹¹⁾ خداوند، روزه را برای تثبیت اخلاص (در دل مردم) واجب کرده است.

(صائم) با خودداری از خواسته‌های نفسانی، فرمان خدا را به اجرا می‌گذارد و با عالم ملکوت، پیوند معنوی برقرار می‌کند و چون کارهای حیوانی را رها کرده، درونش صفا و جلا می‌یابد. همین‌طور، همگام با امساک از لذات جسمانی، از لذت‌های حرام روحانی نیز پرهیز می‌کند، امتناع می‌ورزد.

ب - تعدیل قوای جسمانی

دوّمین حکمتی که در روزه نهفته است، تعدیل و تنظیم بدن صائم است؛ به این بیان که دستگاه‌های مختلف بدن در طول یک سال فعالیت شبانه روزی، ممکن است دچار عارضه و فرسودگی یا خستگی مفرط گردند که اگر به آنها رسیدگی نشود، آسیب کلی ببینند. از این رو، خداوند حکیم برای حفظ سلامتی و ترمیم و تعدیل قوای جسمانی مؤمن،

روزه را واجب کرده است . شاهد این گفتار، سخن حکیمانه رسول خدا ﷺ است که فرمود:

(صُومُوا تَصِحُّوا) ⁽²⁹²⁾ روزه بگیرید تا سالم بمانید.

ج - تمرین تقوا

سوّمین حکمت مهمّ روزه داری ، ممارست و تمرین (پرهیزکاری) است . مسلمان با تمرین یک ماهه خود در ماه مبارک رمضان ، از ارضای تمایلات نفسانی خودداری می کند تا به نفس خویش بقبولاند که توانایی ایستادگی در برابر کارهای ناروا را دارد، به عنوان نمونه روزه دار:

با نخوردن غذای حلال خود، تمرین می کند که به اموال دیگران دست درازی نکند. با نرفتن نزد همسر خویش ، درک می کند که به ناموس دیگران نباید چشم طمع دوخت .

بابستن زبان از دروغ بر خدا و پیامبر ﷺ یاد می گیرد که هر کلامی را بر زبانش جاری نکند.

مسأله تمرین تقوا و افزایش درجه آن را قرآن در آیه (روزه) بصراحت بیان کرده ، پس از بیان وجوب روزه فرموده است :

(لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) ⁽²⁹³⁾ شاید شما تقوا پیشه کنید.

د - کم شدن فاصله فقیر و غنی

احساس نیاز و نداری و چشیدن طعم گرسنگی و تشنگی و محرومیت ، حکمت دیگر روزه است . به این معنا که ثروتمندان مسلمان در طول سال ، از نعمت و رفاه برخوردارند و هر زمان ، هر چه اراده کنند، در اختیارشان قرار می گیرد، دیگر چگونه به یاد محرومان باشند؟ و از کجا بفهمند که (گرسنگی) چه دردی است؟ آنان باید یک ماه با گرسنگی و تشنگی دمساز شوند تا طعم تلخ آن را بچشند و دل رفاه زده آنان قدری به حال محرومان بسوزد: از امام حسین علیه السلام پرسیدند: چرا خدا روزه را واجب کرده است؟

فرمود: (لِيَجِدَ الْغَنِيُّ مَسَّ الْجُوعِ فَيَعُوذُ بِالْفَضْلِ عَلَى الْمِسْكِينِ) ⁽²⁹⁴⁾ تا بتوانند گرسنگی را لمس کند و مازاد بر نیاز را بر مستمند باز گرداند.

هـ - یادآوری آخرت

آخرین حکمتی که در اینجا به آن می پردازیم به خاطر آوردن آخرت است . حضرت رضا علیه السلام طی گفتار متینی این پرسش را طرح می کند که : چرا فرمان روزه داری بر بندگان صادر شده است ، آن گاه در پاسخ می فرماید:

(لَكِي يَعْرِفُوا أَلَمَ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ فَيَسْتَدِلُّوا عَلَى فَقْرِ الْآخِرَةِ) ⁽²⁹⁵⁾ تا درد گرسنگی و تشنگی را بفهمد و بر بیچارگی سرای دیگر رهنمون گردند.

از این رو، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از خطبه هایی که در آستانه ماه مبارک رمضان ایراد کرد، فرمود:

(... وَ اذْكُرُوا بِجُوعِكُمْ وَ عَطَشِكُمْ فِيهِ جُوعَ يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَ عَطَشَهُ..). ⁽²⁹⁶⁾

با گرسنگی و تشنگی تان در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را به یاد
آورید.

مراتب روزه داری

امیر مؤمنان ، صلوات الله علیه روزه را دارای سه مرتبه دانسته ، و می فرماید (صَوْمُ الْقَلْبِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ اللِّسَانِ وَ صِيَامِ اللِّسَانِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ الْبَطْنِ) ⁽²⁹⁷⁾ روزه دل بهتر از روزه زبان و روزه زبان برتر از روزه شکم است .

ملا مهدی نراقی این مراتب را نام گذاری کرده و در توضیح هر یک می نویسد:

1- روزه عام که نگه داشتن شکم و شهوت است و فایده آن ، رفع تکلیف و آزادی از دوزخ است .

2- روزه خاص که بایستی علاوه بر مرتبه اول ، چشم ، گوش ، زبان ، دست ، پا و دیگر جوارح را نیز از آلوده شدن به گناه حفظ کرد و ثوابهای وعده داده شده از سوی خدا (بیشتر) به چنین روزه ای تعلق می گیرد.

3- روزه خاص الخاص که در این مرحله ، علاوه بر رعایت دو مرحله پیش ، دل نیز از افکار دنیوی ، اخلاق زشت و همت پست ، روزه می گیرد و از غیر خدا بکلی گسسته می گردد). ⁽²⁹⁸⁾

آداب روزه داری

آیا تاکنون دیده اید کسی در مجلس عزا و سوگواری ، اشعار شاد و فرحزا بخواند و شاد و خندان باشد؟ یا دیده اید شخصی با شال عزا در مجلس جشن و سرور شرکت کند و گریه کند؟ اگر پاسختان منفی است ، دلیلتان چیست ؟ شاید شما هم به این مطلب اذعان داشته باشید که شرکت در هر مجلسی تشریفات خاص خود را می طلبد. حال ، با توجه به اینکه (صائم) در مدت روزه داری ، در حریم قدس الهی و ضیافت الله داخل می شود و از سوی پروردگار پذیرایی می شود. شایسته است آداب ویژه چنین محفلی را مراعات کند، تا بیشتر مورد لطف (صاحب خانه) قرار گیرد. اینک برخی از آن آداب :

الف - پرهیز از گناهان

هر گناهی ، خشم و غضب الهی را بر می انگیزد؛ اما در ماه مبارک رمضان ، آلوده شدن به گناه ، زشتی بیشتری دارد، بدین خاطر میهمان خدا نباید گرد آن بگردد.

روزی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیرامون ماه مبارک رمضان سخن می گفت ، امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام پرسید:

ای رسول خدا ! برترین عمل در این ماه چیست ؟

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پاسخ داد: پرهیز از هر چه خدا حرام کرده است .⁽²⁹⁹⁾

با این وصف ، بسیاری از روزه داران اگر دست از گناه نشویند، جز تشنگی و گرسنگی ، طرفی نمی بندند. حضرت زهرا سلام الله علیها می فرماید:

(ما يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصُنْ لِسَانَهُ وَسَمْعَهُ وَبَصَرَهُ وَجَوَارِحَهُ) (300)

روزه داری که زبان ، گوش ، چشم و اعضا و جوارحش را (از گناه) حفظ نکند، با روزه خود چه می کند؟

یعنی این روزه چه سودی برای او دارد؟

ب - انجام واجبات

دوّمین وظیفه میهمان خدا این است که بقیه دستورات الهی را نادیده نگیرد، که این خود، بزرگترین بی ادبی در محضر ربوبی است و چنین میهمانی نزد ملکوتیان انگشت نما می شود. به نظر شما آیا روزه داشتن و نماز نخواندن ، روزه گرفتن و خمس ندادن ، روزه داری و مردم آزاری و ... با هم سازگاری دارد؟

ج - پرستش و نیایش

از دیگر آداب ماه خدا، نیایش و پرستش داوطلبانه است . فراوانی نمازها و دعاهاى ماه رمضان ، گویای اهمیت آن است . روزه دار با تشریفات ویژه ای به (ضیافت الله) دعوت شده و چه نیکوست که با هدیه گرانبهائی به محضر خدای سبحان شرفیاب گردد و زیباترین هدیه به پیشگاه الهی ، ساییدن پیشانی به خاک و بالا بردن دست نیاز است .

د - تلاوت قرآن

ماه رمضان ، بهار قرآن است ، قرآن و رمضان ؛ پیوندی دیرینه دارند زیرا یکی از شبهای مبارک رمضان ، یعنی شب قدر ظرفیت نزول قرآن را دارا بوده و سزاوار است که روزه دار، این پیوند را نگسلد و با ترتیل آیه های روح بخش قرآن ، فضای ملکوتی ماه خدا را عطرآگین سازد که به گفته آورنده قرآن : (مَنْ تَلَفِيهِ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرٍ مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ) ⁽³⁰¹⁾ کسی که یک آیه از قرآن را در ماه رمضان تلاوت کند، به اندازه اجر یک ختم قرآن در دیگر ماهها نصیبش می شود.

ه - آداب دیگر

آنچه گفته شد، مهمترین آداب میهمانی خدا بود، به برخی دیگر فقط اشاره می کنیم .

صدقه به فقرا و مستمندان ، احترام به بزرگترها، مهربانی نسبت به کوچکترها، صله رحم ، ترحم به یتیمان ، توبه و استغفار، افطاری دادن ، خوش خلقی ، مدارا نسبت به زیردستان ، صلوات بر محمد و آل محمد و... ⁽³⁰²⁾.

آثار ارزشمند روزه داری

ارزنده ترین اثر هر عبادتی ، همان اطاعت از دستور خداوند بزرگ است و آثار دیگر به دنبال آن نصیب شخص عابد می گردد. اما انسان روزه دار علاوه بر تمام آثار گرانبهایی که از این رهگذار به دست می آورد، مشمول لطف ویژه الهی می گردد. خداوند درباره آن چنین فرموده است :
(الصَّوْمُ لِي وَءَنَا اءَجْزَى بِهِ) ⁽³⁰³⁾ روزه برای من است و من به آن پاداش می دهم (یا من خود پاداش آن هستم).

خلاصه درس

_ روزه در فرهنگ اسلام ، از جایگاه ویژه ای برخوردار است و رسول خدا ﷺ آن را میهمانی خدا خوانده است . اخلاص و خودسازی ، تمرین تقوا، تعدیل قوای جسمانی ، کم شدن شکاف طبقاتی و آمادگی برای سفر آخرت ، از حکمتهای روزه است .
_ روزه دارای سه مرتبه : عام ، خاص و خاص الخاص است . امیر مؤمنان علیه السلام ، روزه زبان را بهتر از روزه شکم و روزه دل را بهتر از آن دو دانسته است .
_ ورود به ضیافه الله آداب مخصوصی دارد از جمله : پرهیز از گناهان ، انجام واجبات ، پرستش و نیایش ، تلاوت قرآن و غیره .
_ روزه مانند عبادتهای دیگر آثار ارزنده ای دارد، شخص روزه دار علاوه بر این آثار شامل لطف ویژه الهی نیز می گردد.

پرسش

- 1- نظر حضرت صادق علیه السلام پیرامون سابقه روزه چیست ؟
- 2- حکمت‌های روزه را بشمارید.
- 3- مراتب روزه داری را ذکر کنید.
- 4- برخی از آداب روزه داری را بنویسید.

درس هفدهم : حجّ

جایگاه حجّ در اسلام

(إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ) ⁽³⁰⁴⁾

نخستین خانه ای که برای مردم بنا شده ، همان است که در مکه است . خانه ای که برای جهانیان برکت و هدایت است . در آنجا آیات روشنی از جمله مقام ابراهیم عليه السلام است و هر کس داخل آن شود در امان است . برای خدا، حجّ آن خانه بر کسانی که قدرت رفتن به آن را داشته باشد، واجب است . و هر کس کفران ورزد (و آن را ترک کند) خدا از عالمیان بی نیاز است .

عنوانهای (اولین خانه)، (مبارک)، (هدایتگر همه)، (نشانه های روشن)، (مقام ابراهیم) و (امنیت) کافی است که اهمیّت و ویژگی (حج) را نمایان سازد. چنین تعبیری در مورد هیچ یک از عبادات اسلامی به کار نرفته است . این تعبیرها خود، گویای مقام والای حجّ در اسلام است . انتهای آیه نیز، هشدار است به کسانی که حجّ را ترک می کنند و اینکه تشریح حجّ و امنیّت مکه به سود مسلمانان حجّ گزار است و با اشاره به بی نیازی خدا از همه ، خسران ترک مراسم حجّ را متوجّه تارکان آن می کند، چنانکه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز به آنان چنین وعید میدهد:

(مَنْ سَوَّفَ الْحَجَّ حَتَّى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا) ⁽³⁰⁵⁾

کسی که حجّ رابه تاءخیر بیندازد تا بمیرد، خداوند او را روز واپسین ، یهودی
یامسیحی بر می انگیزد.

امیرمؤ منان علی علیه السلام ، فلسفه تشریح حجّ را تقویّت دین مقدّس اسلام دانسته
، فرموده است :

(فَرَضَ اللَّهُ الْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ) ⁽³⁰⁶⁾

خداوند حجّ را به منظور تقویت دین واجب فرمود.

امام خمینی پیرامون حجّ فرمود:

(حجّ کانون معارف الهی است ، حجّ پیام آور ایجاد و بنای
جامعه ای به دور از رذائل مادّی و معنوی است حجّ تجلّی و تکرار همه
صحنه های عشق آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در
دنیاست . و مناسک حجّ، مناسک زندگی است ... حجّ بسان قرآن است که همه
از آن بهره مند می شوند. ولی اندیشمندان و غواصان و درد
آشنایان امتّ اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از
نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاستهای اجتماعی آن نترسند، از صدف
این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند
نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت .) (307)

نگاهی به اسرار حجّ

درک عمیق و بیان اسرار حجّ فکر و قلمی بزرگ و مجالی وسیع می‌طلبد، که از عهده این قلم خارج است، علاوه بر اینکه این کنگره عظیم از ابعاد گوناگون سیاسی⁽³⁰⁸⁾، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و ... قابل بررسی است. در اینجا تنها گوشه‌ای از دریای معارف حجّ را با استمداد از سخن ترجمان وحی، حضرت سجاد علیه السلام، بازگو می‌کنیم. امید آنکه با همین مقدار اندک نیز بتوانیم تا حدودی به محتوای عمیق و سازنده آن در بعد اخلاقی پی ببریم: ⁽³⁰⁹⁾

احرام بستن

حرام دانستن کلیه کارهای حرام و کمر همّت بر ترک آن بستن . گفتن لبیک :
پاسخ مثبت به خدا و سر دادن سرود اطاعت او و دوری از معصیت . طواف کعبه
: حاجی با ورود به مکه مکرمه ، قصد ملاقات خدا را می کند و با طواف گرد
خانه او و تقدیس ارکان کعبه در پناه خدا قرار می گیرد.

استلام حجر

(دست زدن به سنگ سیاه و مقدّس که در رکن کعبه قرار دارد)؛ به منزله مصافحه و بیعت با خدا و اطاعت از اوست .

ایستادن در کنار مقام ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام : به معنای استقامت در اطاعت از خدا و دوری از گناه است و نماز خواندن در آن محل بینی شیطان را به خاک می مالد. نوشیدن آب زمزم : چشم پوشی از معصیت است . سعی میان صفا و مروه : به معنی میان خوف و رجاء زندگی کردن است .

رفتن به مِنا

به قصد ایمن شدن مردم از دست و دل و زبان حاجی می باشد.

وقوف در عرفات

به معنی شناخت و معرفت خداست .

وقوف در مشعر (محل شعور)

قصد اشعار قلبی به تقوای الهی است .

رمی جمره

هدف قرار دادن شیطان و تیراندازی به سوی اوست .

تراشیدن سر

پاکیزگی سر و مغز از زشتی و پلیدی بسان روز ولادت .

قربانی کردن

کشتن طمع و آزمندی و دستیابی به ورع و اقتدا به سنت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام

در قربانی کردن عزیزترین کس خویش در راه خدا.

حجّ و خودسازی

مراسم با شکوه حجّ، علاوه بر اینکه تمام حرکاتش عبادت است و بایستی با قصد تقرّب به خدا انجام پذیرد، جنبه هدایتگری دارد و هر یک از اعمال آن بگونه ای حاجی را ارشاد و هدایت می کند و به عمق معنویت، خودسازی، تحرک و امید رهنمون می شود. حاجی با در آمدن از لباسهای خویش و پوشیدن لباس احرام احساس می کند که از (خود) کنده شده، پیوسته پوچ (منیت) را رها کرده و به (جمع) پیوسته، جمعی که مانند او در جستجوی خدایند جمعی با معنویت و صفا که بدون هر گونه تشخصی و تهی از خود پرستی و جاه طلبی و شهوت مال و تمایل جنسی (لیبیک) گوی خدایند. طواف و چرخیدن گردخانه خدا نیز تمرین اطاعت و تسلیم بی چون و چرا در برابر حق و پشت پا زدن به همه زرق و برقههای مادی و پشت کردن به کاخهای اهریمنی است که باید بطور دقیق و حساب شده و آگاهانه انجام گیرد و حاجی با تمام وجود خویش پروانه شمع حق گردد و از هر گونه شرک و ریا گسسته به توحید خالص رو آورد. (وقوف) در (عرفات) و (مشعر الحرام) یعنی ماندن در بیابان ماسه ای داغ عرفات که عرق بدن همه حاجیان را در می آورد، همینطور گرد و غبار آن بر سر و روی و بدن آنها می نشیند، سپس کوچ شبانه از عرفات به مشعر و بیتوته شبانه در بیابانی دیگر، در درک موقعیت خواری و ذلّت انسان در برابر خدا بسیار مفید است، منیتهای او را می کشد و توجه به خدا را افزون می کند. آنگاه حاجی با مویی ژولیده، بدنی خسته و پرغبار، رهسپار (منا) سرزمین مبارزه با شیطانها و قربانی کردن هواها و هوسها می شود، شیطان را طرد می کند، علایق

را قربانی کوی دوست می سازد. بعد از آن با تراشیدن سر، نشان غلامی محبوب بر خود می زند و برای شرفیابی به محضر دوست بار می یابد و به گرد خانه اش می گردد. همه این مناسک بایستی با (قصد قربت) و آهنگی برخاسته از جان حاجی انجام گیرد، تا روح او را مطیع صاحب خانه سازد، تا پنجره معنویت و خودسازی را به رویش بگشاید، پیام حج را در یابد و در راه پالایش و آراستگی جسم و جان خویش، الهام گیرد.

اخلاق در حجّ

از جمله مسایلی که در حجّ بر آن تاءکید شده ، نیکوسازی رفتار فردی و اجتماعی است . اهمیت این موضوع به اندازه ای است که در متن احکام حجّ و در قرآن کریم بدان تصریح شده است .

حجّ گزار باید از لحظه (احرام) تا پایان مراسم پرشکوه حجّ ، از هرگونه کنش منفی در رفتار و گفتار خویش بپرهیزد و جز یاد خدا و سخن زیبا از او سر نزنند.

امام صادق از قول پدرش علیه السلام چنین نقل می کند:

(لَا يُعْبَأُ بِمَنْ يَوْمُ هَذَا الْبَيْتِ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: خُلُقٌ يُخَالِقُ بِهِ مَنْ صَحِبَهُ، أَوْ حِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ، أَوْ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ).⁽³¹⁰⁾

به کسی که آهنگ این خانه (کعبه) می کند، اگر سه خصلت در او نباشد اعتنایی نمی شود،

1- اخلاق نیکی که با رفیقانش خوشرفتاری کند.

2- بردباری ای که با آن خشمش را کنترل کند.

3- ورعی که او را از محرّمات الهی باز دارد.

بنابراین ضرورت دارد که زائر خانه خدا در کنشهای مثبت و منفی خویش ، در بعد فردی و اجتماعی ، مراقب باشد که مرتکب خلاف نشود، بامسؤولان و ماءموران داخلی و خارجی ، همسفران ، حاجیان سایر کشورها، خدمه فرودگاه و منزل ، رانندگان و... رفتار خوش اسلامی داشته باشد، کسی را از خود نرنجانند، همدل و غمخوار یاران و مسلمانان باشد،

بهداشت فردی و اجتماعی را مراعات کند، از هرگونه کمکی به همراهان دریغ نوزد.

امام زین العابدین علیه السلام با همه قدر و منزلتی که داشت ، در مسافرتها بطور ناشناس با قافله ها همراه می شد و با آنان قرار می گذاشت که برخی نیازمندیهایشان را برآورده سازد.⁽³¹¹⁾

امام صادق علیه السلام فرمود:

در نصایح لقمان به پسرش آمده است : (هر گاه با گروهی همسفر شدی ؛ در کارها زیاد با آنان مشورت کن ، بر روی آنان ، فراوان لبخند بزن ، در مورد زاد و توشه ات ، سخاوتمند باش ، هر گاه صدایت کردند، پاسخ گو، اگر به یاریت طلبیدند، بشتاب . پیوسته خاموش باش و زیاد نماز بگذار. در شهادت به حق شرکت کن . در حرکت کردن با آنان موافقت کن ، در انجام امور کوشا باش . اگر از تو وام خواستند به آنان بپرداز. حرف بزرگترها را بشنو و به درخواستشان پاسخ مثبت بده ،... فرزندانم ! برای هیچ کاری نماز را از اوّل وقت تاءخیر نینداز و آن را با جماعت بخوان ... تا آنجا که امکان دارد، صدقه بده . هر چه می توانی کتاب خدا را تلاوت کن ، حتی هنگام سواری ، تسبیح و دعا را فراموش مکن ...).⁽³¹²⁾

حجّ و ولایت

در فرهنگ مسلمانان راستین و حاجیان صادق ، حجّ (بیت الله الحرام) از زیارت رهبران معصوم جدا نبوده است و پروانگان کعبه خدا همواره گرد وجود مقدس (نبی) یا (ولیّ خدا) پر سوخته اند و حجّ ابراهیمی را که سنت نبوت است با (ولایت) به وسیله رشته های عشق و محبت خویش پیوند داده اند و به تعبیر امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ (حج) را با (ولایت) تکمیل کرده اند: **(وَاعْتَمُوا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَجَّكُمْ إِذَا خَرَجْتُمْ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ فَإِنَّ تَرْكَهُ جَفَاءٌ، بِذَلِكَ أَمْرُكُمْ وَآتَمُّوا بِالْقُبُورِ الَّتِي أَعْلَمَكُمْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ زِيَارَتَهَا وَحَقَّهَا..)** (313)

پس از رفتن به خانه خدا با (زیارت) پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حجّتان را کامل کنید و ترک آن ناسپاسی و ستم است . به این (زیارت) امر شده اید (همین طور) با (زیارت) قبرهایی که خداوند بزرگ زیارت وحق آنها را بر شما واجب کرده ، حجّتان را کامل کنید. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

(إِذَا حَجَّاءَ حَدُّكُمْ فَلْيَخْتِمُوا بِزِيَارَتِنَا لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ) (314) هرگاه یکی از شما حجّ به جا آورد، باید آن را به زیارت ما (اهل بیت) تمام نماید، زیرا زیارت ما تکمیل کننده حجّ است .

همچنین فرمود:

(تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْأَمَامِ) (315) تکمیل حجّ به دیدار امام است .

روشن است که وقتی زیارت مشاهد مشرفه پیامبر و امامان : مایه تکمیل حجّ است ، زیارت آن بزرگواران در حال حیاتشان و اطاعت و فرمانبرداری از آنان نزد خدا بسی ارزشمندتر خواهد بود.
ابوحزمه ثمالی گوید:

(به محضر امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم . آن حضرت در کنار درب ورودی مسجد الحرام نشسته بود و حاجیان را که در حال طواف بودند، نظاره می کرد. امام به من فرمود: ای ابوحزمه ! این مردم چه وظیفه ای دارند؟ من نتوانستم پاسخ آن حضرت را بدهم . او فرمود:
(إِنَّمَا أُمِرُوا أَنْ يَطُوفُوا بِهَذِهِ الْأَحْجَارِ ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُعَلِّمُونَا وَلَا يَتَّهَمُونَ) (316) اینها وظیفه دارند که گرد این سنگها (کعبه) بچرخند سپس نزد ما آیند و ولایتشان را اعلام نمایند.

کعبه یک سنگ نشانی است که ره حاجی ، احرام دگر بند بین یار گم نشود کجاست
بنابراین ، برگزاری مراسم پرشکوه حجّ باید با رهبری امامی لایق و شایسته صورت پذیرد و پیوند (حج) و (ولایت) امر ضروری است .
به امید روزی که حاجیان جهان اسلام ، با شناخت و معرفتی کامل به برپایی حج ابراهیمی توفیق یابند.

خلاصه درس

— فریضه حج ، در اسلام از جایگاه مهم و ویژه ای برخوردار است و خداوند از خانه خویش با عناوین ؛ اولین خانه ، مبارک ، هدایتگر همه و نشانه های روشن ، یاد می کند که هر کس داخل آن شود در امان است ، همچنین نظر رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ این است که اگر کسی مستطیع شود و حجّ به جا نیاورد مسلمان از دنیا نمی رود.

— امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام نیز حجّ را مایه تقویت دین مقدّس اسلام دانسته و امام خمینی حجّ را کانون معارف الهی معرفی کرده است .

— هر یک از مناسک حجّ دارای اسرار و معارف نهفته ای است که بخشی از آن در سخنان معصومین : بیان شده است و حاجی باید به پیام و اسرار حجّ پی ببرد و باشناخت کامل آنها را به جا آورد.

— همچنین حجّ، که به شکلی تحرک آفرین اجرا می شود، در سازندگی فرد و جامعه نقش بسزایی دارد، از جمله فرد را از هرگونه تشخص ، خودپرستی ، طاغوت پرستی و پوچی زندگی رها نموده ، به خداوند جهان وابسته می سازد. حاجی با رمی جمره که در فرهنگ حجّ به معنای تیراندازی به شیطان است . خود را برای نبرد با شیطان و شیطان صفتان آماده می سازد. همین طور از نظر اخلاقی ، خود را ملزم به رعایت خلق نیکو می کند، سپس با اعلام وفاداری به رهبران واقعی اسلام و زیارت آنان ، حجّش را کامل می کند.

پرسش

- 1- حجّ در اسلام از چه جایگاهی برخوردار است؟
- 2- بخشی از اسرار حجّ را با استفاده از روایت امام سجاده علیه السلام بیان کنید.
- 3- نقش حجّ را در خودسازی فرد و جامعه توضیح دهید.
- 4- برخی از اخلاقیات حجّ را بنویسید.

درس هجدهم: آثار عبادت

اساس آفرینش بر مبنای (داد و ستد) یا (حرکت و برکت) نهاده شده و هر پدیده ای به اندازه لیاقت و ظرفیت خویش از فیض الهی برخوردار می گردد. از این رو، تمام پدیده ها به ارتباط با آفریننده هستی نیازمندند تا به هستی خود ادامه داده، فیض بیشتری دریافت کنند.

کانال ارتباطی انسان با خدا و دریافت فیض و رحمت او عبادت (به معنای وسیع کلمه) است و هرچه عبادت او بیشتر و بهتر باشد از فیوضات الهی بهره بیشتر می برد و به همان نسبت به خدای تعالی نزدیکتر می شود.

از رسول خدا ﷺ نقل شده که خدای تبارک و تعالی فرمود:

(مَا يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدِي بِمِثْلِ إِدَاءٍ مَا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ) ⁽³¹⁷⁾ چیزی مانند انجام

واجبات بنده ام را به من نزدیک نمی کند.

عبادت و بندگی خدا، هم در دنیا آثار و منافع دارد هم در آخرت .

آثار دنیوی

الف - خدا ترسی

هر چه (عابد) بیشتر در درگاه الهی سر بساید، به او نزدیکتر شده ، عظمت او را بیشتر درک می کند. در نتیجه ، ابهت و خوف از خدا دلش را پر می کند و به انجام وظایف دینی پرداخته ، از کارهای حرام دوری می کند. حضرت صادق علیه السلام فرمود: (خداوند در تورات فرموده است : ای فرزند آدم ! برای پرستش من کوشش کن تا دلت را از خوف خود پرکنم) ⁽³¹⁸⁾

پیدایش روحیه آزادگی نیز با خداترسی همراه است که (عابد) را از قید و بند عوامل آزادی کُش مانند؛ علاقه به ثروت و مقام ، شهوات و ... آزاد می سازد و باید گفت ؛ هیچ چیزی مانند عبادت خدا، آزادی بخش نیست .

ب - سلامت جسم و جان

دومین اثر ارزنده عبادت ، آرامش روحی و سلامت جسم و جان است . باید توجه داشت که یکی از عوامل بیماری روحی و جسمی از نظر اسلام و روان شناسان ، تشویش خاطر و غم و غصه است . تشویش خاطر ناشی از دوری از خدا و معنویت است . قرآن مجید، درمان افسردگی و اندوه دل را در سایه ذکر خدا که روح عبادت است مُیسّر دانسته ، چنین فرموده است :

(إِذَا بَدَأَ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ) ⁽³¹⁹⁾ بایاد و ذکر خدا دلها آرامش می یابد.

نکته جالب دیگر اینکه برخی از عبادتها تاءثیر مستقیم روی سلامت عابد دارد، به عنوان مثال رسول اکرم ﷺ می فرماید:

(صُومُوا تَصِحُّوا) ⁽³²⁰⁾ روزه بگیردید تا سالم شوید.

امام سجاد علیه السلام نیز فرمود:

(حَجُّوا وَاعْتَمِرُوا تَصِحُّ اَجْسَامُكُمْ..). ⁽³²¹⁾

حج و عمره به جا آورید تا بدنهای شما سالم گردد.

ج - مصونیت در برابر گناه

اثر دیگر عبادت، محفوظ ماندن از گناهان است، چون انسان هر چه به خدا نزدیک تر شود به همان مقدار از انحراف و گناه فاصله می گیرد و وسوسه های شیطانی در او بی اثر خواهد بود. با توجه به این حقیقت، قرآن مجید می فرماید:

(اَعْقِمِ الصَّلَاةَ، إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) ⁽³²²⁾ نماز را به پا دار، همانا نماز از زشتی و منکرات باز می دارد.

رسول خدا ﷺ درباره حج نیز چنین فرمود:

(آيَةُ قَبُولِ الْحَجِّ تَرْكُ مَا كَانَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ مُقِيمًا مِنَ الذُّنُوبِ) ⁽³²³⁾ نشانه قبولی حج، ترک گناهیانی است که تاکنون انجام می داده است.

خدا ضمن بیان داستان حضرت یوسف علیه السلام می فرماید:

این عبادت پاک و ایمان کامل او بود که موجب شد او را از انحراف و آلوده شدن نجات دهیم: (كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ) ⁽³²⁴⁾ این گونه (برهان خویش را به او نشان دادیم تا) او را از گناه و بدی نجات دهیم، چرا که او از بندگان مخلص ما بود.

بدین معنا که با عبادت و انجام واجبات و اخلاص کامل ، شایستگی یافت
که از آلودگی گناه و ورود به معصیت در امان بماند. (325)

د - بی نیازی از مردم

از دیگر آثار عبادت ، محبوبیت در نزد خداوند است که با
عمل به تکالیف و انجام واجبات به دست می آید. خدا بندگان وظیفه شناس
را کرامت نفس و بی نیازی عطا می کند. تا محتاج غیر او نشوند.

امام صادق علیه السلام فرمود در تورات چنین نوشته است :

(يَا بَنَ آدَمَ تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي اءَمَلًا قَلْبِكَ غِنًا..). (326)

ای فرزند آدم! برای عبادت من خود را فارغ کن تا قلبت را از بی نیازی

پرکنم .

ه - کامروایی و خوشبختی

خوشبختی و سعادت از جمله نعمتهایی است که هر کس در تلاش برای رسیدن به آن ، تمام توان خود را به کار می گیرد. از نظر اسلام انسان سعادتمند، کسی است که به تعالیم انبیا و دستورات الهی عمل نموده ، در عبادت و کسب معنویت کوشا باشد. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام در این باره فرمود:

(سَعَادَةُ الرَّجُلِ فِي إِحْرَازِ دِينِهِ وَالْعَمَلِ لِأَخْرَجِهِ) ⁽³²⁷⁾ خوشبختی و سعادت مرد در دینداری و عمل برای آخرت است .

و - پیروزی بر دشمنان

عبادت خدا و پناه بردن به قدرت بی پایان خدا پشتوانه محکم مؤمن در صحنه های گوناگون نبرد با دشمنان ، شیطان و نفس اماره است . بطور مثال ، (دعا) سلاح مؤمن و یکی از پشتوانه های محکم اوست . رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روزی به یارانش فرمود:

(آیا شما را از سلاحی که از دشمن نجاتتان دهد آگاه نسازم ؟) گفتند: چرا. فرمود: (شب و روز دعا کنید که دعا اسلحه مؤمن است) ⁽³²⁸⁾

ناگفته نماند که عبادت و دعا در کنار برنامه و عمل مؤثر خواهد بود، نه اینکه به جای تلاش و کوشش و کارزار، در محراب و مسجد و کنج خانه بنشینیم و دعا کنیم .

ز - روزی فراوان

برخی از عبادتها سبب گشایش در زندگی و روزی فراوان می شود.
مردی خدمت رسول خدا ﷺ اظهار داشت : دوست دارم ثروتمند شوم
و وسعتی در زندگی ام پیدا شود. آن حضرت فرمود:
(دُمْ عَلَى الطَّهَّارَةِ يُوسَعُ عَلَيْكَ فِي الرِّزْقِ) (329) همیشه با طهارت باش تا
روزی ات زیاد شود. امام سجاده علیه السلام درباره حج و عمره نیز چنین فرمود:
(حَجُّوا وَاعْتَمِرُوا... تَتَّسِعَ آءَرْزَاقُكُمْ وَ يَصْلِحُ إِيمَانُكُمْ وَ تَكْفُوا
مَوْئِنَةَ النَّاسِ وَ مَوْئِنَةَ عِيَالِكُمْ) ⁽³³⁰⁾ حج و عمره به جا آورید تا روزی تان
فراوان شود و ایمانتان اصلاح گردد و مخارج مردم و خانواده های شما تاءمین
شود.

آثار اخروی

آنچه پیرامون آثار دنیوی عبادت آوردیم ، بخش کوچکی از پیامدهای ارزنده آن بود وگرنه هدف اساسی و ثواب و اجر اصلی عبادات در عالم برزخ و آخرت آشکار می شود و آسایش و خوشی آخرت ، نتیجه اعمال دنیایی فرد است و خداوند از فضل و احسان خویش ، هر چه بخواهد بر آن می افزاید و بخشی از آثار اخروی بدین قرار است :

الف - آسایش قبر

حفره قبر اولین منزل سفر آخرت است که اولین اثر اخروی عمل انسان ، در آن ظاهر می شود. اگر اعمال نیکو باشد، قبر همچون چراغ سبزی نوید رهایی می دهد و گرنه زنگ خطری است که آینده ای تاریک را خبر می دهد. امام باقر علیه السلام فرمود:

(مَنْ أَمَّ رُكُوعَهُ لَمْ تَدْخُلْهُ وَحَشَةُ الْقَبْرِ) ⁽³³¹⁾ کسی که رکوعش را کامل به جا

آورد وحشت قبر بر او وارد نمی شود.

ب - انیس در قبر

اطاعت و بندگی خدا در عالم برزخ تجسم پیدا کرده و در قبر، مونس و همدم انسان است که یکی از بهترین آثار عبادت محسوب می شود. ابوبصیر از امام باقر یا امام صادق: نقل می کند که می فرمود: وقتی مؤمن را در قبر می نهند به همراه او شش صورت نورانی داخل قبر می شوند و اطراف او را می گیرند، یکی از آنها که از دیگران نورانی تر است از آنها می پرسد: شما کیستید؟

یکی می گوید: من نماز، دوّمی می گوید من زکاتم . سومی می گوید: من روزه ام . چهارمی می گوید: من حج و عمره ام . پنجمی می گوید: من نیکیهای تو هستم که به برادرانت رساندی همه اینها از آن صورت نورانی تر می پرسند: تو که هستی که از همه نورانی تر و خوشبوتری؟ می گوید: من ولایت اهل بیت پیغمبرم .⁽³³²⁾

ج - ایمنی در محشر

دومین اثر گرانقدر بندگی خدا در محشر، آشکار می شود. قرآن می فرماید:

(مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ..)⁽³³³⁾

کسانی که عمل نیک و شایسته انجام دادند پاداشی بهتر از آن می بینند و

آنها از وحشت و سختی این روز در امانند.

د - آمرزش و رحمت الهی

مشمول رحمت و آمرزش الهی شدن از دیگر آثار عبادت خداوند است که با ایمان و عمل پسندیده به دست می آید. قرآن کریم می فرماید:

(فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ) ⁽³³⁴⁾

کسانی که به خدا ایمان آوردند و توسل جستند، خداوند بزودی آنها را در فضل و رحمت خویش قرار می دهد.

هـ- ورود به بهشت

بندگان شایسته خدا که در دنیا با ایمان بوده ، خدا را پرستیده و فریب زرق و برق دنیا را نخورده اند، سزاوار بهشت خواهند بود قرآن در این زمینه می فرماید:

(وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ) ⁽³³⁵⁾ بر یکدیگر پیشی گیرید به سوی آمرزش پروردگار خویش و رسیدن به بهشت که پهنایش بقدر همه آسمانها و زمین است و برای پرهیزگاران مهیا شده است .

حضرت علی علیه السلام نیز فرمود:

(ثَمَنُ الْجَنَّةِ الْعَمَلُ الصَّالِحُ) ⁽³³⁶⁾ بهای بهشت عمل صالح است .

خلاصه درس

_ عبادت آثار فراوانی در دنیا و آخرت دارد که خوف از خدا، سلامت جسم و جان ، آرامش روحی و روانی ، محفوظ ماندن از گناهان ، بی نیازی از مردم ، رسیدن به سعادت و خوشبختی ، موفقیت در امور، پیروزی بر دشمنان ، روزی فراوان و تاءمین مخارج زندگی از جمله آثار عبادت در دنیا محسوب می شود.

_ در آخرت نیز عبادت آثار فراوانی دارد از جمله : آسایش قبر، امنیّت محشر، رحمت الهی و ورود به بهشت .

پرسش

1- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تقرب به خدا را در چه می داند؟

2- مصونیت انسان در برابر گناه چگونه حاصل می شود؟

3- پنج اثر از آثار دنیوی عبادت را بنویسید.

4- آثار اخروی عبادت را نام برده و توضیح مختصری درباره هر یک

بنویسید.

درس نوزدهم : آفات عبادت

آفت چیست ؟

آفات ، جمع آفت به معنای آسیب ، بلا، زیان و هر چیزی که مایه تباهی و فساد است ، می باشد. (337)

آفت هر پدیده ای بستگی به نوع آن پدیده و اجزای تشکیل دهنده و شرایط آن دارد. آفت عبادت ، گاهی یک جهت گیری فکری ، گاه یک عمل اقتصادی ، چرخش زبان ، حالت دل ، حرکت دست و پا و هر چه که بگونه ای به عبادت آسیب برساند، می باشد.

پیش از پرداختن به بیان آفتهای عبادت ، تذکر دو نکته ، ضروری است .

1- آنچه در این درس به عنوان آفت بیان می کنیم ، در واقع به شرایط قبولی عبادت باز می گردد نه به صحّت آن ، یعنی از قبول شدن عبادت درگاه خدا جلوگیری می کند و مانع اثر بخشی آن می گردد، ولی مبطلات عبادت ، که در کتابهای فقهی آمده است به شرایط صحّت آن مربوط است بدین مفهوم که با اخلال در هر یک از آن شرایط، عبادت باطل می شود و تکلیف ساقط نمی گردد.

2- همه آفتها در آفت بودن شریکند؛ لیکن یک آفت ممکن است به همه عبادتها آسیب برساند و آفت دیگر به برخی از آنها.

انواع آفتها

الف - شرک در عبادت

بطور کلی، روح عبادت و پرستش خدای یگانه با شریک قرار دادن در آن ناسازگار است و اگر عابد چنین کند، هم عبادت را تباه ساخته و هم خویش را در معرض خشم خدا قرار داده است و به جای پرواز در آسمان توحید، در وادی شرک سقوط کرده است. به فرموده امام باقر و صادق ::

(لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَمِلَ عَمَلًا يَطْلُبُ بِهِ رَحْمَةَ اللَّهِ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ، ثُمَّ أَدْخَلَ فِيهِ رِضًا أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ كَانَتْ مُشْرِكًا) ⁽³³⁸⁾

اگر بنده ای عملی را برای نیل به رحمت الهی و (ثواب) آخرت انجام دهد سپس خشنودی انسانی را در آن داخل کند، مشرک است.

آفت شرک آن قدر خطرناک و زیان آور است که بسان صاعقه، خرمن عمل را بکلی می سوزاند، بطوری که در روز جزا اثری از آن باقی نیست. رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود:

(يُنَادِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ: اءَيْنَ الَّذِينَ كَانُوا يَعْبُدُونَ النَّاسَ؟ قَوْمُوا وَ خُذُوا أُجُورَكُمْ مِمَّنْ عَمِلْتُمْ لَهُ، فَإِنِّي لَا آءَقْبَلُ عَمَلًا خَالَطَهُ شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا) ⁽³³⁹⁾

روز بازپسین (از سوی خدا) ندا می شود: کجایند آنهایی که مردم را می پرستیدند؟ برخیزید و مزدتان را از معبودان خویش بگیرید. چون من عمل مخلوط با چیز دنیوی را نمی پذیرم.

سخنسرای شیراز، این حقیقت را ضمن تمثیلی چنین بیان می کند:

(زاهدی مهمان پادشاهی بود، چون به طعام نشستند کمتر از آن خورد که ارادت او بود و چون به نماز برخاستند، بیش از آن کرد که عادت او، تا ظن صلاحیت در حق او زیادت کنند!)

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی کین ره که تو می روی به
ترکستان است

چون به مقام (منزل) خویش آمد، سفره خواست تا تناولی کند، پسری صاحب فراست داشت، گفت: ای پدر! باری به مجلس سلطان در، طعام نخوردی؟ گفت: در نظرایشان چیزی نخوردم، که به کار آید. گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که به کار آید!

ای هنرها گرفته دست عیبها
برکف بگرفته زیر بغل
تا چه خواهی خریدن ای روز درماندگی به سیم
مغرور و دغول

پی نوشت ها

- (1) - عنكبوت (29)، آیه 45.
- (2) - توبه (9)، آیه 103.
- (3) - فلسفه اخلاق ، مرتضی مطهری ، ص 121 - 122.
- (4) - مجمع البحرين ، ج 3، ص 92.
- (5) - همان ، ص 95.
- (6) - هدف زندگی ، شهید مطهری ، ص 16، حزب جمهوری اسلامی .
- (7) - بحارالانوار، ج 96، ص 356، اسلامیة .
- (8) - ر.ک : میزان الحکمة ، محمدی ری شهری ، ج 6، ص 16 - 21.
- (9) - وسائل الشیعه ، ج 1، ص 78، بیروت .
- (10) - شرح غررالحکم ، آمدی ، ج 2، ص 578، چاپ دانشگاه .
- (11) - بقره (2)، آیه 21.
- (12) - بحارالانوار، ج 5، ص 314.
- (13) - شرح غررالحکم ، ج 1، ص 25.
- (14) - ذاریات (51)، آیه 56.
- (15) - یس (36)، آیات 60 - 61.
- (16) - ر.ک : تفسیر نمونه ، ج 18، ص 424 - 427.
- (17) - مستدرک سفینة البحار، ج 7، ص 49.
- (18) - علل الشرایع ، شیخ صدوق ، ص 9.
- (19) - تفسیرنمونه ، ج 22، ص 394.
- (20) - فرهنگ عمید، ص 840، امیر کبیر .
- (21) - نجم (53)، آیات 8 - 9.
- (22) - انسان کامل ، شهید مطهری ، ص 9، انتشارات اسلامی .
- (23) - وسائل الشیعه ، ج 3، ص 53.
- (24) - صحیفه نور، ج 14، ص 30.
- (25) - برگرفته از سوره حمد.
- (26) - فرقان (25)، آیه 63.

- (27) - همان .
- (28) - سیمای انسان کامل ، جعفر سبحانی ، ص 259، به نقل از حیاة الحیوان ، ج 2، ص 68.
- (29) - فرقان (25)، آیه 66 .
- (30) - بحارالانوار، ج 87، ص 138 .
- (31) - فرقان (25)، آیه 67 .
- (32) - همان .
- (33) - فرقان (25) ، آیه 68.
- (34) - نهج الخطابه ، علم الهدی خراسانی ، ص 477، کتابخانه صدر.
- (35) - فرهنگ سیاح ، ج 3، ص 1690.
- (36) - راه خداشناسی ، جعفر سبحانی ، ص 128، چاپ صدر.
- (37) - نهج البلاغه ، فیض الاسلام ، ص 977.
- (38) - تحف العقول ، تصحیح غفاری ، ص 433، اسلامیة .
- (39) - اصول کافی ، ج 2، ص 70، اسلامیة .
- (40) - داستان راستان ، ج 1، ص 69، به نقل از وسائل الشیعه ، ج 11، ص 427.
- (41) - بحارالانوار، ج 71، ص 213.
- (42) - تفسیر نورالثقلین ، ج 3، ص 366، اسماعیلیان .
- (43) - منتهی الامال ، ج 1، ص 183، سازمان انتشارات جاویدان .
- (44) - بحارالانوار، ج 71، ص 214.
- (45) - همان ، ص 220.
- (46) - همان ، ص 219.
- (47) - بحارالانوار، ج 71، ص 218.
- (48) - لغت نامه دهخدا، ذیل لغت اخلاص .
- (49) - شرح غرر الحکم ، ج 2، ص 144.
- (50) - بحارالانوار، ج 73، ص 294.
- (51) - غافر(40)، آیه 14.
- (52) - شرح غررالحکم ، ج 5، ص 418.
- (53) - همان ، ج 3، ص 217.

- (54) - ر.ک : جامع السعادات ، ج 2، ص 402، داوری ؛ پرواز در ملکوت ، ج 2، ص 80 - 81.
- (55) - ر.ک ، بحارالانوار، ج 70، ص 255.
- (56) - مستدرک الوسائل ، ج 1، ص 101، آل البيت .
- (57) - شرح غررالحکم ، ج 3، ص 332.
- (58) - همان ، ج 1، ص 343.
- (59) - شرح غررالحکم ، ج 4، ص 511.
- (60) - میزان الحکمة ، ج 3، ص 63.
- (61) - همان ، ص 279.
- (62) - بحارالانوار، ج 71، ص 184.
- (63) - همان ، ج 70، ص 243.
- (64) - شرح غررالحکم ، ج 4، ص 315.
- (65) - همان ، ص 407.
- (66) - بحارالانوار، ج 70، ص 248.
- (67) - مستدرک الوسائل ، ج 1، ص 101.
- (68) - سیمای فرزندگان ، ج 3، ص 122.
- (69) - رسیمای فرزندگان ، ج 3، ص 133.
- (70) - همان ، ص 135.
- (71) - ر.ک : همان ، ص 146.
- (72) - قاموس قرآن ، ج 2، ص 250 به نقل از مفردات راغب .
- (73) - المیزان ، مترجم ، ج 29، ص 11، انتشارات جامعه مدرسین .
- (74) - بحارالانوار، ج 81، ص 264، موسسة الوفا، بیروت .
- (75) - آداب الصلوة ، امام خمینی (ره)، ص 17، آستان قدس رضوی .
- (76) - مؤ منون (23)، آیات 1 - 2.
- (77) - بحارالانوار، ج 84، ص 230.
- (78) - فروع کافی ، ج 3، ص 300.
- (79) - زمر(39)، آیه 23. قرآن را (متشابه) گفته از آن رو که اجزایش در اعجاز و فصاحت و بلاغت همه به هم شبیه است و دو تا دو تا خواند، از آن رو که بیشتر چیزها که در آن آمده است دو تا دو تا است ، چون امر ونهی ، نور و ظلمت ، عام و خاص ، بهشت و

دوزخ و از این قبیل در مورد (متشابه) و (دوتا دوتا) اقوال دیگری هم آمده است
(ترجمه از عبدالمحمد آیتی ذیل آیه مذکور).

(80) - شرح غرالحکم ، ج 5، ص 460.

(81) - بحارالانوار، ج 77، ص 164.

(82) - بحارالانوار ، ج 13، ص 49.

(83) - فلاح السائل ، سید بن طاوس ، ص 161، دفتر تبلیغات اسلامی .

(84) - بحارالانوار، ج 84، ص 248.

- شیر خدا شاه ولایت علی صیقلی شرک خفی و جلی

روز احد چون صف هیجا گرفت تیر مخالف به تنش جا گرفت

غنچه پیکان به گل او نهفت صد گل راحت زگل او شکفت

روی عبادت سوی محراب کرد پشت به درد سر اصحاب کرد

خنجر الماس چو بفراختند چاک بر آن چون گلش انداختند

گل گل خونش چو به مصلاً چکیدگفت چو فارغ ز نماز آن بدید

این همه گل چیست ته پای من ساخته گلزار، مصلاى من

صورت حالش چو نمودند بازگفت که سوگند به دانای راز

کزالم تیغ ندارم خبرگرچه زمن نیست خبردارتر

طایر من سدره نشین شد چه باک گرشودم تن چو قفس چاک چاک

جامی از آرایش تن پاک شودر قدم پاک روان خاک شو

باشد از آن خاک بگردی رسی گرد شکافی و به مردی رسی

مثنوی هفت اورنگ ، احمد جامی خراسانی ، ص 403، چاپ سعدی .

(85) - بحارالانوار، ج 84، ص 248.

(86) - انبیا(21)، آیه 90، ترجمه آیتی .

(87) - بحارالانوار، ج 78، ص 30.

(88) - همان ، ج 84، ص 264.

(89) - حدید(57)، آیه 16.

(90) - المیزان ، مترجم ، ج 19، ص 284.

(91) - بحارالانوار، ج 84، ص 234.

(92) - فرهنگ سیاح ، ج 2، ص 980.

- (93) - محجة البيضاء، ج 1، ص 281، بيروت .
- (94) - میزان الحکمة ، ج 5، ص 558.
- (95) - بحارالانوار، ج 78، ص 112.
- (96) - توبه (9)، آیه 108.
- (97) - ثواب الاعمال ، شیخ صدوق ، ص 32، چاپ صدوق .
- (98) - وسائل الشیعه ، ج 2، ص 945.
- (99) - نهج البلاغه ، خطبه 189، ص 635.
- (100) - سرالصلوة ، امام خمینی (ره)، ص 37، مرکز نشر آثار امام خمینی .
- (101) - منظور از امور دنیوی اموری است که ائمه معصومین علیهم السلام نیز از آنان روگردان بودند، مثل جمع کردن مال و ثروت و استفاده نادرست از آن .
- (102) - وسائل الشیعه ، ج 1، ص 257.
- (103) - عیون اخبار الرضا علیه السلام ، مترجم ، محمدباقر ساعدی ، ج 2، ص 427، اسلامیه .
- (104) - مائده (5)، آیه 6.
- (105) - مفاتیح الجنان ، شیخ عباس قمی ، دعای بیست و سوم ماه رمضان .
- (106) - وسائل الشیعه ، ج 1، ص 269.
- (107) - امالی ، شیخ مفید، مترجم استاد ولی ، ص 74، آستان قدس .
- # - چنانکه پیشتر از قول امام صادق و امام کاظم علیهما السلام نقل شد.
- (108) - وسائل الشیعه ، ج 2، ص 961، بیروت .
- (109) - دعائم الاسلام ، نعمان بن محمد، ج 1، ص 100، آل البیت .
- (110) - عنکبوت (29)، آیه 45.
- (111) - بحارالانوار، ج 82، ص 198.
- (112) - سیری در فلسفه احکام ، ص 46، به نقل از مجمع البیان ، ج 8، ص 285.
- (113) - بحارالانوار، ج 83، ص 126.
- (114) - طه (20)، آیه 14.
- (115) - رعد(13)، آیه 28.
- (116) - صحیفه نور، ج 12، ص 148.
- (117) - معارج (70)، آیات 20 - 23.
- (118) - بقره (2)، آیه 153.

- (119) - ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ، شيخ صدوق ، ص 63، مكتبة الصدوق .
- (120) - وسائل الشيعة ، ج 5، ص 271.
- (121) - بحار الانوار، ج 82، ص 208.
- (122) - فروع كافي ، ج 3، ص 479، بيروت .
- (123) - ثواب الاعمال ، ص 91.
- (124) - فلاح السائل ، سيدبن طاووس ، ص 160، دفتر تبليغات اسلامي .
- (125) - كنز العمال ، ج 7، ص 207.
- (126) - همان ، ص 212.
- (127) - مستدرک الوسائل ، ج 1، ص 175.
- (128) - مجموعه ورام ، ج 2، ص 86.
- (129) - روزنامه اطلاعات ، 16/7/70.
- (130) - كنز العمال ، ج 7، ص 201.
- (131) - بحار الانوار، ج 69، ص 406.
- (132) - جامع احاديث الشيعة ، ج 4، ص 6.
- (133) - همان ، ص 14.
- (134) - بحار الانوار، ج 42، ص 249.
- (135) - طه (20)، آيه 132.
- (136) - ابراهيم (14)، آيه 31.
- (137) - من لا يحضر الفقيه ، ج 1، ص 136، بيروت .
- (138) - بحار الانوار، ج 42، ص 249.
- (139) - اعراف (7)، آيه 31.
- (140) - ر.ك : تفسير نمونه ، ج 6، ص 148.
- (141) - بحار الانوار، ج 84، ص 204.
- (142) - رساله نوين ، بي آزار شيرازي ، ج 1، ص 123.
- (143) - ذريات (51)، آيه 18.
- (144) - جامع الاحاديث ، ج 4، ص 110.
- (145) - بقره (2)، آيه 43.
- (146) - بحار الانوار، ج 88، ص 3.

- (147) - توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله 1400، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- (148) - بحار الانوار، ج 84، ص 211.
- (149) - همان ، ص 259.
- (150) - اقتباس از کتاب چهل حدیث ، امام خمینی (ره) ، ص 365، نشر رجاء.
- (151) - بحار الانوار، ج 84، ص 261.
- (152) - ابراهیم (14)، آیه 14.
- (153) - ر.ک : منتهی الامال ، محدث قمی ، ج 1، ص 360.
- (154) - میزان الحکمة ، ج 1، ص 82.
- (155) - نور(24)، آیه 37.
- (156) - بحار الانوار، ج 82، ص 207.
- (157) - مؤمنون (23)، آیات 1 - 2.
- (158) - لقمان (31)، آیات 1 - 4.
- (159) - بحار الانوار، ج 82، ص 208.
- (160) - بحار الانوار، ج 82، ص 205.
- (161) - همان ، ص 232.
- (162) - بحار الانوار، ج 82، ص 232.
- (163) - وسائل الشیعه ، ج 5، ص 372.
- (164) - وسایل الشیعه ، ج 5 ، ص 371.
- (165) - همان ، ج 18، ص 288.
- (166) - بحار الانوار، ج 82، ص 207.
- (167) - گناهان کبیره ، ج 2، ص 191 - 193.
- (168) - بحار الانوار، ج 82، ص 202.
- (169) - جامع الاحادیث ، ج 4، ص 48.
- (170) - بحار الانوار، ج 82، ص 202.
- (171) - جامع احادیث الشیعه ، ج 4، ص 52.
- (172) - محجة البیضا، ج 1، ص 340.
- (173) - ملاذ الاخبار، مجلسی ، ج 4، ص 272.
- (174) - ثواب الاعمال ، مترجم غفاری ، ص 523، با اندک تغییر.

- (175) - جامع الاحادیث ، ج 4 ، ص 58.
- (176) - طه (20)، آیه 14.
- (177) - طه (20) ، آیه 124.
- (178) - سفینة البحار، ج 2، ص 43.
- (179) - همان .
- (180) - سفینة البحار، ج 2، ص 43.
- (181) - بحار الانوار، ج 6، ص 244.
- (182) - سفینة البحار، ج 2، ص 43.
- (183) - ثواب الاعمال ، ص 521.
- (184) - بحار الانوار، ج 83، ص 19.
- (185) - مدثر (74)، آیه 45.
- (186) - بحار الانوار، ج 83، ص 14.
- (187) - تذکر: دو رکعت نافله عشا نشستہ خوانده می شود و روی هم یک رکعت محسوب می گردد.
- (188) - توضیح المسائل ، امام خمینی (ره)، مساءله 764.
- (189) - فروع کافی ، ج 3، ص 454.
- (190) - علل الشرایع ، مترجم ، ص 328، داوری .
- (191) - همان .
- (192) - بحار الانوار، ج 87، ص 27.
- (193) - اصول کافی ، ج 2، ص 443، اسلامیه .
- (194) - بحار الانوار، ج 87، ص 22.
- (195) - همان .
- (196) - سجده (32)، آیه 16.
- (197) - مجمع البیان ، ج 7 - 8، ص 331، دار احیا التراث العربی .
- (198) - سجده (32)، آیه 17.
- (199) - مجمع البیان ، ج 7 - 8، ص 331.
- (200) - رک : مجمع البیان ، ج 7 - 8، ص 331.
- (201) - بحار الانوار، ج 87، ص 123.

- (202) - بحارالانوار، ج 87، ص 155.
- (203) - وسائل الشيعة، ج 5، ص 270.
- (204) - وسایل الشيعة، ج 5، ص 271.
- (205) - همان، ص 272.
- (206) - همان، ص 274.
- (207) - فرهنگ سیّاح، ج 1، ص 463.
- (208) - وسائل الشيعة، ج 4، ص 1086.
- (209) - وسایل الشيعة، ج 4، ص 1088.
- (210) - انبیا(21)، آیه 90.
- (211) - وسائل الشيعة، ج 4، ص 1106.
- (212) - همان، ص 1100.
- (213) - همان، ص 1104.
- (214) - همان، ص 1116.
- (215) - وسائل الشيعة، ج 4، ص 1125.
- (216) - همان، ص 1115.
- (217) - بحارالانوار، ج 96، ص 356.
- (218) - عدّة الداعی، ابن فهد حلّی، ص 47، نشر وجدانی .
- (219) - بحارالانوار، ج 100، ص 147.
- (220) - عدّة الداعی، ص 48.
- (221) - وسائل الشيعة، ج 4، ص 1174.
- (222) - اصول کافی، ج 2، ص 353.
- (223) - وسائل الشيعة، ج 4، ص 1142.
- (224) - همان .
- (225) - اصول کافی، ج 2، ص 208.
- (226) - وسائل الشيعة، ج 4، ص 1176.
- (227) - همان، ص 1128.
- (228) - بقره (2)، آیه 216.
- (229) - اصول کافی، ج 2، ص 355.

- (230) - المنجد، واژه (فكر).
- (231) - محجة البيضاء، ج 8، ص 197.
- (232) - همان ، ص 196.
- (233) - بحار الانوار، ج 68، ص 327، بيروت .
- (234) - شرح غررالحكم ، ج 2، ص 49.
- (235) - آل عمران (3)، آيات 190 - 191.
- (236) - محجة البيضاء، ج 8، ص 194.
- (237) - بحار الانوار، ج 1، ص 97.
- (238) - بيست گفتار، ص 207، انتشارات اسلامي .
- (239) - بحار الانوار، ج 68، ص 319.
- (240) - إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ
(آل عمران (3)، آيه 190).
- (241) - وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (ذاريات (51)، آيه 21).
- (242) - محجة البيضاء، ج 8، ص 193.
- (243) - شرح غرر الحكم ، ج 5، ص 155.
- (244) - همان ، ص 276.
- (245) - وسائل الشيعة ، ج 11، ص 223.
- (246) - بحار الانوار، ج 68، ص 328.
- (247) - همان ، ص 326.
- (248) - شرح غرر الحكم ، ج 2، ص 418.
- (249) - شرح غررالحكم ، ج 1، ص 337.
- (250) - همان ، ج 4، ص 424.
- (251) - همان ، ص 214.
- (252) - شرح غررالحكم ، ج 2، ص 389.
- (253) - مستدرک الوسائل ، ج 8، ص 353.
- (254) - شرح غررالحكم ، ج 2، ص 236.
- (255) - اصول کافی ، مترجم ، ج 3، ص 239.
- (256) - اصول کافی ، مترجم ، ج 3، ص 243.

- (257) - نهج البلاغه ، نامه 5، ص 839.
- (258) - در جستجوی راه از کلام امام ، دفتر ششم ، ص 17 سپهر.
- (259) - صحیفه نور، ج 12، ص 192.
- (260) - رساله نوین ، ج 4، ص 257.
- (261) - بحارالانوار، ج 74، ص 318.
- (262) - شرح غررالحکم ، ج 3، ص 99.
- (263) - همان ، ج 4، ص 545.
- (264) - همان ، ج 5، ص 473.
- (265) - نهج البلاغه ، نامه 53، ص 1031.
- (266) - لغت نامه دهخدا، ج 29، واژه شعار.
- (267) - المیزان ، ج 14، ص 373.
- (268) - وسائل الشیعه ، ج 4، ص 616.
- (269) - همان ، ص 612.
- (270) - وسائل الشیعه ، ج 4 ، ص 640 - 641.
- (271) - همان ، ج 5، ص 377.
- (272) - وسایل الشیعه ، ج 5 ، ص 376.
- (273) - صحیفه نور، ج 8، ص 264.
- (274) - حجّ (22)، آیه 36.
- (275) - وسائل الشیعه ، ج 8، ص 14.
- (276) - بقره (2)، آیه 158.
- (277) - وسائل الشیعه ، ج 3، ص 537.
- (278) - همان .
- (279) - وسایل الشیعه ، ج 3، ص 525.
- (280) - همان ، ص 521.
- (281) - اسراء (17)، آیه 1.
- (282) - ابراهیم (14)، آیه 5.
- (283) - صحیفه نور، ج 13، ص 156.
- (284) - حجّ (22)، آیه 41.

- (285) - شرح لمعه ، ج 1، ص 256، چاپ سنگی .
- (286) - حجّ (22)، آیه 32.
- (287) - توضیح المسائل ، امام خمینی ، احکام روزه .
- (288) - بحارالانوار، ج 96، ص 356.
- (289) - صحیفه نور، ج 20، ص 210.
- (290) - بحارالانوار، ج 96، ص 356 - 358 (اقتباس از خطبه شعبانیه رسول اکرم ﷺ).
- (291) - بحارالانوار، ج 96، ص 368.
- (292) - همان ، ص 255.
- (293) - بقره (2)، آیه 183.
- (294) - بحارالانوار، ج 96، ص 375.
- (295) - همان ، ص 396.
- (296) - همان ، ص 356.
- (297) - شرح غرر الحکم ، ج 4، ص 223.
- (298) - جامع السعادات ، ج 3، ص 381، بیروت .
- (299) - بحارالانوار، ج 96، ص 358.
- (300) - همان ، ص 295.
- (301) - بحارالانوار، ج 96 ، ص 357.
- (302) - بحارالانوار، ج 96 ، ص 356 - 357.
- (303) - همان ، ص 255. (کلمه اجزی را اجزی هم خوانده اند که معنایش می شود: من خود پاداش آنم .)
- (304) - آل عمران (3)، آیات 96 - 97.
- (305) - بحارالانوار، ج 77، ص 58.
- (306) - نهج البلاغه ، حکمت 244، ص 1197.
- (307) - پیام استقامت .
- (308) - شاید مهمترین مسأله سیاسی حجّ (برائت از مشرکین) باشد که امام خمینی (ره) آن را احیا کرد.
- (309) - ربک . مستدرک الوسائل ، ج 10، ص 166.

- (310) - وسائل الشیعه ، ج 8، ص 403.
- (311) - همان ، ص 315.
- (312) - وسایل الشیعه ، ج 8 ، ص 323 - 324.
- (313) - بحارالانوار، ج 100، ص 139.
- (314) - وسائل الشیعه ، ج 10، ص 254.
- (315) - همان .
- (316) - علل الشرایع ، ص 406.
- (317) - بحارالانوار، ج 70، ص 16.
- (318) - بحارالانوار ، ج 71، ص 182.
- (319) - رعد(13)، آیه 28.
- (320) - بحارالانوار، ج 96، ص 255.
- (321) - ثواب الاعمال ، ص 70.
- (322) - عنکبوت (29)، آیه 45.
- (323) - سیری در فلسفه احکام ، ص 146، به نقل از جعفریات ، ص 66.
- (324) - یوسف (12)، آیه 24.
- (325) - رک : تفسیر نمونه ، ج 9، ص 374.
- (326) - اصول کافی ، ج 2، ص 83، بیروت .
- (327) - شرح غررالحکم ، ج 4، ص 144.
- (328) - ثواب الاعمال ، ص 45.
- (329) - میزان الحکمة ، ج 4، ص 118.
- (330) - ثواب الاعمال ، ص 70.
- (331) - بحارالانوار، ج 85، ص 107.
- (332) - بحارالانوار، ج 6، ص 235، (ترجمه آزاد).
- (333) - نمل (27)، آیه 89.
- (334) - نساء(4)، آیه 175.
- (335) - آل عمران (3)، آیه 133، ترجمه آیتی .
- (336) - شرح غررالحکم ، ج 3، ص 349.
- (337) - فرهنگ عمید، واژه آفت .

- (338) - مستدرک الوسائل ، ج 1، ص 105.
- (339) - مستدرک الوسائل ، ج 1، ص 113.
- (340) - کلیات سعدی ، ص 73، امیرکبیر.
- (341) - معراج السعاده ، ص 198، رشیدی .
- (342) - شرح غررالحکم ، ج 5، ص 310.
- (343) - بحارالانوار، ج 72، ص 316.
- (344) - همان ، ج 103، ص 16.
- (345) - وسائل الشیعه ، ج 1، ص 94. (حطیم میان رکن ومقام و درب کعبه است).
- (346) - محمد(47)، آیه 33.
- (347) - وسائل الشیعه ، ج 4، ص 1206.
- (348) - بقره (2)، آیه 264.
- (349) - شرح غرر الحکم ، ج 2، ص 287.
- (350) - شرح غرر الحکم ، ج 2، ص 308.
- (351) - بحارالانوار، ج 78، ص 41.
- (352) - چهل حدیث ، ص 45 - 46.
- (353) - میزان الحکمة ، ج 8، ص 239.
- (354) - حشر(59)، آیه 19.
- (355) - نهج الفصاحة ، مترجم ابوالقاسم پاینده ، ص 44.
- (356) - طه (20)، آیه 124.
- (357) - بحارالانوار، ج 71، ص 182.
- (358) - ثواب الاعمال ، ص 267.
- (359) - آل عمران (3)، آیه 30.
- (360) - سجده (32)، آیه 12.
- (361) - غافر(40)، آیه 60.
- (362) - ثواب الاعمال ، ص 294.

فهرست مطالب

2	مقدمه
4	درس اوّل: عبادت ، هدف خلقت
4	حقیقت عبادت
7	هدف خلقت در قرآن
8	هدف خلقت در روایات
11	درس دوّم: عبادت و کمال انسانی
11	مفهوم کمال
12	کمال یابی در پرتو عبادت
14	ویژگیهای انسان کامل
19	درس سوّم: نظم و اعتدال در عبادت
19	نظم و اعتدال و اهمّیت آن
21	نظم در عبادت
23	اعتدال در عبادت
26	مداومت و استمرار
28	درس چهارم: اخلاص در عبادت
28	اخلاص در عبادت چیست ؟
29	ارزش و اهمّیت اخلاص
30	مراتب اخلاص
32	راههای کسب اخلاص
34	آثار اخلاص
36	عابدان مخلص

40	درس پنجم : خشوع در عبادت
40	خشوع و اهمّیت آن
41	خشوع از دیدگاه قرآن و سنت
42	خشوع دل و اعضا
43	خشوع ، زینت اولیا
45	خشوع ، بال عبادت
46	موانع خشوع
48	درس ششم : طهارت در عبادت
48	اهمّیت طهارت در عبادت
49	طهارت ظاهری ، مقدمه طهارت روحی
51	عرش خدا، جای پاکان
52	درس هفتم : آثار نماز
53	الف - آثار دنیوی
60	ب - آثار اخروی
62	درس دهم : آثار ترک نماز
63	مراتب بی نمازی
64	آثار ترک نماز و بی اعتنائی به آن
71	درس یازدهم : نمازهای مستحبی
71	تاءکید بر نافله ها
72	فلسفه نوافل
75	تجلّی عشق به معبود
76	نماز شب
78	برخی از آثار نماز شب
81	درس دوازدهم : دعا و مناجات

81	جایگاه و ارزش دعا در اسلام.....
82	آداب دعا
85	اسباب و عوامل اجابت
87	موانع اجابت
91	درس سیزدهم : تفکر.....
92	رابطه عبادت و تفکر
94	ارزش تفکر
95	منابع تفکر
97	درس چهاردهم : عبادت و خدمت
98	محدوده خدمت
101	خدمتگزاری در نظام اسلامی
103	آفات خدمتگزاری
106	درس پانزدهم : تعظیم شعایر اسلامی
107	الف - اذان
108	ب - نماز جمعه و جماعت
110	ج - حجّ
119	احیای شعایر اسلامی
123	درس شانزدهم: روزه
123	میهمانی خدا
125	حکمت روزه
129	مراتب روزه داری
130	آداب روزه داری
133	آثار ارزشمند روزه داری
135	درس هفدهم : حجّ

135	جایگاه حجّ در اسلام.....
137	نگاهی به اسرار حجّ.....
138	احرام بستن
139	استلام حجر
140	حجّ و خودسازی
142	اخلاق در حجّ
144	حجّ و ولایت
148	درس هجدهم: آثار عبادت
149	آثار دنیوی
154	آثار اخروی
160	درس نوزدهم: آفات عبادت
160	آفت چیست ؟
161	انواع آفتها
163	پی نوشت ها
177	فهرست مطالب